

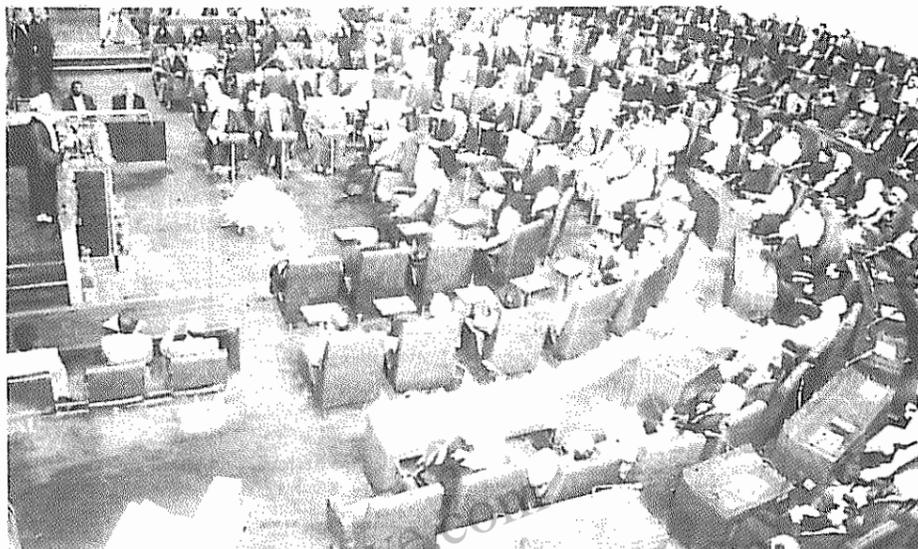
### خامنه‌ای: در مجلس باید جناح‌ها منحل شوند

### و حزب الله حاکم باشد

رئیس و هیأت رئیسه دائم مجلس انتخاب شدند

ناطق نوری با ۱۴۶ رای رئیس مجلس شد

خامنه‌ای: ریاست دولت آینده را شخص دیگری بر عهده خواهد گرفت



روز افتتاح مجلس پنجم

### دکتر رضامظلومان ترور شد

دکتر رضا مظلومان روز دوشنبه ۷ خرداد «۲۷ ماه مه» در حومه شهر پاریس به قتل رسید. جسد وی یک روز بعد در حالی که سه گلوله در سر و سینه او نشانده شده بود، در منزل مسکونی‌اش یافت شد. مطبوعات فرانسه اکثر جمهوری اسلامی را عامل این ترور اعلام کردند. ترور مظلومان هشتمین ترور سیاسی ایرانیان در فرانسه است.

پلیس آلمان سه روز بعد به درخواست پلیس فرانسه شخصی بنام احمد جیحونی مقیم آلمان را دستگیر کرد. وی از دوستان و همکاران رضا مظلومان بود و گفته می‌شود با سازمانهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی در ارتباط بوده است. احمد جیحونی در روز وقوع ترور به همراه یک نفر دیگر به دیدار وی رفته بود. قاضی فرانسوی ژان لویی پروگور، مسئولیت تحقیق پیرامون این ترور را به عهده گرفته است. وی مسئول تحقیق در مورد قتل دکتر بختیار نیز بود.

بقیه در صفحه ۳

### قیمت اجناس کوپنی چندین برابر افزایش یافت

این پس به قیمت ۱۰۰ ریال در اختیار مشتریان قرار خواهد گرفت. بهای این اجناس پیش از این ۳۳ ریال بود. قیمت یک کیلو چای بسته‌بندی مخلوط معمولی در بسته‌بندی کاغذی ۲۵۰۰ ریال، چای قلم مخلوط داخلی در بسته‌بندی مقوایی ۶۵۰۰ ریال، چای بهار مخلوط در بسته‌بندی مقوایی ۴۷۰۰ ریال و چای خالص وارداتی ۲۲۰۰ ریال تعیین شده است. بالا رفتن بهای ۲۰۰ قلم دارو از روز شنبه ۲۹ اردیبهشت اعمال شد. این داروها از ۵ تا ۵۰ درصد افزایش قیمت پیدا کرده‌اند. به گفته یک کارشناس دارویی بسیاری از داروهای تخصصی افزایش قیمت یافته، داروهای عفونی، قلب، اعصاب، کلیکی و غیره هستند. دکتر لاریجانی، معاون دارو و درمان وزارت بهداشت گفت علیرغم اختصاص یارانه‌ای ۳۰ میلیارد ریالی به بخش دارویی، به دلیل وجود پاره‌های مشکلات در بخش دارویی، افزایش قیمت دارو گریزناپذیر است.

بقیه در صفحه ۳

در ادامه افزایش بهای کالاهای اساسی مورد نیاز مردم که از آغاز سال جاری به این سو شدت گرفته است، دولت دست به گران‌تر کردن پاره‌های دیگر از این کالاها زد. پس از گران‌تر شدن نان، شیر، بلیط اتوبوس‌های شهری و ۱۵ کالای اساسی دیگر این بار نرخ روغن نباتی، قند و شکر، گوشت قرمز، پنیر وارداتی و چای و سپس ۲۰۰ قلم دارو در اواخر اردیبهشت ماه بالا رفت. افزایش بهای کالاهای ذکر شده با تصمیم دولت صورت گرفته است. قیمت گوشت قرمز یارانه‌ای بیش از ۳۰٪ بالا رفته و به ۱۰۰ تومان رسیده است. بهای روغن نباتی جامد حدود ۵۰٪ افزایش داشته و بهای قوطی‌های ۹۰۰ گرمی و ۴/۵ کیلوگرمی آن به ترتیب به ۳۰۰ و ۱۴۲۵ ریال رسیده است. بنا بر گزارش‌های انتشار یافته در سال جاری هفت کوپن دیگر روغن یارانه‌ای توزیع خواهد شد. همچنین بهای روغن نباتی ۴/۵ کیلوگرمی از ۱۱۵۰ تومان به ۱۲۰۷ تومان رسیده است. هر کیلو قند و شکر یارانه‌ای از

در صفحه ۲

می‌پرسد آیا هنوز هم نمی‌دانند که «امنیت‌ستاران آزادند و مستحقان امنیت محروم؟». دکتر سروش آنگاه با اشاره به اینکه سیاست هشت ماهه او مبنی بر صبر و سکوت نتیجه‌ای مطلقاً عکس داشته است، می‌گوید «اینک می‌بینم که نه تنها از این کار طرفی نبسته‌ام بلکه از جانب قانون‌شکنانی تهدید می‌شوم که مسئولان کشور، همه آنان را به نام و نشان می‌شناسند ولی دستی برای شکستن شاخ گستاخی‌شان بر نمی‌آورند». و بعد هم به گونه‌ای بسیار پر معنی از رفتن می‌پرسد: «آیا این نظام هم به گالیله‌ها و جوردانو برونو‌ها حاجت دارد؟». او سخن را با بقیه در صفحه ۳

قصد خود برای «خونریزی و جان ستانی» را اعلام داشته‌اند. دکتر سروش در ادامه شکوائیه خود، از رئیس جمهور می‌پرسد که آیا از فضای همه روزه «جمعی پیاده نظام و سواره نظام» و از اینکه «وزارت اطلاعات با تهدید و ارعاب امنیت را از او و معرفت دوستان سلب و امنیت را برای امنیت‌شکنان فراهم می‌آورد» مطلع است؟ او از رئیس جمهوری که به تعبیر وی از «حرمت و امنیت» حریت اهل قلم، سخن بسیار گفته»

دو نامه، یک خواست!

احضارهای مکرر، مجاز را بر من تنگ‌تر کرد و حقوق انسانی مرا ستاند و دست مخالفان را در قول و عمل گشاده‌تر نهاد». او در نامه خود گفته است: «به دلیل حمایت‌های آشکار و نهان پاره‌ای از مراجع آشکار و نهان و از آن میان، دفتر نمایندگی ولی فقیه - از مهاجمان»، کار به جایی رسیده است که حزب‌اللهی‌ها در کنار بکار گرفتن چماق، نامه‌های تهدیدآمیز برای او فرستاده‌اند و در آن «ماهیه گذاشتن از جان» را به میان کشیده و

تا کی در پی فقاقت؟

در پی تشکیل مجلس پنجم، رئیس مجلس نیز تعیین شد. ناطق نوری، کاندیدای همه آتانی که زیر علم ولایت فقیه متحدانه عمل کردند، توانست به زور تهدید و تطمیع، حمایت یک تعداد از تازه واردین به مجلس را جلب کند و با افزودن آرا آنها بر آرا ثابت فقهانی‌ها، کرسی ریاست مجلس را اشغال نماید. بدینسان تا آنجا که به فعل و انفعالات درون نظام برمی‌گردد، تا حدود زیادی تکلیف ریاست جمهوری آینده نیز تعیین شده است. ناطق نوری در گرامر کوشاک‌های انتخاباتی تصریح کرده بود که قوه مجریه بعدی بدست کسانی خواهد بود که مجلس پنجم را در اختیار داشته باشند و خامنه‌ای نیز چند روز پیش حجت را بر آتانی که در روای دست بردن در قانون اساسی نظام برای ابقا و تعدیل ریاست رفتن ریاست جمهوری به سر می‌بردند، تمام کرد. او با تصریح اینکه دولت آینده در اختیار فرد دیگری خواهد بود، به همه «اغیار» قدیمی و جدید حالی کرد که سینه چاکان ولایت فقیه عزم جزم کرده‌اند تا همه ارکان و نهادهای قدرت را در تیول «خودی»‌های فقهاتی درآورند.

- در این شماره
- برای جهانی در همبستگی
- اصول برنامه حزب چپ سوئد
- صفحه ۷
- در باره ایجاد نهاد
- دمکراتیک و رهبری مشترک
- مجید عبدالرحیم پور
- صفحه ۸
- مبارزات ناتمام زنان
- اسکاندیناوی
- اینگرید کارلاندر
- برگردان: علی صمد (پژمان)
- صفحه ۹
- سلام و سینما و سانسور
- صفحه ۶

مردی همسرش را در بیابان زنده به گور کرد!

مجله زن روز در شماره اخیرش (۱۲ خرداد ماه) خبر تکان‌دهنده‌ای تحت عنوان «استمداد یک زن زنده به گور شده» را درج کرد. این خبر چنان تکان‌دهنده است که برای لحظاتی، انسان شرایط مکانی و زمانی خود را فراموش می‌کند، چرا که می‌بایست این واقعه در دوره بربریت اتفاق می‌افتاد. نه در آستانه قرن بیست یکم! و مکان آن می‌بایست صحرای برهوت عربستان باشد. نه تهران! اما واقعیت را خود این زن ۳۳ ساله چنین می‌گوید: «شوهرم تصمیم گرفته است با زن دیگری ازدواج کند، به همین خاطر چند ماه قبل مرا تهدید می‌کرد تا به این بقیه در صفحه ۳

بدنبال بازداشت اعضای شاخه نظامی حزب الله مناسبات بحرین و حکومت اسلامی تیره شد

کشور را به سطح کاردار کاهش داد. در مقابل سخنگوی وزارت امور خارجه حکومت اسلامی هرگونه دخالت در امور داخلی دیگر کشورها از جمله بحرین را شدت تکذیب کرد. وی اضافه نمود: جمهوری اسلامی ایران به دولت بحرین توصیه میکند تحت تأثیر القنات دشمنان ملل مسلمان واقع نشود. اینگونه موضعگیری‌ها ناشی از تحریکات بیگانگان بوده و حاصل جز تحریک روابط و فراهم آمدن زمینه حضور قدرتهای خارجی در منطقه نخواهد بود.

روزنامه‌های وابسته به حکومت اسلامی نیز بحران بحرین را نه بیرونی بلکه درونی قلمداد کردند. بنوشته روزنامه اطلاعات بین‌المللی، شیعیان دوسوم جمعیت بحرین را تشکیل میدهند اما در حکومت نقشی ندارند و در نتیجه احساس می‌کنند که در مورد آنها تبعیض اعمال میشود.

اکنون یک دور حد از کشاکش‌های درون نظام با نتایجی معین پایان پذیرفته و جا به دور دیگری از جدال‌ها سپرده است. اما با اینهمه، بحث درباره نتایج و پیامدهای این دور از درگیری‌ها چه در میان خود مدافعان نظام و چه در بین نیروها و جریانهای منتقد و مخالف جمهوری اسلامی همچنان داغ است. رسالتی‌ها، که بخاطر ثبات قدم در دفاع از ولایت فقیه درست‌تر آنست تا فقهاتی‌ها نامیده شوند، خود را فاتح جبهه معرفی می‌کنند. آنها می‌گویند که هدف در این جدال، مرزبندی روشن‌تر بین مدافعان راستین ولایت فقیه و دیگران، تسخیر مجلس و تحکیم خاکریز برای بدست گرفتن مقام ریاست جمهوری آتی بوده و اینهمه، اکنون تحصیل حاصل است. «کارگزاران» نیز مدعی هستند که هدف، ناکام گذاشتن تعرض سازمان یافته «روحانیت مبارز»، جایگزینی مجلسی متوازن بجای مجلس چهارم و فراق کردن عرصه مبارزه بر سر ریاست جمهوری بعدی بوده و اینها، اکنون فراچنگ آنهاست. «خط امامیها» هم، خود را برنده کشاکش‌های درون نظام معرفی می‌کنند زیرا به زعم آنان هم ائتلاف راستگرای قدرتمندی که در آستانه انتخابات مجلس چهارم شکل گرفته بود در این دور منسحق شد و هم «چپ اسلامی» توانست بیش از پنجاه کرسی در مجلس پنجم بدست آورد و به نیرویی اثرگذار بر روندها و صاحب تریبونی مهم در قوه مقننه اسلامی شود.

براستی حق با کیست؟ این برد و باخت‌ها را به چه نحو باید ترازبندی کرد و تحلیل واقعی آنچه که گذشت و می‌گذرد کدامست؟

پیروزی ادعایی فقهاتی‌ها بر حریفان البته بر اساس شاخص‌ها و میزانی‌هایی که خود آنها طرح می‌کنند، درست است، چه، آنها موفق شده‌اند که موقعیت برتر خود در همه نهادهای اصلی قدرت را تثبیت بکنند و حتی گامهایی نیز در همین سمت به پیش بردارند. بعلاوه آنها به قرار گرفتن خامنه‌ای ولی فقیه در جایگاه واقعی ولایت فقیه شتاب بزرگی داده و به او کمک کردند تا باقی ملاحظات ناشی از موقعیت زعامت «امت واحده مسلمان» را کنار گذاشته و آشکارا بعنوان سخنگوی بی‌لکت ائتلاف تاریخی و ناگسستنی روحانیت - بازار بر آمد نماید. اما جان مطلب در آنست که بینیم این پیروزی‌ها به چه بهایی بدست آمده و در برابر شکستی که آنها از نیروی عظیم مخالف با ولایت فقیه در جامعه متحمل شده‌اند، چه وزنی را دارا است؟

بقیه در صفحه ۲

## یادداشت

## ترور سیاسی، لازمه سیاست ترور

بار دیگر یکی از فعالین سیاسی در خارج از کشور ترور شد و بار دیگر تمام انگشت‌های اتهام جمهوری اسلامی را نشانه رفت. دکتر رضا مظلومان، منتشر کننده نشریه «پیام ما آزادگان» روز ۲۷ ماه مه در پاریس به قتل رسید. پلیس فرانسه قتل را کار تروریست‌های حرفه‌ای دانست و اعلام کرد علت آن به احتمال زیاد سیاسی است.

این امر که تقریباً تمامی نیروهای اپوزیسیون پس از پرس و جویی اولیه جمهوری اسلامی را عامل این ترورها می‌شناسند، نه اتفاقی است و نه قضاوتی عجولانه. ۱۷ سال آماج انواع توطئه‌های تروریستی رژیم قرار داشتن به آنها آموخته است که تقریباً در تمامی اینگونه ترورهای سیاسی برای یافتن عاملین اصلی، نیازی به جمع‌آوری و پی جویی دلایل محکمه پسند نیست. تاکنون در هیچ موردی از ترورهای سیاسی ایرانیان در خارج از کشور نبوده است که بعداً به نوعی نقش مسئولین جمهوری اسلامی به اثبات نرسیده باشد.

و نیز خوشبختانه دیگر کمتر نیرویی در اپوزیسیون در محکوم کردن ترور، اندیشه و پروای گرایش سیاسی و ایدئولوژیک فرد ترور شده را به خود راه می‌دهد. اینک تروریسم دولتی جمهوری اسلامی در هر تجلی آن بشدت محکوم می‌شود.

وسعت افشارگری‌های انجام یافته در قبال ترورهای قبلی حکومت اسلامی، برای مدتی توقف اقدامات تروریستی رژیم را به دنبال داشت. به خطر افتادن جدی رابطه جمهوری اسلامی با اروپا که برای این رژیم از اهمیت حیاتی برخوردار است و اعمال فشار دولت آمریکا نیز در همین راستا عمل کرد و ظاهراً اینگونه می‌نماید که ملایان حاکم بر کشور دیگر استفاده از حربه ترور را «به صرف» نمی‌دانند. اما هنوز تا رسیدن به آن موقعیت تلاش‌های بسیار باید انجام گیرد. هنوز مصلحت جویی مبنای اقدامات رژیم نیست و بیهوده است از جایگاه و بر مبنای عقل سلیم به پیش بینی اقدامات رژیم پرداخت.

یک رژیم تمامیت‌گرای مذهبی، کینه‌ورز و انتقامجو با تفکر و منشی قرون وسطایی، عاجز از مبارزه و رقابت فکری با مخالفان و در مانده در حل مشکلات و مصائب بی‌شمار کشور، نابودی مخالفان خود را در مرکز سیاست‌های خود قرار داده است. این فرد را به خاطر نظرات غیر و یا ضد اسلامی‌اش، آن دیگری را برای موقعیت سیاسی و آن شخصیت را به خاطر موقعیتش در میان مجموعه نیروهای اپوزیسیون بقتل رسانیده‌اند و به همین سبب هر فردی از فعالین مؤثر اپوزیسیون می‌تواند در راس لیست مرگ جمهوری اسلامی قرار گیرد. رژیم ملایان سیاست ترور را همچنان ادامه می‌دهد.

مسائلات کشورهای اروپای غربی با تروریسم بین‌المللی جمهوری اسلامی و عدم مقابله جدی آنان با شبکه‌ها و اقدامات تروریستی این رژیم تاکنون مشوق این اقدامات بوده است. چشم پوشی کشورهای اروپایی نسبت به تروریسم جمهوری اسلامی تحت عنوان ضرورت ادامه سیاست «دیالوگ انتقادی» صورت گرفته است، بهای سنگین و خونین این اغماض و پیشبرد این چنینی سیاست «دیالوگ انتقادی» را تاکنون ایرانیان و نیروهای اپوزیسیون پرداخته‌اند.

راه مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی در بیرون مرزهای کشور و ایجاد سپر دفاعی در برابر تروریست‌های رژیم نیز از طریق فشار بر دولت‌های اروپایی برای مقابله با تروریسم و تروریست‌ها می‌گذرد. باید با کسب حمایت هر چه بیشتر احزاب مترقی از این کشورها شرایطی ایجاد نمود تا حقوق بشر و مقابله با تروریسم بیش از پیش به پای منافع اقتصادی قربانی نشود.

ما ترور دکتر رضا مظلومان را بشدت محکوم می‌کنیم و آن را هشداری به همه نیروهای اپوزیسیون برای مقابله هماهنگ با تروریسم جمهوری اسلامی تلقی می‌کنیم.

## تاکتی در پی فقاقت؟

بقیه از صفحه اول

غلبه فقاقتی‌ها بر حریفان در درون نظام، یک روی سکه‌ای است که بر روی دیگر آن شکست سنگین و فضاقت بار این جماعت از خود جامعه حک است. فقاقتی‌ها که از مدتها پیش همه اهرمهای قدرت را به کار انداختند تا غیر خودیها را در پشت انواع سدهایی که بپا کردند متوقف ساخته و به گونه ظاهر اصلاح و با نام رأی و تصمیم مردم، اهداف خود را جامه عمل ببوشانند، در جریان انتخابات مجلس اسلامی با مقابله نیرومند جامعه روبرو شدند.

شکست واقعی فقاقتی‌ها را هم در واقع نه در چارچوب کشاکش‌های درون نظام که باید در مقابله جامعه با این نظام و مشخص‌ترین چهره آن، یعنی حکومت فقاقتی و ولایت امردید. این مقابله جامعه در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با حکومت فقاقتی و ولایت فقه است که به ناگزیر هم گرایش‌های فکری و سیاسی و هم ارگان‌ها و نهادهای اجرایی در درون نظام را تحت تاثیر خود می‌گیرد و نیروی‌های نظام را در هر سر بزنگاه سیاسی و در هر مقطع حساس در روند زوال نظام به دو

شمارش ماههای پایانی ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی با گشایش مجلس پنجم شورای اسلامی آغاز شد. در پیامی که خامنه‌ای به مناسبت شروع کار مجلس پنجم به نمایندگان فرستاد، تاکید کرد که ریاست دولت آینده را «کسب‌خیز» دیگری بر عهده خواهد داشت.

دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، روز شنبه ۱۲ خرداد با حضور ۲۴۳ تن از نمایندگان، هاشمی رفسنجانی، یزدی رئیس قوه قضائیه، محمدی گلپایگانی رئیس دفتر خامنه‌ای و اعضای هیات دولت با پیام خامنه‌ای آغاز به کار کرد. ریاست سنی جلسه اول مجلس را محمد نوری‌زاده نماینده ۶۹ ساله مشکین شهر بر عهده داشت. در جلسه نخست بعد از قرائت پیام خامنه‌ای و سخنرانی رفسنجانی، رئیس و اعضای هیات رئیسه موقت انتخاب شدند تا جلسات بررسی رای اعتماد نمایندگان را اداره کنند. مطابق ضوابط مجلس شورای اسلامی، انتخاب رئیس و هیات رئیسه دائم و رسمیت یافتن مجلس مشروط به کسب رای اعتماد نمایندگان است. اخذ رای اعتماد یکی از هفتخوان رسیدن به کرسی نمایندگی مجلس جمهوری اسلامی است.

انتخاب هیات رئیسه موقت در جلسه دوم مجلس نخستین آزمون قدرت جناحها بود. کاندیدای جناح رسالت علی اکبر ناطق نوری رهبر جامعه روحانیت مبارز بود و عبدالله نوری کاندیدای ائتلاف «کارگزاران سازندگی» و «خط امامی‌ها». ناطق نوری با کسب ۱۳۲ رای به عنوان رئیس و هم‌زمان انتخاب شد و عبدالله نوری ۱۰۵ رای آورد. حسن روحانی با ۲۲۶ رای و علی موحدی کرمانی با ۱۳۱ رای نواب ناطق نوری شدند. روحانی دبیر شورای امنیت است و کرمانی نماینده خامنه‌ای در سپاه پاسداران. نمایندگان جناح رسالت در نشست‌های کسب رای رای‌گیری باهم داشتند، قسم خورده بودند که بیعت با خامنه‌ای نکنند و از ریاست ناطق نوری حمایت کنند. آنان به یکایک نمایندگان منفرد و متمایل به گروه کارگزاران هشدار داده بودند که چنانچه به ناطق نوری رای ندهند، اعتبارنامه‌شان رد خواهد شد.

در بررسی اعتبارنامه‌ها، نمایندگان حوزه‌های انتخابیه کرج و اشتیارد، تفرش و آشتیان، رفسنجان، هشترو، الیگودرز و سنجند خط خوردند و تکلیف آنان به کمیسیون تحقیق سپرده شد. با رد اعتبارنامه نمایندگان یاد شده و ابطال انتخابات ۱۸ حوزه در دور اول و دوم که از جناح کارگزاران و ائتلاف خط امام بودند، شمار نمایندگان مجلس از ۲۷۰ نفر به ۲۴۱ نفر کاهش یافت.

انتخاب رئیس و هیات رئیسه دائم مجلس در روز چهارشنبه ۱۶ خرداد، دور دوم مصاف دو جناح بود. در این

دور جناح رسالت با اطمینان از پیروزی خود حتی حاضر نشد پیشنهاد برخی از نمایندگان را که خواهان ترکیب مشترک هیات رئیسه بودند، بپذیرد. برای رسالتی‌ها روشن بود بعد از پیام خامنه‌ای که در آن آشکارا از ناطق نوری حمایت کرد و انتخاب وی را وظیفه نمایندگان دانست، آرای جناح آنان کمتر نخواهد شد. در رای‌گیری دور دوم ۱۴۶ نماینده به ناطق نوری رای دادند و عبدالله نوری کاندیدای جناح کارگزاران و ائتلاف خط امام ۹۲ رای آورد. حسن روحانی با کسب ۲۰۹ رای نایب رئیس اول شد و محمدعلی موحدی کرمانی با ۱۳۲ رای نایب رئیس دوم. بنا به گفته حسن غفوری فرد، رسالتی‌ها در جلساتی که با هم داشتند حتی نام منشی‌های مجلس را هم تعیین کرده بودند تا «حزب‌الله» بدانند به چه کسی رای بدهد.

## خامنه‌ای: همه باید از فرامین من پیروی کنند

خامنه‌ای در پیام خود با نکوش لیبرالیسم صراحتاً از نمایندگان خواسته بود در مقابل جناح کارگزاران که به توصیف وی «شیاطین نفوذی» در نظام جمهوری اسلامی هستند، ایستادگی کنند و به آنان رای ندهند، وی این جناح را جریانی خواند که «در میدان سیاست و اقتصاد، توقعات نامشروعی از نظام اسلامی و مسئولان بلندپایه آن مطرح می‌کند و وظیفه مجلس شورای اسلامی در مرتبه اول، ایستادگی در برابر توقعات و پای فشردن بر راه روشن و صراط مستقیم اسلامی و انقلاب اسلامی است.»

رهبر حکومت اسلامی که بر پیام خود عنوان «جهت‌گیری‌های کلی مجلس» نهاده است، تاکید کرد رعایت تذکرات وی وظیفه حتمی نمایندگان است. خامنه‌ای فراموشی شعارهای مقدس و ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی را پدیده خطرناکی خواند که کارگزاران سازندگی از سر ساده اندیشی و ظاهر بینی به آن دچار شده‌اند و این پندار بر آنان مسلط شده که گویا با ورود به مراحل پیشرفت، دوران شعارهای اسلامی سرآمده است. وی جناح مخالف را به کسانی تشبیه کرد که تیشه بر ریشه رژیم می‌زنند. خامنه‌ای گفت: «هرکس به نام سازندگی، ارزش‌های انقلابی را مورد بی‌اعتنایی قرار داد، در دعوی سازندگی نیز دچار خطا و بهم است و هر کس به این عنوان که امروز روز عمل است، شعارهای درخشان انقلاب را تحقیر کند، مانند کسی است که بر سر شاخه نشسته و بن می‌برد.»

خامنه‌ای در بخش دیگری از پیام خود بر ضرورت جلوگیری از انعکاس اختلاف درون رژیم در میان مردم اشاره کرد و تمکین همه به رهبری وی را تنها راه غلبه بر کشمکش‌ها خواند و

پروان خط امام و زمانی هم هر کس که بخواید باشد. تئوری ولایت فقیه و تبیین آن، در محور تاریخی روحانیت تشیح - بازار سنتی زاده شده، شکل گرفته و قوام یافته است و تکامل آن نیز، تنها در مسیر استقرار هسته هرچه فشرده‌تر حافظان این محور، در ارکان قدرت نهفته است. خامنه‌ای، در راهی رفعت و می‌رود که باید، او دچار تناقض نیست.

تناقض از آن دیگری است که قلاوه ولایت فقیه را برگردانند و در همانحال توان خود را مصروف زودن آزار آن می‌کنند. فتوحات ادعایی «کارگزاران» و «خط امامی‌ها» در مقابل فقاقتی‌ها، البته در چارچوب تنگ نظام جمهوری اسلامی، طبقاً از برخی جنبه‌ها و زوایای درست هم هست، اما هر آینه اینها را اراده‌ای در میان باشد تا حقیقت را درک کنند، باید دریابند که آنان،

## خامنه‌ای: باید حزب الله حاکم باشد

گفت: «جنبه‌گیری‌های ناسالم و نسبت‌هایی که به معنای وجود چند دستگی در مراکز عالی نظام است، مناسب مجلسی که باید مظهر وحدت باشد، نیست. در جمهوری اسلامی همه کانونهای اصلی اندیشه و سیاست و تدبیر موظفانند بر گرد محوری واحد، جهت واحدی را دنبال کنند». خامنه‌ای افزود: «بلندگویی مجلس نباید محلی برای پراکندن سخنان زهرآگین و خاموش کردن فروغ امید در دل مردم باشد.»

رهبر حکومت اسلامی آشکارا با تشکیل هرگونه حزب و سازمان توسط نیروهای درون نظام ابراز مخالفت کرد و وجود کارگزاران سازندگی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و سایر گروه‌های خط امام را که در آستانه انتخابات برای رویارویی با انحصارطلبی جناح رسالت به ائتلاف دست زدند و قصد دارند در آینده به موجودیت خود به صورت «فراکسیون» و یا «جنبه» ادامه دهند را غیر ضروری دانست. خامنه‌ای فاقد صلاحیت» و «تقلید از الگوهای فاقد صلاحیت» و «مجلسی که کشور را به عقب‌نشینی اخلاق سیاسی صلاحیت آن را ندارند که الگو قرار گیرند، از لحاظ ترکیب سیاسی نیز لزومی ندارد که مورد تبعیت و تقلید واقع شوند. تعبیرهای چپ و راست با اصرار بر وجود احزاب سیاسی در مجلس قانونگذاری و مانند اینها سوغات‌های بی‌ارزشی است که شأن مجلس شورای اسلامی بالاتر از پذیرش کورکورانه آنهاست.»

خامنه‌ای در ارتباط با دولت از نمایندگان خواست با تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آن دولت را موظف به «اداره صحیح امور سازند» و «مراقب باشند که وسوسه‌های بعضی از شیاطین که احياناً ممکن است در صفوف مقدس مدیران اجرایی کشور نفوذ کرده باشند آنان را از وظایف نمایندگی ملت که امانتی الهی است، باز ندارند.»

مهمترین موضوع پیام خامنه‌ای، تاکید وی بر سرکوب مخالفان درونی و پایان قطعی دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی است. وی آشکارا اعلام کرد که «در دولت بعدی به فضل و هدایت الهی مسئولیت اداره اجرایی کشور بر دوش شخصیت برجسته و برگزیده دیگری خواهد بود». با این اظهارات خامنه‌ای حداقل در شرایط کنونی راه تجدید نظر در قانون اساسی برای تأمین شرایط انتخاب رفسنجانی به ریاست جمهوری را بست. هم‌نظران رفسنجانی تا به حال چندین بار برای تغییر قانون اساسی خیز برداشته‌اند اما هر بار با واکنش تند ناطق نوری و خامنه‌ای روبرو شده‌اند. از سخنان هاشمی رفسنجانی در مجلس پیدا بود که وی از نتایج انتخابات نارضاضی است. رفسنجانی با ابراز تأسف از بساطل شدن انتخابات تعدادی از حوزه‌ها، اظهار کرد: «در این دوره

حداکثر پیروزی‌هایی در عین شکست داشته‌اند. چنین جمع بستنی از آنرو دارای اهمیت است که شادخواری بر سر چنین پیروزی‌هایی، قطعاً مجال تأمل بر شکست را از آنان سلب می‌کند. شادخورانی از ایندست، فرصت درک این حقیقت را از دست می‌نهند که: وانهادن انتخاب میدان به حریف، شکست خوردن پیشاپیش در همین میدان است و پیروزی‌های مقطعی، تأثیری جز سمج کردن خود آنان در توهم‌هایشان ندارد.

آنها باید تناقض در خویش را کشف کنند. این تناقض را که، نمی‌توان در دعا با صاحبان اصلی قدرت در ولایت فقیه، هم نیروی مبارزه خود را از منبع عظیم مقابله جامعه در برابر ولایت فقیه برگرفت و هم از ولی فقیه اطاعت نموده و یا حداکثر در محافل خصوصی بنحو

تلاش فراوانی انجام شد که انتخابات شکوهمندی برگزار شود و به طور نسبی باید راضی باشیم.»

## عبدالله نوری: ماهه فعالیت حزبی و جناحی ادامه می‌دهیم

پس از انتخاب ناطق نوری به ریاست مجلس، عبدالله نوری کاندیدای جناح کارگزاران و ائتلاف خط امام در مصاحبه با روزنامه اطلاعات اعلام کرد که علیرغم مخالفت و فشار خامنه‌ای، «جناح کارگزاران قاطعانه همان ترفندی و اعتقادی خود را ادامه خواهد داد». وی یادآور شد که جناح رسالت به رهبری خامنه‌ای اگر چه اکثریت مجلس را به دست آورده است اما «اگر بخواهد کارش و آموزش پیشرفت داشته باشد، باید همکاری بین نمایندگان برقرار باشد و احتمالاً در همه موارد یک جناح آرای قاطع کسب نخواهد کرد.»

عبدالله نوری در باره چگونگی ادامه فعالیت «کارگزاران» و سایر طیفهای مخالف در مجلس گفت: «این احتمال وجود دارد که مجموعه‌های موجود در مجلس به صورت یک حزب یا جنبه متحد درآیند و اگر این امر صورت بگیرد امری خوب و مثبت خواهد بود». وی در باره تأثیر ترکیب کنونی مجلس در انتخابات ریاست جمهوری که در سال آینده برگزار خواهد شد، اظهار داشت: «انتخابات ریاست جمهوری بستگی به شیوه‌های انتخاباتی که اعمال می‌شود، خواهد داشت و اینکه آیا شرایط برای همه یکسان و آزاد است و آیا امکانات میان همه به تساوی تقسیم خواهد شد یا نه.»

## تدارک سرکوب گسترده

رسالتی‌ها برای سرکوب سایر جناحها بر خود عنوان حزب‌الله نهاده‌اند تا نمایندگانی را که در صفوف آنها نیستند به اتهام غیر حزب‌اللهی بودن تحت فشار قرار دهند و وادار سازند که از جناح مخالف دوری کنند. سخنان خامنه‌ای نیز دلالت بر آن دارد که ناسور و سرکوب نمایندگان جناح مخالف در مجلس شدت خواهد یافت. هزمان با گشایش مجلس پنجم انصار حزب‌الله با صدور بیانیه‌ای به شددت به گروه کارگزاران سازندگی حمله کردند، حزب‌الله در بیانیه خود تهدید کرد اگر نماینده‌ای به طرفداری از صلح فلسطین و اسرائیل سخن بگوید یا به آمریکا چراغ سبز نشان دهد و یا از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی لیبرالیسم دفاع کند، به دست حزب‌الله از روی صندلی پارلمان به خیابانها کشانده و محاکمه علنی و انقلابی خواهد شد. همچنین در بیانیه حزب‌الله آمده است: حفظ حریم ولایت فقیه و مقام معظم رهبری مهمترین معیار است و هر کس پاروی این اصل بگذارد پایش شکسته خواهد شد.

شمرمگانه از عملکرد «شورای نگهبان» و ولایت فقیه گلایه کرد. این‌ها چاره‌ای ندارند جز اینکه اعلام کنند آنچه بر سر جامعه و از جمله خود آنها می‌آید قبل از همه ناشی از آن غده سرطانی است که نامش ولایت فقیه است.

آنها هنوز اراده نکرده‌اند تا روند حرکتی خود را با این جمع‌بست توضیح دهند که حرفها و عملکردهای تازه آنان چیزی جز فاصله‌گیری از الزامات حاکمیت فقه، اصل ولایت فقیه و خود شخص ولی فقیه نیست.

درفتادان با فقاقتی‌های پیگیر و ایستادگی در برابر تعرض های این جماعت البته شرط لازم پیروزی آنان در اهدانشان است ولی کفایت موضوع همانا باید در رهیدن از ولایت فقیه جستجو شود. جز این، به انتظار نشستن است تا مگر کوه موش بزاید!

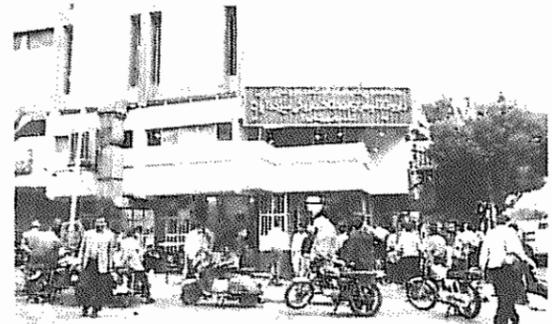
## قیمت اجناس کوپنی چندین برابر افزایش یافت

بقیه از صفحه اول  
واکنش‌ها

کارشناس دارویی با انتقاد از برخورد دولت در زمینه بالا بردن قیمت‌ها گفت: متأسفانه دولت خود رسماً افزایش قیمت دارو را اعلام نمی‌کند و این مسئله باعث تنش میان مسئولان داروخانه‌ها و ارباب رجوع می‌شود. لاریجانی، معاون دارو و درمان وزارت بهداشت افزایش قیمت داروها را اقدامی متکی بر کار کارشناسانه‌ای یک‌ساله توسط سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و با هماهنگی وزارت بهداشت و شورای اقتصاد خواند.

یک تهرانی در رابطه با افزایش نرخ کالاهای اساسی گفت وقتی سرمایه مملکت دست یک گروه خاص باشد که هر کاری دلشان می‌خواهد می‌کنند، همین می‌شود که از طریق سیاست‌های آنها، قشر

خودی خود وضع معاش خانواده‌ها را بدتر نمی‌کند، اما این امر بهانه‌ای به دست دلال‌ها و برخی کاسب‌های سودجو می‌دهد که اجناس خود را گران‌تر بفروشند. یک خانم کارمند با اشاره به بالا رفتن بهای نان از یک ماه پیش از موج جدید گرانی‌ها گفت از دولتی که نرخ نان را، که اصلی‌ترین منبع غذایی خانواده‌هاست افزایش دهد، نمی‌توان انتظار داشت که اجناس کوپنی را گران نکند. مردم چاره‌ای ندارند چون باید شکم خود را سیر کنند، اما دولت باید بداند که با این کارهایی که می‌کند



به نارضایتی در میان مردم دامن می‌زند. یک زن خانه‌دار گفت با این راهی که دولت در پیش گرفته است، طبقه سوم بدبخت چه کار باید بکند؟ یک فروشنده مواد غذایی با گله‌مندی از افزایش قیمت‌ها گفت اقلیتی که درآمد خوبی دارند، احتیاجی به کوپن ندارند. در این میان طبقه متوسط و کم درآمد جامعه است که لطمه می‌خورد. اکثر مردم توان خرید ندارند، به طوری که گاهی اوقات من از روی مردم شرمند می‌شوم. بدتر از همه این که دولت جدیداً برخی اجناس را که قیمت‌هایشان

آسیب‌پذیر جامعه که به اسم آنها انقلاب شد، روز به روز مستضعف‌تر بشود. خانمی مسن به طعنه گران کردن کالاهای کوپنی را یکی از راه‌های از بین بردن فقر خواند! مردی گفت فکر می‌کنم نقدینگی دولت پایین آمده دولت برای جبران آن قیمت اجناس اعم از کوپنی و غیر کوپنی را افزایش می‌دهد. با درآمد ثابتی که مردم ما دارند، طبیعتاً وسعشان نمی‌رسد که مثلاً گوشت تازه کیلویی ۱۲۰۰ تومان مصرف کنند. مردی دیگر معتقد بود افزایش قیمت اجناس کوپنی به

تعیین شده بود و جزو تعزیرات بود، آزاد اعلام کرده است. من فکر می‌کنم چون بخش‌های تولیدی عمدتاً در دست افراد دولتی‌است و اینها صاحب منافع هستند به طرق خاصی این سدها را از بین می‌برند. خانمی بر این نظر بود که شیوه بالا بردن قیمت‌ها از سوی دولت مصداق این مثل است که «به مرگ می‌گیرد تا به تب راضی شود». دولت ابتدا قیمت جنس‌های غیر کوپنی را چیزی حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد افزایش می‌دهد و در کنار آن هم قیمت جنس‌های کوپنی را بالا می‌برد که در واقع با وجودی که قیمت جنس‌های کوپنی چند برابر می‌شود، مردم آن را غنیمت بدانند.

حکومت زورگو و سحرکوب‌گر مسلمین حاکم بر ایران به این بسنده نمی‌کند که دار و ندار سرزمین ما را به تاراج و بیجا برد. از یک سو این نامردمیان ستم‌گر از خون گسترده

دارایی‌های میهن ما پرور می‌شوند، عمق جیب‌های بی‌ته خود را پر می‌کنند و ثروت ملی ما را از کیسه خلیفه به یکدیگر پیشکش می‌نمایند و از سوی دیگر این دزدان سرگردنه، در پلیدی و حقارت بی‌مثالان تمامی تاریخ کهن این مرز و بوم، اینان که ضحاکان نشیب‌های تاریخی کشور ما را روسفید کرده‌اند، هر روز بیش از روز پیش نان از سفره مردم ما می‌ربایند تا گویا از محل آن خرج و مخارج ولایت و قیامت و امامت و «سازندگی» را تأمین کنند. به راستی که اینان در قیامت و بی‌شرمی همپایی ندارند.

## دکتر رضا مظلومان ترور شد

ما آزادگان «فعالیت‌های خود را پی گرفته بود. نشریه «پیام ما آزادگان» تمایلات شدید ضد آخوندی، ضد اسلامی و ضد عربی را بازتاب داده و از دین زرتشت و سنن باستانی ایرانی و آریایی دفاع می‌کرده است. گمنام می‌شود دکترمظلومان

بقیه از صفحه اول  
دکتر رضا مظلومان استاد رشته جرم‌شناسی دانشگاه تهران و در رژیم سابق مدتی معاون وزیر آموزش و پرورش بوده است. وی پس از انقلاب با علی امینی، شاپور بختیار و منوچهر گنجی همکاری سیاسی داشته است. در سال‌های اخیر وی با ادامه انتشار «پیام

با نام «کوروش آریامنش» در این نشریه مطلب می‌نوشته است. مانند موارد قبلی، بدنبال وقوع ترور مزبور نیز سفارت جمهوری اسلامی در فرانسه به تکذیب نقش رژیم ایران در این ترور پرداخت و اعلام کرد هر گونه ترور را به هر شکل محکوم می‌کند.

## مردی همسرش را در بیابان زنده به گور کرد!

بقیه از صفحه اول  
صلت رضایت بدهم، اما من زیر بار نمی‌روم. بعد از این که اصرار همسر را دیدم تقاضای طلاق کردم. من مادر ۴ فرزند او هستم. از آنجا که مهریه من، سند خانه محل سکونت ما و خودرویی است که شوهرم دارد. او با این طلاق مخالفت کرد. وقتی از جلب رضایت من ناامید شد، صبح روز جمعه مرا به بهانه گردش به خارج از شهر برد. به بیابان خلوتی رسیده بودیم که ناگهان شوهرم مرا به داخل گودالی پرت کرد و بعد تصمیم گرفت با ریختن خاک مرا در این گودال زنده به گور کند. در آن هنگام راه نجابتی نداشتم و فقط کیف دستی‌ام را روی سرم گرفته بودم و با آن به خاک‌هایی که بر سرم فرو می‌ریخت فشار می‌آوردم تا فضاپی برای نفس کشیدن ایجاد کنم. شوهرم پس از برگردن گودال رفت و من از

صبح آن روز تا شب تلاک‌کردم تا خاک‌ها را کنار بزنم و خودم را از گودال بیرون بکنم. آن شب، تنها و وحشت‌زده در بیابان تاریک دویدم و خودم را به شهر رساندم وی افزود: «حالا از ترس کینه‌ورزی شوهرم به دادگاه پناه آورده‌ام و می‌خواهم از این مرد خطرناک جدا شوم». او به دادگاهی پناه می‌برد که می‌بایست جایگاه امنی برای او باشد. اما پس از تصویب قوانین قضایی در رژیم بنیادگرای اسلامی، دادگاه‌ها که حامی اینگونه مردان به شمار می‌روند، با استناد به قوانین زن ستیز، علیه زنان حکم صادر می‌کنند. پس از استقرار جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷، کلیه حقوق زنان از جمله حقوق زن در چهارچوب قوانین و مقررات مربوط به «خانواده» بکلی دگرگون شد. چنانچه قانون حمایت

خانواده مصوب ۱۳۴۶ حق طلاق یک طرفه مرد را محدود و در اختیار دادگاه قرار می‌داد و زنان بر اساس این قانون حق داشتند به دادگاه مراجعه و ضمن تشکیل پرونده تقاضای صدور «حکم عدم سازش» بنمایند. اما در رژیم اسلامی این قانون بی‌اعتبار گردید و قوانین شرعی جای آن را گرفت. به موجب قوانین شرعی طلاق حق انحصاری مرد است مگر آنکه در متن قرارداد ازدواج (عقدنامه) به صورت شرط ضمن عقد برای زن اجازه طلاق گرفتن پیش‌بینی شده باشد. به موجب قانون مدنی جمهوری اسلامی و بر اساس فقه شیعه، تعدد زوجات آزاد است و مرد می‌تواند چهار زن عقدی داشته باشد. و به هر تعداد ازدواج موقت (صیغه) بنماید

## دو نامه، یک خواست!

بقیه از صفحه اول

طرح خواست اصلی خود از رئیس جمهور، چنین پایان می‌دهد: «من اینک به تعظم نزد شما آمده‌ام و نه فقط برای خود، بلکه از بیدادی که بر آبرو و فضیلت این فرهنگ پرتوان می‌رود؛ و انتظار اکید دارم که به پشتوانه اختیارات خود در دفع این عفونت فرهنگی بکوشید».

دکتر سروش در نامه‌اش با هشدار دگرباره پیرامون خطر «سیاه‌کاران و اهرمنان» و تذکر اینک «خاموش نشستن روا نیست. مگذارید آنان پیروز شوند» به رفسنجانی اطمینان می‌دهد که هر آینه در برابر مهاجمان بایستد «همه فرهنگ دوستان، نیکخواهان، خوشونت ستیزان و حق‌طلبان این دیار را همدل و هم قدم خود خواهد یافت».

اما نامه سروش تازه انتشار یافت بود که دانشجویان گروه انصار حزب الله نیز در اقدامی مشابه، هاشمی رفسنجانی را خطاب قرار داده و نامادی سرگشاده خطاب به وی منتشر

کردند. اینها که به چماقداری شه‌اند در نامه‌شان به رئیس جمهور، ابتدا عزم خود را در تداوم انجام آنچه که مأموریت خود می‌شناسند، یادآوری می‌شوند: «به ما پیشنهاد می‌شود که آرام بگیریم ولی ما، قادر نیستیم». زیرا که «ما مشت‌شوریده هستیم که عهد بستیم بیاستیم. پس می‌ایستیم». انصار حزب الله سپس در توجیه اینکه چرا در برابر سروش‌ها و دیگر مروجان سکولاریزم، تفکیک دین از حکومت و حاکمیت لائیک» میدان عمل را انتخاب کرده‌اند، می‌نویسند:

«آنچه امروز در بوق می‌کنند، (فلسفه) نیست، (وسوسه) است» و «حاج فرج دباع»ها (نامی که دکتر سروش را به نشانه تحقیر به آن می‌خوانند) برآند تا نزاع را از صحنه «عمل» به «تئوری» بکشانند و از این طریق اثبات کنند که اسلام، دین فردی و عبادی و به عبارت دیگر آمریکایی است».

انصار حزب الله در نامه‌شان به رفسنجانی سوگند یاد می‌کنند که هرگز به چنین چیزی تن نخواهند داد و با عمل و حضور در صحنه عمل مانع از آن خواهند شد تا «امثال حاج فرج دباع

با استفاده از امکانات نظام به تبلیغ و نشر سکولاریزم و اخلاق و اعمال لیبرالی پرداخته و برای حزب سکولاریست‌ها کادر سازی بکنند». انصار حزب‌الله سرانجام رفسنجانی را خطاب قرار داده و اینچنین اتمام حجت می‌کنند:

«آقای رئیس جمهور!

این نبردی است میان دو گرایش رویاروی، که سرسازش با یکدیگر ندارند و سازش از هر سو که شروع شود به نفعی بنیادین همان طرف خواهد انجامید. پس سوگندها باید خورد که طرف سازش کننده ما نباشیم».

آیا جای نیاز به تفسیر باقی است؟ مگر روشنتر از اینهم می‌شود اعلام موضع سیاسی کرده‌ترین که هر یک به زبانی در خور شان خود اعلام می‌کنند که از راهی که برگزیده‌اند بازمی‌گردند و به صراحت هاشمی رفسنجانی را به تعیین تکلیف با دیگری و از همین طریق تعیین تکلیف با خود دعوت می‌کنند. خواست هر دو نامه، واحد است!

## وظیفه چپ‌اروپا دفاع از حقوق اجتماعی

### در برابر تهاجم راست است

مصاحبه روزنامه «نویس دویچلند» با «فاوستو برتینوتی» دبیر کل حزب احیای کمونیستی

همه نیروها صورت گیرد. ما طبیعتاً آرزو می‌کنیم که دولت باقی بماند و کسی مثل «برلسکونی» برنگردد. اما این دولت نیازمند طرحی برای رفم، که تاکنون فاقد آن بوده است، می‌باشد.

در یک مصاحبه مطبوعاتی، مسأله اساسی و هدف حزب احیای کمونیستی را چنین توضیح داده‌اید که باید دوباره از کارل مارکس شروع کرد. این شروع نو می‌خواهد به گجا منتهی شود؟

در آغاز باید تجزیه و تحلیل انتقادی مرحله‌امروزی رشد سرمایه‌داری قرار گیرد و مارکس شروع خوبی برای این منظور است. سرمایه‌داری امروز، بیش از این نمی‌تواند تضمین‌کننده رشد اقتصادی همراه با رفاه اجتماعی و اشتغال کامل باشد. باید یک جامعه نو ساخته شود و به این منظور جنبش کارگری، نیروهای سیاسی چپ و نیروهای پیشرو باید قرن معاصر را مورد تجزیه و تحلیل انتقادی قرار دهند. در این پروسه باید از اشتباهات گذشته آموخت و به ویژه اشتباهاتی را تجزیه و تحلیل کرد که به فروپاشی و ناکامی رژیم‌های شرق و تجربه عملی آنها منجر شد.

مناسبات شما با چپ‌های آلمان و از جمله با حزب سوسیالیسم دموکراتیک چگونه است؟

ما با حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان مناسبات خوب و همکاری داریم. حزب سوسیالیسم دموکراتیک آلمان از هر نظر به آن گروه از چپ‌های اروپا تعلق دارد که ما نیز خود را جزو آن می‌دانیم. گردهمایی اروپایی ۱۱ مه در پاریس که به نتایج بزرگی رسید، یک سمبل همکاری بود. همکاری‌ای که ما می‌کوشیم با همه نیروهای سیاسی چپ مخالف و آلترناتیو، داشته باشیم. علاوه بر این، ما با علاقه همه مسائل اردوگاه سوسیال دموکرات‌ها و سبزها را دنبال می‌کنیم، زیرا معتقدیم، در آن سوی تفاوت‌های استراتژیک، همکاری می‌تواند پرازش باشند.

ناشی از نمایندگی منافع کارگران و خواست‌های توده‌های وسیع مردم است. ما نیرویی خارج از ساختارهای رهبری ستنی هستیم. تصادفی نیست که ما آرای نیروهای جوانی را که انتخابات را تحریم می‌کردند یا تحت تأثیر نیروی راست قرار داشتند با اقدامات اعتراضی به سوی خود جلب کردیم. آینده حکومت پرودی و همکاری میان حزب احیای کمونیستی و «جبهه زیتون» را چگونه می‌بینید؟

در جریان مبارزه انتخاباتی، ما رسماً خود را متعهد کردیم که به تشکیل دولت پرودی کمک کنیم. در برابر، ما چیزی درخواست نکردیم. نه وزارت، نه مقامات پایین‌تر و نه حتی مذاکره در باره برنامه دولت. ما گفته‌ایم که می‌خواهیم دولت به مثابه یک اقدام دموکراتیک مسئولانه تشکیل شود. اما ما قصد داریم حکومت را به وسیله پیشنهادات مؤثر خود و به اتکای انتظارات بزرگی که در مردم به وجود آمده، به سمت چپ بکشانیم. بعد از پیروزی بر راست‌ها، انتظار نوسازی و انجام رفم رشد کرده و ما می‌خواهیم آشکارا بلندگوی این انتظارات باشیم. ما سیاستی جدا از نسخه ماستریخت طلب می‌کنیم، زیرا این سیاست موجب شده است که اکنون در اروپا ۱۸ تا ۲۰ میلیون نفر بی‌کار باشند. در اروپا شکافی واقعی بین محافظه‌کاران و سیاست نوسازی پدید آمده است. به طور مثال، سیاست هلموت کهل که علیه موقعیت اجتماعی جهت‌گیری کرده است مورد تشویق دولت‌های اسپانیا و فرانسه قرار می‌گیرد. اما از سوی سندیکاها و نیروهای چپ حمایت نمی‌شود. ما امیدواریم که رومانو پرودی، از حرکت با موج دولت‌های دست راستی امتناع کند. من وظیفه نیروهای چپ اروپا را در لحظه کنونی دفاع از حقوق اجتماعی در برابر تهاجم راست و حرکت در جهت رفم می‌دانم.

آیا شما برای توافق با دولت آمادگی دارید؟ در سیاست، توافق باید از سوی

از عوامل مهم پیروزی انتخاباتی اتحاد «میانه - چپ» ایتالیا تحت نام درخت زیتون، در ۲۱ آوریل، مدیران توافق با کمونیست‌های قدیمی است که در حزب احیای کمونیستی متشکل شده‌اند. حزبی که اغلب مورد سرزنش و انتقاد قرار می‌گیرد. دولت «رومانو پرودی» به سختی می‌توانست بدون حمایت نمایندگان حزب احیای کمونیستی، از پارلمان آن کشور رای اعتماد بگیرد.

چرا کمونیست‌ها به کابینه‌ای رای دادند که برنامه آن در مهم‌ترین مسائل با اهداف حزب احیای کمونیستی در تضاد است؟ دبیر کل حزب احیای کمونیستی «فاوستو برتینوتی» به سؤالات روزنامه سوسیالیستی آلمان «نویس دویچلند» چنین پاسخ داده است:

چرا حزب احیای کمونیستی علیرغم اختلافات برنامه‌ای در ائتلاف انتخاباتی با «جبهه زیتون» شرکت کرد. منظور، موضع شما در باره اروپای مورد نظر قرارداد ماستریخت و خواست شما برای خروج ایتالیا از ناتو است؟

رای حزب احیای کمونیستی برای پیروزی بر راست ضروری بود. بدون رای ما در ۹۰ یا ۱۰۰ حوزه انتخاباتی نه جبهه زیتون، بلکه جناح راست برتری می‌یافت و این به معنای پیروزی آنها بود. حزب ما با شرکت در ائتلاف انتخاباتی در جلوگیری از خطر بزرگ پیروزی راست‌ها سهیم بود.

دلیل موفقیت انتخاباتی، به ویژه برای حزب خود را چه می‌دانید؟ سازماندهی بهتر حزبی یا جلب انتخاب‌کنندگان سرخورده از دموکرات‌های چپ PDS؟

حزب ما در انتخابات، ۸۷۰ هزار رای به دست آورد که ۲/۶ درصد از انتخابات قبلی بیشتر بود. این اساساً به خاطر آن بود که ما به مثابه یک نیروی سیاسی نو در صحنه ظاهر شدیم. یک نیروی سیاسی که دلیل موجودیت آن

## مرتضی نبوی: انصار حزب‌الله نور چشمان امام و رهبر اند

مرتضی نبوی مدیر مسئول روزنامه‌ی رسالت و از شاخص‌ترین نمایندگان جناح روحانیت-بازار در مجلس رژیم در یکی از آخرین جلسات علنی مجلس چهارم، در پاسخ به سخنان افشاگرانه‌ی علی‌محمد غریبانی نماینده‌ی اردبیل در مجلس چهارم که صلاحیت نمایندگی او مورد تأیید شورای نگهبان قرار نگرفت، اشک تسمیح‌ریزان بسه دفاع از وحشی‌گری‌های انصار حزب‌الله پرداخت. او گفت: کاش مرده بودم و نمی‌شدم که از تریبون مقدس بدترین دشمنان نثار بسیجیان پاک‌باخته‌ی این سرزمین شوم! ای کاش گوش‌هایم کرم می‌شد و نمی‌شدم نسبت به بچه‌های جبهه‌ها که امروز در سنگر دانشگاه در مقابل تهاجم لیبرالیسم و آمریکا به فرهنگ این سرزمین ایستادگی می‌کنند به آنها که پاک‌باخته‌ی امام و ولی‌فقیه هستند هتاک می‌شود. ای کاش کور می‌شدم و نمی‌دیدم

شخصی از پشت این تریبون به نور چشمان امام و رهبر معظم انقلاب اسلامی و این ملت شریف انقلابی را به جریان هرج و مرج طلب نسبت دهد. آیا کسانی که دیروز جهاد می‌کردند و امروز با نام مقدس انصار حزب‌الله امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند هرج و مرج طلبند؟ آیا این عناصری که ترکش‌های خمپاره‌های خصم را در بدن دارند همه باید واجب امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند و در مقابل تهاجم به ارزش‌های دینی خود ساکت بمانند؟ آیا باید این دانشجویان بسیجی هم نسبت به تاخت و تاز لیبرال‌های جدید و منادیان تز جدایی دین و سیاست در دانشگاه سکوت کنند؟ آیا کسانی که از سر تواضع خود را «حزب‌الله» نمی‌نامند و الهام گرفته از فرهنگ جبهه خود را یاوران و انصار حزب‌الله نام نهاده‌اند از عناوین ارزشی سوءاستفاده کرده‌اند، آیا این

### خبرهای کوتاه

#### اوپک سقف تولید خود را حفظ می‌کند

وزیران نفت کشورهای اوپک در پایان اجلاس سه‌روزه‌ی خود در وین تصمیم گرفتند که بدرغم توافق سازمان ملل و دولت عراق برای صدور محدود نفت این کشور که به میزان ۷۰۰ هزار بشکه در روز خواهد بود، سهمیه‌های تولید نفت خود را در سطح قبلی حفظ نمایند.

#### یک زن و یک مرد سنگسار شدند

روزنامه‌ی همشهری در شماره‌ی روز شنبه‌ی گذشته‌ی خود فاش ساخت که یک زن و مرد در ارومیه به جرم زنا و قتل سنگسار شدند. ادعا می‌شد که رژیم برای فشار مراجع حقوقی بین‌المللی، در سال‌های اخیر ملاحظاتی را در نظر گرفته و در صدور احکام غیرانسانی مجازات‌های همراه با زجر جسمانی مانند سنگسار از خود خویشنداری معنی نشان می‌دهد، اما سنگسار کردن دو نفر در هفته‌ی گذشته بار دیگر نشان داد که مقامات قضائی رژیم در اجرای قوانین بدوی و غیرانسانس خود که با روح زمان مطابقت ندارد، به شیوه‌ی معمول در هزارها سال پیش، مصر می‌باشند.

#### چه تعداد نشریه در کشور امکان انتشار دارند؟

هم‌زمان با برگزاری جشنواره‌ی مطبوعات در ماه گذشته، آمار مطبوعاتی کشور نیز انتشار یافت. براساس این آمار از سال ۵۸ تا سال ۶۵، ۵۸ نشریه، از سال ۶۶ تا ۷۰، ۳۱۴ نشریه و از سال ۷۱ تا پایان سال ۷۴، ۳۶۸ نشریه اجازه‌ی انتشار یافتند و در مجموع ۷۴۴ نشریه مجوز انتشار دارند. این نشریات شامل ۳۶ روزنامه، ۱۵۳ هفته‌نامه، ۱ مورد نشریه با تناوب ۱۰ روز یکبار، ۳۶ دوهفته‌نامه، ۲۴۶ ماهنامه، ۳۰ مورد ۲ ماه یکبار، ۲۱۰ فصلنامه، ۳ مورد هر چهار ماه یکبار، ۲۱ دوفصلنامه و ۷ سالنامه می‌شود.

#### تخریب سالانه‌ی ۴ هزار هکتار از جنگل‌ها

بهرامی مدیرکل دفتر حفاظت و حمایت سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور اعلام کرد که با قطع بیش از ۴ میلیون متر مکعب درخت در جنگل‌های شمال کشور، سالانه حدود ۴ هزار هکتار از این جنگل‌ها نابود می‌شود.

#### رفسنجانی پسرش را رئیس دفتر خود کرد

هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری رژیم پسر بزرگ خود، محسن هاشمی را به ریاست دفتر خویش منصوب کرد. رفسنجانی چندی پیش در جریان «انتخابات» مجلس نیز، این فرزندش را از سوی خود مأمور نظارت بر «انتخابات» کرده بود.

#### روزنامه‌ی اخبار ۲ صفحه‌ای شد

از روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه روزنامه‌ی اخبار که ناشر افکار جناح کارگزاران رژیم جمهوری اسلامی است تنها در یک برگ ۲ صفحه‌ای منتشر می‌شود. احمد صفائی‌فر مدیر مسئول این روزنامه علت این امر را کمبود کاغذ و عدم تخصیص سهمیه‌ی کاغذ از سوی وزارت ارشاد ذکر کرد و اظهار داشت که این روزنامه به هیچ‌وجه کار خود را متوقف و تعطیل نخواهد کرد. صفائی‌فر گفت که وزارت ارشاد، تیراژ «اخبار» را ۱۰ هزار نسخه در نظر گرفته و تنها یک دوم آن مبلغی را که برای دیگر روزنامه‌های هم‌تیراژ در نظر گرفته است به این روزنامه اختصاص داده است.

#### دستگیری ۶ پناهجوی ایرانی در ترکیه

شورای پناهندگان ایرانی در ترکیه خبر داده است که پلیس این کشور ۶ پناهجوی ایرانی با نام‌های محمد صالح به همراه همسر و دو فرزندش، کمال که پس از چهارسال اقامت در ترکیه اخیراً پناهندگی‌اش پذیرفته شده بود و مسعود، را دستگیر کرده است و خطر اخراج این پناهجویان را تهدید می‌کند.

#### تشکیل مجمع نمایندگان انتخاب نشده

در یکی از آخرین جلسات مجلس چهارم شورای اسلامی، نماینده‌ی مجدداً انتخاب نشده‌ی کردکوی و بندرتکمن دعوت‌نامه‌ی را میان دیگر نمایندگان انتخاب نشده توزیع کرد که در آن از ایشان خواسته شده بود با حضور در جلسه «مجمع نمایندگان انتخاب نشده» مسائل و مشکلات دوران بعد از نمایندگی خود از قبیل کار، مسکن و غیره را طرح نمایند.

#### تلفن‌های سیار صد برابر می‌شود

وزارت پست و تلگراف و تلفن جمهوری اسلامی اعلام کرد که ظرف سه سال آینده یک میلیون خط تلفن سیار واگذار خواهد شد. در حال حاضر ده هزار تلفن سیار در اختیار ایادی رژیم و معدود ثروتمندان ساکن تهران است، اما قرار است بزودی اصفهان، ساوه و کرج در برد تلفن‌های سیار قرار گیرند و در مرحله‌ی بعدی علاوه بر تهران بزرگ و ۲۴ مرکز استان، در سبزوار، کاشان، لار و بابل نیز مراکز اصلی شبکه نصب گردد. حق اشتراک ماهانه‌ی تلفن سیار ۶ هزار ریال و قیمت هر تپ (پالس) آن ۲۰۰ ریال می‌باشد. ارتباطات تلفن سیار در ایران هنوز از طریق ماهواره نیست و تغذیه‌ی آن از راه ارتباطات رادیویی و اتصال به شبکه‌های تلفن کشور صورت می‌گیرد.

#### محرومیت کودکان استثنائی از آموزش

غلامحسین محمدزاده مدیر آموزش و پرورش استان گیلان اعلام کرد که ۱۷ هزار کودک استثنائی در این استان از هرگونه خدمات آموزشی محروم هستند و تنها ۲ هزار و ۵۷۳ تن از آنان تحت پوشش اداره‌ی آموزش و پرورش قرار دارند. از آنجا که حدود ۴ درصد مردم کشورمان در استان گیلان زندگی می‌کنند، با یک محاسبه‌ی ساده می‌توان گفت که حدود ۴۰۰ هزار کودک استثنائی کشور از خدمات آموزشی مناسب برخوردار نیستند.

#### محاكمه‌ی مدیر مسئول نشریه «پیام دانشجوی»

بسه دنسبال توقیف دوباره‌ی هفته‌نامه‌ی پیام دانشجوی، محاکمه‌ی حشمت‌الله طبرزدی مدیر مسئول آن در دادگاه عمومی تهران آغاز گردید. دادگاه قرار است ۹ پرونده‌ی شکایت جدید علیه نشریه‌ی پیام دانشجوی را مورد بررسی قرار دهد. در نخستین جلسه‌ی دادگاه، اتهامات این نشریه را «افترا و پرده‌پوشی نسبت به خدمتگزاران نظام، متهم کردن ریاست جمهوری به ارتباط داشتن با آمریکا و درج مطالبی کذب که باعث مانور رسانه‌ای بیگانه نیز شده و همچنین ایجاد جو ناسالم و بدبینی در جامعه» دانست.

#### محاكمه‌ی متهمان اختلاس از بانک‌ها

مبلغ ۵۰ میلیارد و ۴۲۹ میلیون ریال، کلاهبرداری ۱۳ میلیارد و ۶۸ میلیون ریال از افراد مختلف از جمله قاضی خداداد، جعل ۴۰ سند رسمی و غیررسمی به اعضای مقامات کشوری، خروج و ورود غیرقانونی از کشور با هویت و مدارک جعلی، پرداخت رشوه جهت محو آثار جرم و دسترسی به پرونده‌ی قبلی و پرداخت رشوه به کارمندان بانک متهم می‌باشد. غلامرضا محمد بیگی کاسوایی در جلسه‌ی دادگاه با این‌که کلیه‌ی اتهامات ذکر شده را قبول کرد، اعلام نمود که به وکیل احتیاج ندارد و شخصاً از خود دفاع خواهد کرد.

#### قرائت گزارش کمیسیون‌های تحقیق و تفحص مجلس

در آخرین روزهای عمر مجلس چهارم شورای اسلامی گزارش‌های تحقیق و تفحص از بانک صادرات، شهرداری تهران، بنیاد مستضعفان و جانبازان و بانک مرکزی قرائت شد. در گزارش تحقیق و تفحص از عملکرد بانک صادرات ایران از جمله آمده است: ۱- عدم همکاری مسئولان شهرداری با کارشناسان هیئت تفحص و ۲- دادن پاسخ‌های خلاف واقع و جعل در اسناد اسالی در گزارش کمیسیون تحقیق و تفحص از عملکرد بنیاد مستضعفان و جانبازان اختلاس و حیف و میل‌های گسترده در این دستگاه بیش از پیش فاش گردیده است. براساس این گزارش اکثر ۲۶۶ شرکت تحت پوشش این بنیاد همواره زیان داده‌اند. در این گزارش همچنین آمده است که پادشاه‌ها و وام‌ها و دیگر مزایای رفاهی به تعداد خاصی از کارمندان که از مواهب برخوردارند تعلق گرفته است. همچنین به دستور محسن رفیق‌دوست، شرکت آدامس خروس‌نشان به مبلغ بیازده میلیارد ریال به مدیرعامل وقت آن واگذار شد در حالیکه عده‌ی دیگر می‌خواستند آن را به قیمت بالاتری بخرند.

#### جامعه‌ی امروز توان پذیرش برخورد چماقی را ندارد

باید از آن دفاع کرد. وی همچنین گفت: اگر ما بخواهیم با خفه کردن و با بستن تریبون‌ها، بستن روزنامه‌ها، آتش‌زدن کتابفروشی‌ها و شکستن و حمله به سینماها با هیاهو و جنجال و باجماقی بر سرمایه‌دار پیروز شویم، نه تنها پیروز نخواهیم شد و باعث رشد لیبرال‌ها خواهیم شد، بلکه وحدت ملی و سرمایه‌ی بزرگ وحدت کلمه را در کشور از دست خواهیم داد و ناامنی در کشور و درگیری‌های خیابانی به دنبال این بحث‌ها خواهد بود، چرا که به هیچ‌وجه من‌الوجه، نه دنیا و نه جامعه‌ی ما امروز دیگر توان و ظرفیت پذیرش برخورد چماقی را ندارد.

#### «توتال» سیاست تحریم اقتصادی را رد کرد

داماتو چندی پیش طرحی به سنای آمریکا ارائه داد که هدف آن اجرای تحریم‌های اقتصادی شدید علیه جمهوری اسلامی بود در این لایحه از شرکت‌های خارجی نیز خواسته شده است که از داد و ستد اقتصادی با رژیم ایران بپرهیزند چرا که در غیر این‌صورت با تحریم‌های آمریکا مواجه می‌شوند. تاکنون مقاماتی از کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا رسماً اعلام کرده‌اند که اروپا به سیاست تحریم اقتصادی ایران که دو حزب دموکرات و جمهوری خواه آمریکا از آن حمایت می‌کنند، نمی‌پیوندند.

#### کشف ذخایر طلا در آذربایجان غربی

حسین محلوچی وزیر معادن و فلزات جمهوری اسلامی اعلام کرد که یکی از بزرگترین ذخایر طلای کشور در منطقه‌ی زرشوران آذربایجان

### کار را بروی شبکه جهانی اینترنت

**Internet**

**بخوانید**

نشریه‌ی کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه‌ی جهانی اینترنت در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند صفحات نشریه، اسناد کنگره‌های سازمان و هم‌چنین مطالب بولتن انگلیسی News & Views را در WWW زیر آدرس: <http://193.80.248.16/iran.kar.fadai.aksariyat/> مشاهده فرمایند. مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گوردسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم.

## کارگران ساختمانی، زحمتکشانی فراموش شده

هر بامداد میدان‌های شهرهای بزرگ اجتماع بزرگی از کارگران ساختمانی را در خود جای می‌دهند که توجه عابران و سواردها را به خود جلب می‌کنند. ترکیب این کارگران فصلی به لحاظ سنی متفاوت است، از نونهالان تا سال‌خورده‌گان در میان آنان دیده می‌شود و بخش قابل توجهی را مهاجران روستاها تشکیل می‌دهند. هنگام مراجعی صاحبان کار به این محل، کارگران به سمت آنان هجوم می‌آورند و جهت جلب رضایت آنها مدام دستمزد روزانه‌ی خود را تقییل می‌دهند.

صاحب کار یا کارفرما بعد از توافق درباره‌ی میزان مزد تعدادی از کارگران را با خود همراه می‌سازد. ساعتی بعد جمعیت میدان‌ها به نصف می‌رسد. در میان آنها حتی یک کارگر افغانی که اکثریت کارگران ساختمانی در تهران را تشکیل می‌دهند یافت نمی‌شود.

از نظر تعداد پس از مهاجران افغانی، کردها و بعد لرستانی‌ها آذربایجانی‌ها قرار دارند. یکی از مهم‌ترین مشکلات این بخش از زحمتکشانی، موضوع محل خواب و استراحت آنها است. بیش از نیمی از این کارگران، در ساختمان‌های نیمه‌کاره شب را به صبح می‌آورند. بخش قابل توجهی از آنان در گاراژها و پارک‌ها و تعدادی دیگر از آنها در منازل استیجاری، شخصی و یا نزد دوستانشان بسر می‌برند. منازل شخصی اکثر آنان در حومه‌ها و آلودگی‌های شهری واقع است.

نزدیک به نیمی از این کارگران بی‌سوادند، اما بخش قابل ملاحظه‌نی سواد خواندن و نوشتن دارند و حتا بعضی دارای دیپلم یا مدارک بالاتر می‌باشند.

اکثریت این کارگران علت مهاجرت خویش را مربوط به بی‌کاری در محل سابق سکونت و عدم تأمین

شغلی می‌دانند. فوت پدر و مادر و وجود کار کشاورزی به صورت فصلی و ... از دیگر دلایل حضور آنها در شهرهای بزرگ است.

متوسط درآمد روزانه‌ی این کارگران در فصل‌های کار که بطور عمده شامل بهار و تابستان است از هزار تومان تا ۱۵۰۰ تومان می‌باشد. اکثریت آنها معتقدند که شغل فعلی آنها به زندگیشان به هیچ عنوان آرامش نبخشیده است و نتوانسته‌اند نیازها و مطالبات همسر و فرزندان خویش را برآورده سازند.

در ارتباط با موضوع بیمه‌ی کار و بیمه‌ی درمانی، این بخش از کارگران زحمتکشانی کشور تاکنون موفق به بیمه‌ی خود و خانواده‌ی خویش نشده‌اند و همچنان در شرایطی مبهم بسر می‌برند. قوانین کار در این باره، تاکنون توسط دولت و کارفرمایان در مورد آنها به مرحله‌ی اجرا گذاشته نشده است.

موضوع بازنشستگی که دیگر جای خود دارد و برای کارگران ساختمانی، رویایی بیش نیست. مشکل دیگر کارگران فصلی ساختمان، عدم توجه وزارت کار به اختصاص محلی جهت مراجعی کارفرمایان به منظور جلب آنان به کار است و از این رو کارگران مجبورند میدان‌ها را برای جلب صاحبان کار برگزینند و در این امر نیز اغلب با مزاحمت‌های نیروهای انتظامی و مأموران شهرداری روبرو هستند.

ایام کار کوتاه در سال و به رسمیت نشناختن فعالیت مستقل صنفی توسط دولت، این بخش از زحمتکشانی کشور را از امکان سازماندهی و تشکیل سندیکایی محروم ساخته است. با توجه به مشکلات نامبرده می‌توان چنین ارزیابی داشت که کارگران فصلی ساختمانی زحمتکشانی فراموش شده‌ی دو نظام پادشاهی و ققاهتی بوده و هستند.

## خبرهای علمی

### انقلاب در حال وقوع در هواشناسی

مشکل اساسی سیستم‌های هواشناسی فعلی این است که پیش‌بینی‌ها عمدتاً بر مبنای وضع هوا و آتمسفر نقاط گوناگون به دست می‌آید، اما آنچه که در واقع اوضاع جو را تعیین می‌کند، انرژی بزرگی است که از اقیانوس‌ها به هوا منتقل می‌شود. بر این پایه سازمان هواشناسی جهانی با همکاری کمیسیون بین دولتی اقیانوس‌شناسی و سازمان ملل متحد درصدد ایجاد سیستمی است که بتواند شرایط جوی مناطق گوناگون جهان را تا دو سال بعد پیش‌بینی کند. این پروژه که «سیستم مراقبت جهانی از اقیانوس‌ها» نام دارد، از شبکه‌ی بزرگی از گیرنده‌های ثابت و شناور، زیردریایی‌های خودکار و ناوگان‌های بازرگانی و نظامی و تفریحی و ماهواره‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات مربوط به درجه‌ی حرارت آب، میزان آلودگی، میزان مواد غذایی در آب، جهت باد و شدت آن، ارتفاع جزر و مد، در سطح و عمق آب‌های اقیانوس‌های جهان سود خواهد جست. اطلاعات جمع‌آوری شده از این طریق، قرار است در اختیار مراکز ملی و محلی به سوپر کامپیوترها قرار گیرد تا براساس آنها پیش‌بینی‌های دراز مدت از ۶ ماه تا ۲ سال میسر گردد. انجام این پروژه می‌تواند انقلابی در زمینه‌های گوناگون مانند کشاورزی، ماهی‌گیری، خدمات تجاری و توریستی پدید آورد و همچنین سازمان‌های بهداشتی را از امکان انتقال بیماری‌های مسری آنگاه سازد و یا سازمان‌های حفاظت محیط زیست را جهت نجات گونه‌های در معرض خطر یاری رساند.

### کشف یک سنگ معدنی عجیب

اخیراً سنگ معدنی جدیدی در لندن به معرض نمایش گذاشته شد. این نمونه ۱/۵ کیلوگرم وزن دارد. قبلاً قطعات کوچک دیگری از این ماده کشف شده که تنها با میکروسکوپ قابل رؤیت بوده است. خصوصیت سنگ جدید رنگ آن است که در زیر میکروسکوپ و تحت تأثیر نور از آبی نیلی به ارغوانی و از ارغوانی به رنگ‌های دیگر طیف رنگ سفید تبدیل می‌شود. منشاء و ساختمان این سنگ معدنی هنوز شناخته نشده است.

### تازه‌های سرطان‌شناسی

بسیار و سومین کنگره‌ی انجمن آمریکائی سرطان‌شناسی در ۲۱ ماه مه به کار خود پایان داد. در این کنگره گفته شد که نزدیک به ۱۵ نوع جهش ژنی (موتاسیون)، عامل سرطان است که از طریق آزمایش‌های ژنتیکی قابل تشخیص می‌باشد. اما در عین حال بحث زیادی پیرامون انجام آزمایش‌های فوق صورت گرفت. جنبه‌های مختلف بسالینی، روانشناسی و اخلاقی و نیز قانونی این عمل بررسی شد. بعضی از مخالفان عقیده دارند که انجام چنین آزمایش‌هایی امنیت اجتماعی بیمار را به‌خطر می‌اندازد و عوارض روحی و عاطفی به‌بار می‌آورد. اما انجمن سرطان‌شناسی معتقد است در صورت وجود مراکز صلاحیت‌دار برای انجام آزمایش و رعایت حقوق بیمار می‌توان به موقع به درمان سرطان پرداخت و جان بسیاری را نجات بخشید.

### برنامه‌های کامپیوتری درمانی!

قبلاً در شماره ۱۱۴ کار از درمان بیماری ترس از ارتفاع به کمک رفتاردرمانی از راه استفاده از برنامه‌های کامپیوتری واقعیت مجازی، برای شما نوشتیم. نتایج به‌دست‌آمده نشان‌گر کارایی بالای این روش‌ها می‌باشد. اخیراً آمریکائی‌ها برای معالجه‌ی بسیاری از ترس‌های روانی از این‌راه استفاده می‌کنند، چرا که شمار کسانی که از ارتفاع، هواپیما، دندانپزشکی و ... می‌ترسند، در این کشور کم نیست. متخصصان انفورماتیک با ساختن تصاویر مجازی کامپیوتری صحنه‌های طبیعی را برای بیمار بازسازی می‌کنند. بیمار با قراردادن کلاهک و استفاده از زواید کامپیوتری خود را در صحنه با عامل ترس روبرو می‌بیند و با کنترل روان‌پزشک تدریجاً بر ترس خود غلبه می‌کند. بعضی از پزشکان در دانشگاه کالیفرنیا مشغول امتحان این روش برای رفع اشکال‌های جنسی و سرگیجه می‌باشند. در بعضی از کشورهای اروپائی نیز استفاده از کامپیوتر در درمان ترس‌های روانی آغاز شده است.

### کشف فوایدی تازه برای آسپیرین

آسپیرین شاید شناخته‌ترین داروی دنیا باشد. از خاصیت شناخته شده‌ی جهانی آن یعنی تسکین درد که بگذریم، خواص متعددی از جمله حفاظت بیماری‌های قلب و عروقی و سرطان‌زدایی برای این دارو شمرده می‌شود. اخیراً موارد جدیدی از استفاده‌ی آسپیرین شناخته شده است. گفته می‌شود که آسپیرین در مورد بیماری آلزایمر (زوال عقل) نیز کاربرد دارد و به علاوه می‌تواند فعالیت روانی افراد سالمند را حفظ کند. پزشکان دانشگاه هاروارد بروی ۳۸۰۹ سال‌مند بالای ۶۵ سال این اثر آسپیرین را آزمایش کرده و نتیجه‌ی مثبت گرفته‌اند.

- فداکار.
- در اجتماع سهیم.
- بزرگی دارد.
- گریه؟
- سبک شدن.
- مال پچه‌ها.
- خنده؟
- خوشحالی.
- دوی درد بی‌درمان.
- تخصص؟
- نیاز کارگر.
- مهارت.
- مادر؟
- شمره‌ی تلاش.
- رنج بزرگ کردن.
- پدر؟
- استاد من در صنعت.
- مشوق.
- کارگر (برای).
- چهارمین بار؟
- موفقیت.
- کار کردن.
- گرسنه؟
- بالای تاجک مشعل.
- (زمانی که آقای عمومی).
- برای اولین بار ابتکار.
- خود را به انجام.
- می‌رساند به مدت.
- چندین ساعت در بالای.
- مشعل فعالیت داشت که.
- هیچگونه غذایی.
- نمی‌توانست بخورد.

## حقوق کارگری نیمه ماه تمام می‌شود

محمد هاشم اکبریانی خبرنگار روزنامه‌ی هم‌شهری اخیراً مصاحبه‌ی با دو تن از کارگرانی که به عنوان کارگران نمونه‌ی سال ۷۵ معرفی شده‌اند، انجام داده است. گرچه به نظر نمی‌رسد که دیدگاه‌های این کارگران با نقطه‌نظرات اکثریت کارگران کشور مطابقت داشته باشد، حاوی نکات قابل توجهی است. از این رو بخش‌هایی از این مصاحبه را همراه با مقدمه‌ی مصاحبه‌کننده از نظر تان می‌گذرانیم.

مانده بودم چه پرسیم؟ آیا در منزل به همسر تان کمک می‌کنید؟! «آخرین باری که گوشت خوردید چه زمانی بود؟» و سؤال‌های دیگری از این قماش.

خود را به دنیای پر تحرک کار و کارگری زدم، تنها و تنها یک واژه را با آنها در میان گذاشتم و آنها نیز بزرگوارانه با واژه‌ی که به ذهنشان می‌رسید، پاسخ دادند. آنچه از نظر تان می‌گذرد حاصل این گفت و شنود بی تکلف است که دو ساعت و پانزده دقیقه به طول انجامید.

امادریاره‌ی مصاحبه‌شوندگان: سهیل عمومی و ابراهیم آقاجری از کارگران نمونه‌ی کشور در سال ۱۳۷۵ می‌باشند که در شرکت تعمیر و نگهداری کارخانجات صنایع پتروشیمی مشغول به کار هستند. عمومی دارای دیپلم تجربی است. او برای اولین بار در جهان در میان حرارت ۳۸۰ درجه‌ی سانتی‌گراد ناشی از شعله‌های

آتش مشعل‌ها و وجود گازهای مختلف سمی توانست بدون خاموش کردن مشعل‌ها، تاجک مشعل‌های در حال اشتعال را با یک عملیات بی سابقه و بدون توقف تولید (که قبل از آن برای تعویض تاجک بیست روز متوقف می‌شد)، تعویض و نصب کند.

عمومی می‌گفت: «در ابتدا احتکارشناسان خارجی باور نمی‌کردند که این کار انجام شود و هیچ‌کس با من همراهی نمی‌کرد اما با مساعدت، همراهی و همدلی مدیریت شرکت، این ابتکار به انجام رسید.»

ابراهیم آقاجری دارای دیپلم ادبیات است، با آن که دیپلم ادبیات دارد اما در مسائل پتروشیمی و صنعت سخت فعال و مبتکر است. بخشی از ابتکارات او عبارت است از:

- ساختن بالا یشگاه نفت که بنزین، نفت سفید، گازوئیل و ... تولید می‌کند!
- ساخت واحد صنعتی در مقیاس کوچک،
- طراحی و ساخت قطعات توربین قطعات فشارسنج و حرارت سنج،
- تحقیقات پژوهشی درباره‌ی اتیلن و اتانول.

گفتنی است که اولین پاسخ که با دایره سیاه (●) آمده مربوط به آقای عمومی است و دومین پاسخ که با علامت (○) آمده مربوط به آقای آقاجری می‌باشد. علامت (■) نشانه سؤال است پرسرگرم است.

- کارگر؟
- استفاده از حداکثر توانایی برای تولید بیشتر.
- من بر دست پینه بسته کارگر بوسه می‌زنم.
- روز کارگر؟
- پیروزی کارگران.
- مقدس.
- قانون کار؟
- کار بیشتر، تولید بیشتر.
- پشتیبانی از کارگر.
- سرمایه‌دار؟
- عامل دو دستگی.
- بدبختی کارگر.
- همسر؟
- عنصر اصلی در پیشرفت کار.
- شریک زندگی.
- کشور؟
- دوست داشتنی.
- عظمت و افتخار.
- کار؟
- موفقیت، بردباری.
- تلاش برای زندگی.
- بیکار؟
- فساد در کشور.
- علاف.
- کارخانه؟
- همسر اول.
- خانه‌ی دوم.
- خانه؟
- محیط آرام برای استراحت.
- ندارم!
- فرزند؟
- عامل تلاش برای زندگی.
- نمره‌ی زندگی.
- پول؟
- تا اندازه‌ی خوب است که به زندگی لطمه نزند.
- ندارم که بگویم خوب است یا بد؟
- دارو؟
- کارگر نمونه؟
- مصیبت!
- آچار؟
- وسیله‌ی کار.
- وسیله‌ی کار.
- مساعدت؟
- واقعاً لازم است.
- وسط برج (ماه).
- پاداش؟
- خوشحالی.
- اصلاً نیست!
- دوازده ساعت کار؟
- هشت ساعت مفید است.
- کار با علاقه.
- صبح؟
- شروع زندگی.
- به سرویس رسیدن!
- امروز؟
- فردای بهتر.
- روز خوب.
- دیروز؟
- بدتر از امروز.
- دیروز من روز خوبی نبود.
- فردا؟
- اگر زنده ماندم.
- امید به پس‌فردا.
- جمعه؟
- استراحت.
- فکر اضافه کاری، برنامه‌ریزی برای شنبه.
- ایمنی؟
- جلوگیری از خطرات.
- رعایت آن مفید است.
- لباس کار؟
- عزیزتر از لباس‌های شیک و گران!
- ایمن بودن در کار.
- مونتاژ؟
- نیاز به ابتکار برای ساخت قطعات.
- دست‌پسایی به تکنولوژی.
- تولید داخلی؟
- خیلی ظلم است.
- مصیبت!
- آچار؟
- وسیله‌ی کار.
- وسیله‌ی کار.
- مساعدت؟
- واقعاً لازم است.
- وسط برج (ماه).
- پاداش؟
- خوشحالی.
- اصلاً نیست!
- دوازده ساعت کار؟
- هشت ساعت مفید است.
- کار با علاقه.
- صبح؟
- شروع زندگی.
- به سرویس رسیدن!
- امروز؟
- فردای بهتر.
- روز خوب.
- دیروز؟
- بدتر از امروز.
- دیروز من روز خوبی نبود.
- فردا؟
- اگر زنده ماندم.
- امید به پس‌فردا.
- جمعه؟
- استراحت.
- فکر اضافه کاری، برنامه‌ریزی برای شنبه.
- ایمنی؟
- جلوگیری از خطرات.
- رعایت آن مفید است.
- لباس کار؟
- عزیزتر از لباس‌های شیک و گران!
- ایمن بودن در کار.
- مونتاژ؟
- نیاز به ابتکار برای ساخت قطعات.
- دست‌پسایی به تکنولوژی.
- تولید داخلی؟

## شاه نام‌ها

میرداد فلاح

دست‌های من انتها ندارند

این دو شاهرگ موازی

به راه‌های پنجگانه‌ی دنباله‌داری ختم می‌شوند

که به هر کجایی جهان می‌رسند، اما

به هیچ کجایی این جهان

ختم نمی‌شوند.

شاهه‌ئی از رویای سترگم

نه گوشه‌ئی از کابوسی

وگر نه از این کتف‌ها نیز

می‌توانست دو مار - توأمان رو بیره باشد.

از همین راه‌های بی‌انتها بود

که رفیق

سوار پیلتش را

به آسمان هفتم بُرد

من این شکایت بی‌پایان را

با به نبوا در آوردم تا

کوتاه می‌کنم

## «درنگ دوربین»



«در انتظار...»

## سلام و سینما و سانسور

### ● «سلام»: سینمای ایران شکننده شد!

چگونه می‌توان از تحول اندیشه و روی‌کرد به آزادی سخن گفت و در عین حال مدافع دستگاه سانسوری شد که طی ۱۷ سال گذشته هنر ایران را به نفس‌تنگی واداشته و با معیارهای ایدئولوژیک و سلاطین شخصی مسئولانش همه‌ی آنچه که در چهارچوب «ارزش‌های نظام» نبوده را از آثار هنری حذف کرده است.

در این دستگاه سانسور با به کار گرفتن زشت‌ترین و غیراخلاقی‌ترین شیوه‌ها از سینماگران می‌خواهند که موضوع فیلم‌ها و فیلم‌نامه‌ها را متناسب با فخر و فقر و شهادت و زن‌ستیزی سردمداران جمهوری اسلامی عوض کنند. با خواهر و برادر کردن و یا نامزد جلوه دادن بازیگران برای روابط میان آنها کلاه شرعی بپوشانند، زن‌ها را از فیلم‌ها حذف می‌کنند و یا آن‌ها را در حاشیه قرار دهند تا پروانه‌ی ساخت برای آنها صادر شود.

روزنامه‌ی سلام غیرمستقیم این شیوه‌ها را پشتوانه‌ی «امنیت اخلاقی» سینمای ایران ارزیابی می‌کند. پوشیده نیست که دستیابی به «امنیت اخلاقی» مورد نظر سلام، بحران را در سینمای ایران به جایی رسانده که جشنواره‌ی فجر که نماد فعالیت سالانه این سینماست هر سال بیش از پیش به لحاظ کیفی فرومی‌گاهد و از آثار چهره‌های صاحب سبک و خوش ذوق سینمای ایران تهی‌تر می‌شود. آخرین جشنواره‌ی فیلم فجر که اواخر سال گذشته برگزار شد، اوج این پسر رفت و تپه‌ی مایگی را به نمایش گذاشت به گونه‌ئی که برخی منتقدان آن را «پله‌ی پیش از پرتگاه» نامیدند. به دیگر سخن سینمای ایران از «برکت امنیت اخلاقی» به «پرتگاه» نزدیک شده است و سلام کماکان از این «امنیت» به نیکی یاد می‌کند.

اگر سینمای ایران امروز در جهان نام و آوازه‌ئی یافته است اتفاقاً از قبل همان فیلم‌هایی است که اغلب در داخل با غضب دستگاه سانسور مواجه بوده‌اند، در محاق توقیف افتاده‌اند و یا سرانجام با حذف و اضافات اجازتی نمایش یافته‌اند.

سلام در جایی از یادداشت مزبور از تأکید مسئولان بالای نظام از سینمای کشور سخن می‌گوید و ظاهراً از یاد می‌برد که خامنه‌ئی به عنوان مسئول اول نظام فقها در سخنرانی چندی پیش خود درباره‌ی سینمای

ایران تنها آن بخش از فیلم‌هایی را که به جنگ و سایر «ارزش‌های نظام» پرداخته‌اند، مورد ستایش قرار داد و فیلم‌های ایرانی موفق در جشنواره‌های خارجی را روایت‌گر صرف ناپه‌سامانی‌ها و مورد پسند غربی‌ها ارزیابی کرد. پر خامنه‌ئی البته هرچی نیست، زیرا علت موفقیت فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های خارجی قبل از هر چیز از درون‌مایه‌ی انسانی و واقعی آنها و روی‌کرد انتقادآمیزشان به چالش‌ها، خلل‌ها و نامالایمات هستی انسان‌ها ناشی می‌شود و این‌ها را نظام ارزشی رژیم فقها که در آن مرگ و جنگ و فقر و شهادت و زن‌ستیزی والاترین ارزش‌ها به شمار می‌روند به آسانی بر نمی‌تابد.

در واقع اگر سینمای جهانی ایران را بتوان هم‌صدا با سلام «آرمانی و اخلاقی» نام نهاد ابتدا با آن اخلاق و آرمانی که جمهوری اسلامی تبلیغ می‌کند هم‌خوانی ندارد بلکه یک‌سره نافی آن است و یکی از اصلی‌ترین رمزهای موفقیت‌اش هم در همین نه‌گویی آشکار و پنهان به ارزش‌ها و هنرهای حاکم نهفته است.

گفتنی است که سلام با اِعمال سانسور در کار نشریات و کتاب‌ها و با نقض آزادی سیاسی میانه‌ی خوبی ندارد و این نوع کردارها را گاه و بی‌گاه می‌نکوهد. از جمله در یکی از شماره‌های اخیر سلام (تاریخ ۲۲ اردی‌بهشت)، عباس عبدی عضو هیئت سردبیری آن، یادداشتی دارد به نام «معیشت و فرهنگ» که در بخشی از آن چنین می‌خوانیم:

«در منطق زرق و برق فرهنگی (در جمهوری اسلامی) انتخاب استاد و معلم برتر امری مورد بحث و انجام آن سهل است، لیکن ممانعت از هجوم افراد غیر مسئول در روز روشن به حریم دانشگاه و به هم زدن کلاس استادان با تهدید و ارعاب قابل گفتگو نیست و پی‌گیری آن ممتنع است. در این منطق آمار کاغذهای داده شده به ناشر و نویسنده قابل ارائه و قاعدتاً قابل بحث و گفتگو، لیکن سخن از کتاب‌های درگیر می‌بیزی بدون ضابطه و قاعده و تضحیح حقوق ناشران و نویسندگان فرهنگ‌ساز امری مذموم و ناپسند است. در منطق زرق و برق فرهنگی، افزایش تعداد نشریات به عنوان مسطهر بهبود توسعه‌ی شاخص فرهنگی تلقی می‌شود و طبعاً از این نظر باید آمار و

ارقامش تقدیم ملت شود، ولی بیان این که چرا نشریات و روزنامه‌ها مورد تعدی مقامات رسمی و غیررسمی قرار می‌گیرند، امری اضافی و مضر، بلکه فضولی تلقی می‌شود.» این نظر که در درستی آن تردیدی نیست و ۱۷ سال است که از سوی دگراندیشان عنوان می‌شود، اندکی دیرتر هنگامی که به آن‌جا می‌انجامد که: «قدرت تهاجمی (دستگاه سانسور و نیروی فشار) متوجه بخش فرهنگ، آن هم در مرحله‌ی اول نیروهای مذهبی و انقلابی شده است»، ابتر و مخدوش می‌شود و با تکریم از سانسور در عرصه‌ی سینما در مقاله‌ئی دیگر به کلی رنگ می‌بازد و از اعتبار می‌افتد.

واقعیت این است که در کشور ما در میان گونه‌های مختلف هنری، سینما بیشترین تأثیر و بیشترین مخاطب را دارد و اینست است که می‌تواند واقعیات را بهتر از زبان، موسیقی و یا... بازتاب دهد و وسواس و حساسیت نسبت به آن هم از همین‌جا ناشی می‌شود.

در واقع تصویر نافذترین راه شناسایی یکدیگر است، آن هم در کشوری که نود درصد مردم آن مار را فقط از روی تصویر آن می‌شناسند و نه نوشته‌اش. من تصور می‌کنم ساخت و کشتن‌های جامعه‌ی ما نیاز به دوباره‌اندیشی دارد. این جامعه نیاز دارد که باورها، عادت‌ها و رفتارهای خودی را از بیرون ببیند و بشناسد و از نور برای خودش معنا کند و فقط در سایه‌ی این معنائشناسی است که حرکتی فیمیده به سوی نوزایی (که نئی نظام و ساختارهای استبدادی از پی‌آمدهای آن است) کار رخ می‌دهد. هیچ چیز به اندازه‌ی تصویر به این معنائشناسی کمک نخواهد کرد؛ و برای همین است که تصویر (فیلم) این همه زیر ضرب است. «بهرام بیضایی - فصل‌نامه‌ی گفتگو - شماره‌ی ۴ - صفحه‌ی ۱۷۴»

و سلام و به ستایش از سانسور در عرصه‌ی فیلم، در زیر ضرب بردن آن اشتراک می‌جوید؛ اشتراکی که از عدم گسست کامل سلام و نیروهای حول و حوش آن از پیش‌ها و کردارهای اختناق‌آمیز نظام فقها حکایت دارد و راه دشوار آن‌ها را تا زردن همه‌ی غبارهای «خط امام» از چهره و رسیدن به درکی همه‌جانبه از آزادی در همه‌ی عرصه‌ها بازمی‌نماید.

## گاهنامه ویژه شعر

دومین شماره‌ی «گاهنامه‌ی ویژه شعر» اخیراً انتشار یافت. سردبیری و ویراستاری این گاهنامه را سعید یوسف به عهده دارد و عمدتاً به شعر، نقد شعر و معرفی کتاب‌های شعر، گفتگو با شاعران و صاحب‌نظران در عرصه‌ی شعر و نیز ترجمه‌ی شعر و مسائل مربوط به آن می‌پردازد. انتشار نشریه‌ی تخصصی در مین ما سابقه‌ی چندان درازی ندارد و بیشترین فعالیت‌ها در این عرصه به همین ۱۰-۱۵ سال اخیر مربوط می‌شوند. در واقع نشریات تخصصی دارای آن بُرد و تیراژ نشریه‌های عادی و متعارف نیستند و معمولاً به سبب ضعف بنیه‌ی مالی کارشان به تعطیل می‌کشند. بر این اساس انتشار ویژه‌نامه‌ئی در باب شعر، آن هم در شرایط خارج از کشور که تعداد مخاطبان کم است و هنوز سیستم توزیع فعال و کارآیی وجود ندارد و بهای نشریات تنها قسماً وصول می‌شود، همت و شجاعتی می‌خواهد که امیدواریم بپاید.

در شماره‌ی نخست «گاهنامه‌ی ویژه شعر» دل‌بستگی سعید یوسف به شعر و بخشی از شاعران معاصر خراسان نمود بارزی یافته بود و بخش عمده‌ی مطالب آن را خود سردبیر

## لقب «شوالیه» برای کیارستمی

شوالیه در آکادمی هنر و ادب فرانسه نائل آمد. رئیس مرکز ملی سینماگرافی با ارسال نامه‌ئی برای کیارستمی هنر وی را شایسته‌ی چنین افتخاری دانسته است.

قلمی کرده بود که این دومی با توجه به اینکه همکاری‌ها معمولاً از شماره‌های دوم و سوم شروع می‌شود چندان جای ایراد نداشت. در شماره‌ی جدید این گاهنامه خراسانی‌ها اگر نه به شدت شماره‌ی اول، کماکان حضوری برجسته دارند و قلم سعید یوسف نیز لابه‌لای مطالب در حرکت است. چشم به راه شماره‌ی سوم می‌مانیم با این امید که تشدید همکاری منتقدان و شاعران باز هم کیفیت «گاهنامه» را فزونی‌تر کند. مطالب اصلی شماره‌ی دوم «گاهنامه‌ی ویژه شعر» از این قرارند: «چند پرسش از اسماعیل خونی»، «آواره‌ی معطوف - درباره‌ی لبریکته ۱۵۲ از رؤیایی» (روزبهان)، «غایت اشیاء: نوعی دیدن» (یدالله رؤیایی)، «ابداغ و گسترش یا تولید و مصرف در شعر معاصر» (محمد مختاری)، «دو نگاه: سه اشاره» (سعید یوسف)، اخبار مربوط به شعر و شاعران و شعرهایی چند از شاعران معاصر بخش‌های دیگر گاهنامه را تشکیل می‌دهند. با «گاهنامه‌ی ویژه شعر» با آدرس زیر می‌توان تماس گرفت:

Lahuti Kulturverein e.V.  
Postfach 101457  
60014 Ff/M  
Germany

## لقب «شوالیه» برای کیارستمی

عباس کیارستمی چهره‌ی سرشناس سینمای ایران که تاکنون ۵۱ جایزه از فستیوال‌های بین‌المللی دریافت کرده است اخیراً از سوی وزارت فرهنگ فرانسه به دریافت لقب

### نکته‌ها و گفته‌ها

«در آوریل ۱۹۲۵، پارتیزان‌ها میلان را گرفتند. دو روز بعد به شهر کوچکی وارد شدند که من در آن زندگی می‌کردم. لحظه‌ی شادمانی. میدان اصلی شهر پر از جمعیتی بود که آواز می‌خواندند و با فریاد میمو (Mimo) را صدا می‌زدند که رهبر پارتیزان‌های آن ناحیه بود. میمو بر مینتایی تالار شهرداری پیدا شد. من منتظر سخنرانی‌اش بودم چون جای جای دوره‌ی کودکی‌ام از سخنرانی‌های برطمطراق و تاریخی موسولینی نشان داشت. سکوت. میمو با صدایی خشن‌دار که به زحمت شنیده می‌شد حرف می‌زد گفت: «شهروندان، دوستان، پس از نفاکاری‌های دردناک بسیار ... اکنون اینجا میم. درود بر آنان که به خاطر آزادی جان خود را فدا کردند». همین. به داخل ساختمان برگشت. جمعیت هلهله کرد، پارتیزان‌ها سلاح‌هایشان را بالا بردند و به نشان شادی رگبار گلوله‌ها را باریدند. ما بچه‌ها دویدیم که بپوکه‌ها، این اشیای گرانبه‌ها، را جمع کنیم، ولی این را نیز یاد گرفته بودم که آزادی بیان یعنی رهایی از لفاظی.»

امبرتو اِکو - فیلسوف و نویسنده‌ی ایتالیایی

نگاه نو / شماره‌ی ۲۸

«در حالی که از ابتدایی‌ترین امکان گسترش فرهنگ بخش عظیم مردم ما محرومند، از مردمی شدن یک وجه فرهنگ که شعر باشد حرف می‌زنیم. حال آن‌که آنچه باید مردمی می‌شده است، خود فرهنگ بوده است. گسترش و توزیع عادلانه‌ی فرهنگ مثل گسترش و توزیع عادلانه‌ی آزادی است. مثل کار است و غیره. تا صورت نپذیرد چه بالایی‌ها و چه پائینی‌ها هم‌چنان به شکل سنتی خود باقی می‌مانند. در حقیقت محرومان و برخورداران فرهنگی هم‌چنان سرجای خود می‌مانند. و این سبب می‌شود که دست‌آوردهای عالی بشری، یعنی دست‌آوردهای زیبایی‌شناختی و فرهنگی به کل مردم نرسد و کل مردم نتوانند از شعر بهره‌برند. همان‌طور که کل مردم از چیزهای دیگر بهره‌مند نیستند.»

محمد مختاری

گاه‌نامه‌ی ویژه شعر - شماره‌ی ۲

«این واژه هم به میدان آمدن تلویزیون ماهواره‌ئی، تضاد فاحشی به وجود آورده است بین آن‌چه که مردم، و به‌خصوص جوان‌ها، در محیط خود می‌بینند و آنچه که در خارج می‌گذرد. به طور مثال، در ایران بچه‌ها اجازه ندارند با شلوار «جین» به مدرسه بروند، اما پسر من در خانه می‌تواند، در تلویزیون ماهواره‌ئی، تصویرهایی از آزادی را ببیند که تفاوت چشم‌گیری با زندگی در ایران دارند. این تضاد، از نظر روانی برای او مضر است. برای فیلم‌سازی مثل من تأسف آور است رسیدن به این نتیجه که «کاش ما در ایران آنتن ماهواره‌ئی نداشتیم» موعی که آدم نمی‌تواند تعادل و توازن میان داخل و خارج برقرار کند، متوسل به هر فکر بکری می‌شود؛ مثلاً من و پسرم دیدیم بهتر است اصولاً از خیر تلویزیون بگذریم. پس آمدیم و آن را گذاشتیم توی کمد و درش را هم قفل کردیم. اما من می‌دانم که دل من هم در آن کمد در بسته، محبوس مانده است. بعد فهمیدم البته که وقتی خانه نیستیم، پسر تلویزیون را در می‌آورد و با دل سیر تماشا می‌کند!»

عباس کیارستمی

فصلنامه‌ی «بررسی کتاب» شماره‌ی ۲۰

۸ - جامعه مردسالار و مبارزه زنان

مردان و زنان همواره چه در خانه و چه در بازار کار، وظایف متفاوتی بر عهده داشته‌اند. این تقسیم کار، امکانات زنان را برای تأثیرگذاری بر زندگی خود و پیرامون خود محدود کرده است. یک ساختار قدرت مبتنی بر جنسیت، یعنی مردسالاری، شکل گرفته است. این ساختار، به معنای اعمال کنترل مردان بر زندگی، کار، آموزش، مالکیت و امور جنسی زنان است.

اعمال ستم بر زنان هم علناً و هم به صورت پنهانی صورت می‌گیرد. الگوی مردسالاری وارد روابط دو جنسی شده و در ساختارهای قدرت جامعه بازتاب یافته است: در دولت، شرکتها، مجامع سیاسی و محیط کار. این ستم، پیوسته در اشکال جدید رخ می‌نماید. جامعه مردسالار، کنترل خود را از طریق اعمال شیوه‌های پیچیده سلطه حفظ می‌کند. شیوه‌هایی که به کمک آن، زنان در محاق قرار می‌گیرند، تحقیر و به کنار زده می‌شوند، از دسترسی به اطلاعات محروم می‌گردند و محکوم به احساس گناه می‌گردند. تقسیم کار بر

برای جهانی در همبستگی

اصول برنامه حزب چپ سوئد، مصوب کنگره ۱۹۹۳

بخش آخر

۱۴ - جهان ما

سرمایه‌داری، بر کل جهان حاکم است. قدرت‌های بزرگ، در رقابت فزاینده با یکدیگر، می‌کوشند بر سایر کشورها و مردمان مسلط گردند. این امر مضمّن خطر جنگ و نظامیگری است. تسلط سیاسی این قدرت‌ها، راه استثمار اقتصادی را هموار می‌کند. بی‌عدالتی در مقیاس جهانی رو به افزایش است و امروز بزرگترین خطر را متوجه صلح جهانی می‌کند.

تلاش برخی کشورها برای غلبه بر وابستگی نواستعاری خود و اعمال سیاست‌هایی به نفع ملت، از جانب قدرت‌های بزرگ با تکیه، محاصره اقتصادی و سیاسی و در موارد حاد با خشونت نظامی مواجه می‌گردند.

اقتصاد جهانی، تحت کنترل شرکت‌های فراملیتی مستقر در ایالات متحده، ژاپن و اروپای غربی است. کشورهای فقیر در زیر یوغی آهنینی نگه داشته شده‌اند که از جمله در قالب بار بدهی‌هایشان به جهان ثروتمند جلوه می‌یابد. موج عظیمی از منابع، از کشورهای در حال رشد به کشورهای جریان دارد که خود ثروتمندند. این مقدار منابع، بسیار بیش از میزان کشمکی است که غرب به کشورهای رشدیافته باز می‌گرداند. آمریکای شمالی، ژاپن - آسیای جنوب شرقی و اروپای غربی هر چه بیشتر به بلوک‌های تجاری دارای پیوندهای نزدیک درونی تبدیل می‌شوند که با یکدیگر در رقابت‌اند. بدین ترتیب، نظم کهنه و ناعادلانه جهانی، همیشگی می‌شود.

شیوه زندگی و مصرف منابع ثروتمندان، علت اصلی مسائل زیست‌محیطی است که امروز با آن مواجهیم. میلیاردها عضو "طبقات میانی" جهان، خارج از جوامع فوق رفاه زندگی می‌کنند و می‌کوشند از سرمشق ما پیروی کنند. امری که به مصرف انبوه، موتوریزه شدن انبوه و تخریب انبوه می‌انجامد. ما در جهان ثروتمند باید الگوهای بنیادین زندگی خود را تغییر دهیم.

نوع غارت مواد خام و نیروی کار جهان سوم توسط کشورهای ثروتمند، تولیدکننده فقر، جنگ، سرکوب سیاسی و تخریب محیط زیست است. این سیاست‌ها به افزایش موج پناهندگان می‌انجامد. اکثریت مهاجران در کشورهای فقیر دیده می‌شوند و اغلب آنها را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. تنها شمار اندکی از پناهندگان به کشورهای ثروتمند اروپا می‌آیند.

سوئد، ملتی متشکل از مهاجران است. از هر هشت سوئدی، یک نفر مهاجر است، و اغلب ما دارای اسلاف مهاجرند. بسیاری برای یافتن کار آمده‌اند، و برخی دیگر از فقر، سرکوب و جنگ گریخته‌اند. حزب چپ، مهاجران را سرمایه‌ای فرهنگی می‌داند که باید از آن دفاع کنیم. ما خواهان تفسیر بلندفردانه منشور پناهندگان سازمان ملل هستیم. پذیرش مهاجران باید از کانال‌های بوروکراتیک خارج شده، بیشتر بر همبستگی مردمی و مسئولیت شخصی متکی باشد. باید برای جلوگیری از تقابل و شرایط غیرانسانی زندگی پناهندگان، مهاجرت را کنترل کرد، اما ما باید در شرایط اضطراری، در صورتی که موقعیت ایجاد کند، آماده نشان دادن همبستگی باشیم.

بی‌عدالتی در مقیاس بین‌المللی، به ویژه سرنوشت سختی را به زنان و کودکان تحمیل می‌کند. میلیون‌ها نفر در سنین پایین به علت کار سخت، سوء تغذیه و فقدان دارو و امکانات درمانی، می‌میرند. بسیاری به زور جذب صنعت جهانی سوءاستفاده جنسی می‌گردند. بی‌عدالتی در مقیاس بین‌المللی، منجر به گسترش مقاومت می‌شود. در سراسر جهان، مردم برای دموکراسی، حقوق بشر و استقلال ملی مبارزه می‌کنند. این مبارزه، اشکال گوناگون به خود می‌گیرد. اتحادیه‌های کارگری و تعاونی‌های کشاورزی، گروه‌های طرفدار محیط زیست، جنبش‌های رادیکال، مذهبی و سایر حرکت‌ها، به مبارزه علیه ستم مشغول‌اند. زنان، دست‌اندرکار ایجاد شبکه‌های برای کمک به یکدیگرند. آنها به توسعه کشاورزی و تجارت و تقویت میانی خودکفایی محلی می‌پردازند. هرگاه خشونت و سرکوب، تحمل‌ناپذیر گردد، مخالفت با آن ممکن است به مبارزه مسلحانه فرا رود. حزب چپ، از مبارزات رهایی‌بخش حمایت کرده، علیه امپریالیسم و در مسیر همبستگی بین‌المللی با همه مردم تحت ستم، مبارزه می‌کند.

ضرورت یک نظم اقتصادی نوین جهانی، هیچ‌گاه سبب‌رزم از امروز نبوده است. آنچه مورد نیاز است، یک سیاست عادلانه بازرگانی است. کشورهای رشدیافته، به‌های بیشتری بابت محصولات خود دریافت کرده، مشمول تعرفه‌های تبعیض‌آمیز گمرکی نگردند. کشورهای ثروتمند باید به کشورهای فقیر بدون چشمداشت منافع مادی یا قدرت طلبانه خود کمک کنند. بدیهی‌های کشورهای رشدیافته باید کانال‌های قابل استفاده تلویزیونی افزوده شده است. محتوای آنها فقیر و یکسان است. این نیروهای بازاریاند که عامل تعیین‌کننده‌اند. حتی اگر سیل پیامهایی که به روی ما می‌بارد، احتمالاً تأثیری منفی بر زندگی ما بگذارد، رسانه‌های جدید فرصت افزودن بر دانش ما را می‌دهند. این امر بر اهمیت حمایت جامعه و جنبش‌های مردمی از آموزش و فرهنگ می‌افزاید. کتابخانه‌ها

مسائل، در اتاقهای در بسته مدیران و دنیای دسترس‌ناپذیر تحقیقات تصمیم گرفته می‌شود. اما این مسائل پیوسته حیاتی‌تر می‌شوند و از این رو باید تحت کنترل عمومی و موضوع تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک باشد.

۱۲ - آموزش

همگان باید از حق آموزش همه‌جانبه برای کسب توانایی زندگی غنی و آموختن حرفه بهره‌مند باشند. آموزش رایگان است که می‌تواند به همه امکان آموزش بدهد. در جامعه‌ای که دستخوش تحول سریع است، همه باید از حق بازآموزی نیز برخوردار باشند. حزب چپ می‌خواهد نظام آموزشی را دموکراتیک‌تر کند تا امکان استفاده از توانایی همه، فراهم آید. در مدرسه باید تلاش برای دست یافتن به دانش، در مرکز توجه باشد نه رقابت و شکار نمره درسی. به عنوان منبای آموزش خوب عمومی، جنبه‌های زیباشناختی، علمی و نظری، همگی دارای اهمیت برابرند. هدف، کسب توانایی همکاری است. تفکر مستقل، باید اصل حاکم بر همه فعالیت‌های آموزشی باشد.

مدرسه، باید تجربه عملی کار به سبک دموکراتیک را ارائه دهد. نقش مدرسه به عنوان محل ملاقات و مرکز فرهنگی محلی، باید احیا شود. مدرسه باید اندیشه برابری و همبستگی را هم در مجاورت بلافاصله و هم در جهان، ترویج کند. باید حق آموزش کودکان معلول و بیمار، تضمین گردد. کودکان وابسته به اقلیت‌ها باید حق استفاده از درس به زبان مادری را داشته باشند. باید فعالیت‌ها علیه تبعیض جنسی، نژادپرستی و تحقیر مبارزه کرد. توجه به حیوانات و طبیعت و نسلهای آتی، باید ترویج شود تا آگاهی عمومی از مسائل محیط زیست در جامعه تقویت گردد.

ما باید به حمایت از ستم آموزش بزرگسالان که از دیرباز، بخش مهمی از کار جنبش کارگری و سندیکا بوده است، ادامه دهیم. کمک سخاوتمندانه به نهادهای شهری آموزش بزرگسالان، سازمانهای آموزش بزرگسالان و مدارس عالی مردمی (این مدارس را در سوئد، جنبش‌های مردمی، کلیساها و سایر سازمانهای داوطلبان، اداره می‌کنند. مدارس منزیور، مخصوص بزرگسالانی است که می‌خواهند تحصیل عمومی خود را به پایان برسانند یا آن را ادامه دهند. - مترجم سوئدی به انگلیسی). به انسانها کمک خواهد کرد فرصت‌هایی را که در زندگی از دست داده‌اند جبران کنند. بخش بزرگی از این عده، زنان دارای سطح پایین آموزش‌اند که بسیاری از آنها را مهاجران تشکیل می‌دهند.

۱۳ - فرهنگ و رسانه‌ها

فرهنگ، هم خود یک هدف است و هم یک وسیله. خلاقیت، یک نیاز اساسی انسانی است. رشد آزاد و سرزنده بودن فرهنگ، پیش‌شرط یک جامعه سالم نیز هست. هدف حزب چپ، ترویج اشکال بسیار متنوع کار فرهنگی است که به انسانها نیرو و رضایت بخشد و حس جمعی را ایجاد کند. ما هم از کار غیرحرفه‌ای و هم از کار حرفه‌ای فرهنگی حمایت می‌کنیم. مهم است که به این دو شکل کار فرهنگی، امکان برخورد و توسعه با همکاری نزدیک و عملی داده شود. فرهنگ در هر جامعه‌ای از طریق توانایی‌های خلاق انسانها شکل می‌گیرد. مهاجرت انسانها، جوامع چندفرهنگی را ایجاد کرده است. در سوئد، مهاجرت در دهه‌های اخیر، این روند‌ها را تقویت کرده است.

۱۱ - تکنولوژی در خدمت بشریت

پیشرفت‌های علمی، به برآمد تکنولوژی نوینی انجامیده که در زندگی انسانها، انقلابی ایجاد کرده است. برای بسیاری از مردم، این روند‌ها به معنای پیشرفت قابل توجه در زمینه رفاه و امنیت بوده است. اما شمار کسانی که از این روند بی‌بهره مانده‌اند، بیشتر است. حزب چپ، برخورد مثبتی به تکنولوژی و علم دارد. اما ما به مسائل عظیمی که ناشی از سوءاستفاده از دانش‌اند، واقفیم. آشکارترین نمونه، استفاده نظامی از دانش بشری است. حزب چپ، از اصل آزادی تحقیقات پایه‌ای دفاع می‌کند، اما این که چگونه باید تکنولوژی را پیش برد و از آن استفاده کرد، یک مسئله سیاسی است.

روند تخریب‌کننده محیط زیست که در آن تکنولوژی نقش ایفا کرده است، باید متوقف شود. فنون نوین باید برای احیای آنچه تا کنون تخریب کرده‌ایم و برای تسهیل تولید و مصرف مسئولانه و دمساز با قوانین طبیعت، مورد استفاده قرار گیرد.

پیشرفت علمی، بازده کار بشر را افزایش داده است. افزایش بازده کار، می‌تواند به کاهش عمومی ساعات کار، محیط بهتر کار و زندگی کاری توأم با وظایف ایجادکننده انگیزه بیانجامد. از این طریق است که کارگران باید خود کنترل استفاده و پیشرفت تکنولوژی را به دست گیرند.

بین‌المللی شدن اقتصاد، همراه با رشد تکنولوژی، بر قدرت شرکت‌های فراملیتی افزوده است. مراکز تصمیم‌گیری، از مردمی که نتایج تصمیمات، بر زندگی آنها تصمیم می‌گذارد، باز هم دورتر می‌شوند. پاسخ به این روند، باید همکاری سندیکایی با هدف کاستن از قدرت سرمایه فراملیتی باشد. تکنولوژی پیشرفته، می‌تواند تصمیم‌گیری‌های مسئولانه دموکراتیک، حتی در چارچوب بخش خصوصی بین‌المللی را تسهیل کند.

فنون جدید پزشکی، مضمّن چشم‌انداز زندگی فارغ از امراض متعارف و عادی است. در عین حال، بسیاری از کاربردهای احتمالی آن، فوق‌العاده متناقض‌اند. باید از طریق قانون‌گذاری، تعیین کرد که کدام یک از این کاربردها اعمال شوند. در کاربرد تکنولوژی زیستی بر روی گیاهان و جانوران، باید ثابت شود که روند‌های بیولوژیک آسیب نمی‌بینند. معیارهای روشن اخلاقی برای جلوگیری از رنج بردن حیوانات، ضروری است. درمان ژنتیک می‌تواند در معالجه بیماری‌های معین، اقدام مؤثری از کار درآید، اما تأثیراتی که ممکن است به دگرگونی‌های ارثی بیانجامد، نباید مجاز شمرده شود. مسائل مربوط به چگونگی اعمال کنترل بشریت بر تکنولوژی جدید، ممکن است دشوار به نظر آیند. امروز در مورد این

مؤسسه باید در مورد محیط کار خود، نفوذ تعیین‌کننده داشته باشند. برنامه‌ریزی اجتماعی، باید هم متوجه حفاظت از مراکز شهری بزرگ و هم در جهت حفظ مناطق کم‌جمعیت روستایی باشد. سیاست‌های حمل و نقل، باید حمل و نقل جمعی بی‌ضرر برای محیط زیست را تشویق نماید. سیاست‌های کشاورزی، باید نحوه کشت همساز با محیط زیست و حفظ باروری درازمدت خاک را تشویق کند. سیاست‌های حفظ طبیعت، بسایز از حیوانات، طبیعت و

هدر دادن بزرگ ابعاد منابع، به گونه‌ای که در جوامع صنعتی روی می‌دهد، نتیجه روندی صنعتی است که هدایت آنرا افراد، شرکتها و دولتهای فاقد احساس مسئولیت در قبال محیط زیست بر عهده دارند. حزب چپ برخورد مثبتی به تکنولوژی و علم دارد. اما ما به مسائل عظیمی که ناشی از سوءاستفاده از دانش‌اند، واقفیم. آشکارترین نمونه، استفاده نظامی از دانش بشری است.

سرزمین‌ها دفاع کند. جنگلهای طبیعی، برای گیاهان و جانوران ما و بقی خود ما اهمیت زیادی دارد.

مسائل انرژی، نقش کلیدی دارند. ما باید به استفاده از مواد سوختی مضر به حال محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، پایان دهیم. انرژی هسته‌ای، مضمّن خطر فاجعه و مسائل حل‌نشده در زمینه انباشتن زباله‌های آلوده است. نیروگاه‌های هسته‌ای باید پرچیده شوند. ما باید استفاده از منابع سبز و قابل احیای انرژی را گسترش دهیم. راه‌حل‌های بزرگ‌ابعاد، باید با تأسیسات کوچکتری که انرژی را در مقیاس محلی تأمین می‌کنند، تلفیق شوند. باید از طریق صرفه‌جویی، زیرساخت انطباق‌یافته با محیط زیست، تکنولوژی دارای مصرف کمتر انرژی و یک سیاست فعال گرفتن عوارض، از مصرف انرژی کاست.

باید به آزمایش‌های توأم با درد روی حیوانات پایان داد و "کارخانه‌های حیوانات" را تعطیل کرد. نگهداری از حیوانات باید بر اساس پذیرش این اصل صورت گیرد که حیوانات موجوداتی دارای درک و احساس و حق زندگی خویند.

ما به عنوان مصرف‌کنندگانی که نگران مسائل اکولوژیک‌انید، می‌توانیم الگوهای زندگی خود را تغییر دهیم. فرایند‌های صنعتی را می‌توان به کمک تکنولوژی پیشرفته زیست‌محیطی، چنان بهبود بخشید که مطابق با الزامات سخت‌گیرانه در زمینه صرفه‌جویی در استفاده از منابع، تجدید منابع و محیط کار سالم باشد.

ممکن است الزامات اکولوژیک، در مغایرت با سایر اهداف ارزش‌های سیاسی مانند اشتغال کامل، خودمختاری محلی و استقلال ملی قرار گیرد. در چنین تضادهایی، ملاحظات درازمدت و همبستگی بین‌المللی باید نتیجه را تعیین کند. طبیعت، مرزهای ملی نمی‌شناسد. بسیاری مسائل محیط زیست باید از طریق همکاری بین‌المللی حل شود. صادرات و واردات زباله آلوده و سموم مضر به محیط زیست، باید ممنوع شود.

۹ - برابری حقوق جنسی

حزب چپ، در مبارزه در راه حقوق برابر جنسی برای همگان شرکت می‌کند. ما معتقدیم هر کس حق دارد امور مربوط به زندگی جنسی خود را مستقل تعیین کند. ما نهادها و عادات ناظر بر سرکوب جنسی را محکوم می‌کنیم. خشونت جنسی مردان علیه زنان و کودکان در سراسر جهان، ساختار قدرت مردسالارانه را بازتاب می‌دهد و تحکیم می‌کند، از جمله در سوئد. حتی وقتی این رفتار جنایتکارانه افشا می‌شود، قربانیان از حمایت مطمئن جامعه برخوردار نیستند. صنعت پورنوگرافیک که به یکی از رشته‌های سودآور اصلی سرمایه‌داری تبدیل شده است، از خشونت علیه زنان و کودکان استفاده می‌کند.

ما علیه صنعت پورنوگرافیک مبارزه می‌کنیم. ما مخالف فحشا هستیم و خواهان آیم که مشتریان فحشا، مجرم محسوب شوند. ما برای جامعه‌ای می‌کوشیم که در آن، زمینه‌های رشد فحشا از میان برود.

۱۰ - محیط زیست ما

انسان، جزئی از طبیعت است. ما به منابع طبیعت، تنوع موجودات زنده و چرخه‌های گوناگون آن وابسته‌ایم. انسانها با محافظت از روند‌های حیات‌بخش طبیعت، شرایط حاکم بر زندگی خود را حفظ می‌کنند. این امر، مستلزم افزایش آگاهی زیست‌محیطی است. کل روش تولید و مصرف ما باید دگرگون شود. سیستم شوروی در نتیجه سرمایه‌گذاری در رشد کثی سریع، باور کورکورانه به علم و تکنیک و نیز فقدان دموکراسی و کنترل مردمی، به فجاج اکولوژیک انجامید. در جهان سرمایه‌داری، تمایل به افزایش سود و تشدید رشد مادی، اهمیت بیشتری داشته است تا اندیشیدن به طبیعت. استفاده مدام اقتصادهای رشدیافته از انرژی و منابع، به بحران جهانی اکولوژیک انجامیده است. هدر دادن بزرگ‌ابعاد منابع، به گونه‌ای که در جوامع صنعتی روی می‌دهد، نتیجه روندی صنعتی است که هدایت آن را افراد، شرکتها و دولت‌های فاقد احساس مسئولیت در قبال محیط زیست بر عهده دارند.

محیطی که ما در آن زندگی می‌کنیم، نیازمند تدابیری علیه آلودگی و بهره‌برداری بی‌رویه از زمین است. جامعه بسیار دیر به فکر چاره افتاده است. در برخی مناطق، ما موفق شده‌ایم این روند‌ها را متوقف کنیم، اما ما باید شیوه زندگی خود را به کلی تغییر دهیم. در این مورد، کشورهای مرفه باید بیشترین بار مسئولیت را بر عهده گیرند. مسائل محیط زیست در محیط کار، آنگونه نیستند که مانند آلودگی‌های هوا، به همگان مربوط شوند، و از این رو، در سیاست‌های زیست‌محیطی اغلب مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. این مهم است که کار ما به سلامت بدنی و روحی ما ملطه نزنند. شاغلان هر

● مارکسیسم می‌تواند در پیوند با انساندوستی، تفکر زیست محیطی و تئوری فمینیستی، به ما در درک جهانی که آرزوی ما تغییر آن است، کمک کند. ● حزب چپ می‌خواهد نوعی از سوسیالیسم را بسازد که در آن، حقوق و آزادیهای شهروندان، مقدس است. می‌خواهیم به اتفاق دیگران، جهانی بهتر و عاری از ستم بسازیم که در آن، فرزندان نواوده‌های ما نیز بتوانند زندگی کنند.

می‌کند. راه این مقصد از توافق‌های بین‌المللی برای کاهش سلاح‌ها و نیروهای نظامی می‌گذرد. کشور ما می‌تواند و باید در کاهش رادیکال تسلیحات و نیروهای نظامی، منع صدور اسلحه و گذار صنایع تسلیحاتی به تولید غیرنظامی، سرمشق باشد. هدف نهایی مورد حمایت حزب ما و جنبش کارگری از آغاز پیدایش آن، جهانی عاری از تسلیحات است. در اروپا، فروپاشی اقتصادهای مبتنی بر برنامه‌ریزی و سقوط دیکتاتورهای حزبی در اروپای شرقی، به از هم پاشیدن یک بلوک ایرقدرت انجامیده است. در اروپای غربی، روندها در جهت عکس سیر می‌کند. در آنجا، جامعه اروپا در حال تبدیل شدن به یک اتحادیه اقتصادی، سیاسی و نظامی است. حزب چپ، علیه شکل‌گیری بلوک‌های جدید تجاری، سیاسی و نظامی فعالیت می‌کند. بقیه در صفحه ۸

## در باره ایجاد نهاد دمکراتیک و رهبری مشترک

مجید عبدالرحیم پور

احزاب و سازمانهای نظیر سازمان فدائیان خلق ایران که در تشکیل و انحلال جبهه ملی نقش داشتند، انتظار احیای جبهه ملی را داشته باشند. البته برخی از دوستان جبهه ملی سابق، فدائیان را به پیوستن به جبهه ملی فرا خوانده‌اند. بعد از خواندن این پیام، پیش خود گفتم که برآستی اگر یک حزب جدی خواهد به این فراخوان، پاسخ جدی بدهد، به کدام نهاد و مقام مسئول و صلاحیتدار جبهه ملی باید مراجعه کند؟ آیا اساساً چنین مقام و نهاد صلاحیتداری وجود دارد؟ اگر جبهه ملی احیا شدنی است آیا صحیح و منطقی این نیست که ابتدا احزاب و افراد وابسته به آن، مسایل مابین خودشان را حل و فصل کرده و جبهه ملی را احیا کنند، یا این خیال را کنار بگذارند و دنبال اتحاد جدید در اشکال جدید و منطبق بر وضعیت کنونی جامعه و نیروهای سیاسی کشور باشند؟

### جایگزینی الگوی متضاد با الگوی

#### جمهوری اسلامی و رفرمیسم؟

بخشی از نیروهای سیاسی مدتی است اعلام کرده‌اند که مدافع رفرم سیاسی، مخالف انقلاب، مخالف استراتژی برکناری جمهوری اسلامی و تأسیس حکومت لائیک و دمکراتیک بجای آن هستند. مدعی هستند که نمی‌خواهند قدرتمداران جمهوری اسلامی بروند و احزاب و افراد ضد دمکرات بسجای آنها بیایند. آنها این تلاشها را غیردمکراتیک، براندازنده، اعتمادسوز و ویرانگر نام گذاشته‌اند.

در عین حال آنها می‌گویند که مخالف جمهوری اسلامی و خواهان یک جمهوری لائیک و دمکراتیک هستند! سیاست استراتژی‌کنش انتخابات آزاد در جهت استقرار نظام مردمسالاری است که باید گام به گام در پیوند با احزاب یا مبارزات مردم و برقراری رهبری مشترک و اعمال فشار به رژیم پیش برود. می‌خواهند در چهارچوب ولایت فقیه انتخابات آزاد بمشابه اولین گام در جهت نظام مردمسالاری برگزار شود و نهاد قانونگذاری، بدست نیروهای ملی دمکرات بیفتد و ... تا در نهایت حرکت در جهت نظام مورد نظر فراهم شود. البته برای برگزاری انتخابات آزاد، چندین پیش‌شرط نیز دارند.

من در اینجا وارد این بحث قدیمی نخواهم شد که آیا جمهوری اسلامی بمشابه یک الگو دارای ظرفیت دمکراتیک شدن هست یا نیست. شخصاً بر این نظر هستم که الگوی مبتنی بر دین و استبداد در ذات خود نفی‌کننده الگوی لائیک و دمکراتیک است و به چنین الگویی فرا نمی‌رود. حکومت مبتنی بر دین و استبداد می‌شکند اما شکسته نمی‌شود. ولی جدا از این نظر لازم است به کسانی که خود را رفرمیست می‌دانند یادآوری شود که قرار دادن یک نظام سیاسی مبتنی بر دمکراسی و لائیک بمشابه یک الگو در برابر نظام مبتنی بر دین و استبداد جمهوری اسلامی بمشابه الگوی دیگر و مبارزه در راستای جایگزینی گام بگام الگوی خود بجای الگوی جمهوری اسلامی، هیچ معنی دیگری جز براندازی ندارد. اگر آنها واقعاً استراتژی و قصد براندازی ندارند، اصولاً نباید الگوی کاملاً متضادی با الگوی جمهوری اسلامی را در برابر آن قرار دهند و برایش مبارزه کنند. این کار آنها یعنی قرار دادن الگوی کاملاً متضاد در برابر الگوی جمهوری اسلامی و مبارزه برای آن نقض غرض است و اعتماد حکومتیان را نسبت به آنها می‌سوزاند.

گفتن اینکه ما رفرمیست و مخالف براندازی هستیم ولی خواهان یک نظام کاملاً متضاد با نظام جمهوری اسلامی نیز هستیم و می‌خواهیم گام بگام به نظام مورد نظر خود برسیم تناقض آشکاری را به نمایش می‌گذارد. وقتی که سخن از تلاش و مبارزه در راستای جایگزینی یک الگوی گسترش یافت (در مقایسه با سایر کشورهای اروپا، سوئد دیرتر صنعتی شد، آغاز این روند، اواخر قرن نوزدهم بود - مترجم سوئدی به انگلیسی). خواست دمکراسی، چه در جامعه و چه در حزب، وجه مشخصه نخستین برنامه ما بود. حق رأی همگانی و برابر برای زنان و مردان، نخستین خواست برنامه بود، و به دنبال آن، خواست برقراری حقوق و آزادی‌های کامل دمکراتیک در همه موارد دیگر آمده بود. حزب، اترنالیست بود و بر مبنای مسئولیت فردی هر انسان بنا شد.

سپس، حزب به جنبش جهانی کمونیستی پیوست. نوعی وابستگی به اتحاد شوروی شکل گرفت و به برخی خطاهای فاحش انجامید. این امر به کاهش استقبال از حزب ما و قدرت آن رکل چپ کمک کرد. در طول سالهای دهه ۶۰ میلادی، حزب به این وابستگی پایان داد و راه مستقلی در پیش گرفت. سیاست‌های نوسازی، مدت‌ها مورد بحث بود. تبدیل ظهور حزب به یک حزب مستقل و از همه لحاظ دمکراتیک، بسیار به طول انجامید.

در طول سالها، حزب مبارزه‌ای پیگیرانه برای عدالت در جامعه سوئد پیش برده است. حزب در بسیاری از موارد، هنگام به دست گرفتن ابتکار اصلاحات بنیادین اجتماعی، پیشتاز بوده است. در این مورد، ما سنت قابل افتخاری داریم که باید بدان تکیه کنیم. در سالهای اخیر، حزب علاوه بر این، پهره‌ای سبز نیز کسب کرده است که در رهله اول در مبارزه آن علیه انرژی هسته‌ای بازتاب می‌یابد.

ما در تاریخ خود، درس‌هایی داریم که در انتقاد از خود، باید بیاموزیم. سیاست‌های ما نباید بر مبنای دگرها و یا وابستگی به احزاب خارجی استوار شود. جامعه را نمی‌توان بر اساس یک جهانبینی واحد بنا کرد. به مارکسیسم باید مانند سایر تئوریهایی

چندین سال پیش هنگامی که سخن از تشکیل جبهه بود، گفته می‌شد که برای همکاری سیاسی جدی و تشکیل جبهه، باید مبانی، اصول و اهداف مشترکی میان نیروهای سیاسی وجود داشته باشد. بعد از سالها تلاش و صرف انرژی و وقت فراوان توسط بسیاری از آزادیخواهان کشور، اغلب این مبانی و اصول مورد پذیرش بخش عمده نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی قرار گرفته است. نیروهای آزادیخواه قدم به قدم موانع را رفع کرده‌اند و به همدیگر نزدیک شده‌اند. امروز، ظاهراً، فقدان استراتژی واحد، مانع عمده در برابر همکاریهای سیاسی جبهه‌ای است. استدلال می‌شود که تنها با داشتن مبانی و اهداف سیاسی مشترک، نمی‌توان نهاد دمکراتیک و رهبری مشترک تشکیل داد شرط چنین کاری، وجود استراتژی واحد نیز است.

این سخن که برای ایجاد رهبری مشترک میان احزاب و سازمانهای سیاسی باید استراتژی واحدی وجود داشته باشد، نمی‌تواند مورد مخالفت یک نیروی سیاسی جدی قرار گیرد، اما برخوردهای غیرواقع‌بینانه و ایدئولوژیک با امر استراتژی واحد، خود خطائی است بزرگ و ادامه این خط خود به مانع جدی در امر ایجاد رهبری مشترک بدل شده است. برخی از نیروهای سیاسی فرقی میان نهاد دمکراتیک و همکاری جبهه‌ای با حزب واحد قائل نیستند و نیز وقتی که از استراتژی واحد سخن به میان می‌آید هیچ گونه تفاوت و اختلاف نظری را بر نمی‌تابند.

مدتها است که این سؤال ذهن اغلب نیروهای سیاسی را مشغول کرده است که آیا موانع و مشکلات سر راه اتحاد آزادیخواهان در اشکال جبهه‌ای و یا هر شکل مناسب و فراگیر دیگر، پایانی خواهد داشت.

بیم آن می‌رود که با رفع موانعی بنام استراتژی واحد موانع دیگری پدیدار شود و این بیم هم واقعی است. چرا که در حال حاضر بسیاری از نیروهای سیاسی که هم مبانی مشترک دارند و هم استراتژی واحد، حاضر به تشکیل حتی یک کمیسیون یا کمیته و یا نهاد سیاسی مشترک برای پیشبرد مبارزه علیه جمهوری اسلامی نیستند. اگر وجود مبانی و استراتژی واحد موجب گرداندن و متحد شدن نیروهاست، پرسیدنی است که پس چرا بخش بزرگی از نیروهای وابسته به جبهه ملی که همچنان راه مصدق را دنبال می‌کنند، نمی‌توانند جبهه ملی را احیا کنند؟ چرا سازمان جمهوریخواهان ملی ایران و نیروهای وابسته به جبهه ملی ایران که هیچ تفاوت ماهوی و کیفی در ایدئولوژی و مبانی و اهداف استراتژیکی ندارند، تاکنون نتوانسته‌اند حتی یک کمیته سیاسی مشترک تشکیل دهند؟ آیا مشکل و مانع واقعا در استراتژی و روش مبارزاتی است؟ من بر این خیال نیستم. اگر این نیروها با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمشابه یک جریان چپ که خود را مدافع سوسیالیسم، مدافع منافع جامعه و افشار و طبقات زحمتکش می‌دانند و آشکارا از استراتژی سیاسی برکناری حکومت مبتنی بر دین و استبداد و ایجاد حکومت لائیک و دمکراتیک دفاع می‌کنند، یا با حزب دمکرات کردستان ایران اختلافات و مشکلاتی دارند که هم قابل فهم و هم تا حدودی واقعی است، مشکلات میان خودشان چیست؟

نیروهای جبهه ملی مدت‌هاست که در صدد احیای جبهه ملی ایران هستند، باید از این دوستان پرسید چه کسانی مانع احیای جبهه ملی هستند؟ آیا نیروهای نظیر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب توده ایران، سازمان جمهوریخواهان ملی ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران، حزب دمکراتیک مردم ایران... موانع احیای جبهه ملی هستند؟ آیا این نیروها مانع همکاری نهضت مقاومت ملی ایران، حزب ملت ایران، فراکسیون متحدجبهه ملی، جبهه ملی (در اروپا) و بقیه نیروهای جبهه ملی با همدیگر هستند؟ اگر جبهه ملی ایران احیا شدنی است، پس چرا نیروهای جبهه ملی آنرا احیاء نمی‌کنند؟ تصور نمی‌کنم که دوستان جبهه ملی، از

را جایگزین نظام دینی و استبدادی جمهوری اسلامی کنیم. به زبان دیگر الگوی خردمان را گام بگام جایگزین الگوی مورد علاقه طرفداران و قدرتمندان جمهوری اسلامی کنیم. کسی که با علم سیاست آشنائی دارد به ما خواهد گفت که جناب، این سیاست استراتژیکی شما، سیاست استراتژیکی براندازی است، بی‌جهت طرفداران دمکراسی را به هواداران استراتژی برانداز و هواداران استراتژی انتخابات آزاد تقسیم نکنید. این تقسیم‌بندی نه واقعی، نه بسود دمکراسی و نه بسود ملت ایران است. اگر شما قصد دارید الگوی مورد نظر خود را جایگزین جمهوری اسلامی کنید، برای قدرتمندان رژیم فرقی نمی‌کند که این جایگزینی گام بگام و بتدریج انجام بگیرد یا با گامهای بلند و سریع. آنها هیچ الگوی دیگری را بر نمی‌تابند و کاملاً واقف بر تفاوت و تضاد بنیادین جمهوری اسلامی با الگوهای لائیک و دمکراتیک هستند. این فکر که گویا رهبران و پاسداران جمهوری اسلامی از روی نادانی و کم سوادی به دفاع از چنین نظامی برخاسته‌اند و ما رسالتان آموزش فرهنگ دمکراسی به آنها است فکر درستی نیست. آنها اگر بیشتر از طرفداران دمکراسی و سکولاریسم در باره این مقوله‌ها مطالعه ندارند، کمتر نیز ندارند. بعلاوه آنها صدها کادر و مشاور تحصیلکرده دارند که بخش بزرگی از آنها تحصیلات عالی خود را در کشورهای غربی گذرانده‌اند.

الگوی جمهوری اسلامی بمشابه ارزش الهی نظام پاسدار منافع ایدئولوژیک و منافع مشخص آنها است. هر نیرویی به هر شیوه‌ای، چه شیوه مسالمت آمیز و چه بشیوه قهرآمیز، چه گام بگام و تدریجی و چه با گامهای بلند و سریع، قصد سست کردن پایه‌های جمهوری اسلامی بمنظور جایگزین کردن گام بگام الگوی لائیک و دمکراتیک را داشته باشد و خواهد به این قصد جامعه عمل بپوشاند، بی شک به عذاب خداوندان جمهوری اسلامی گرفتار می‌شود.

### سخن آخر

نیروهای ملی دمکراتیک اگر قصد ایجاد رهبری مشترکی را دارند، باید این واقعیت را بپذیرند که اصول و مبانی و اهداف استراتژیکی و سیاست درازمدت استراتژیکی میان بخش بزرگی از آنها حاصل است. برای دستیابی به نهاد و رهبری دمکراتیک مشترک نباید استراتژی سیاسی را از صافی رفرمیسم و رادیکالیسم افراطی گذرانند و آنرا ایدئولوژیزه کرد. این که اهداف ما گام بگام و بتدریج متحقق می‌شود یا با گامهای بلند و سریع، بستگی به سیاست و اراده ما بستگی ندارد و در چهارچوب تنگ بایدها و نبایدهای از قبل تصویر شده ما نمی‌گنجد. شرط بندی و قسم خوردن روی این که اهداف استراتژیکی ما، همانگونه که ما تصویر می‌کنیم و می‌خواهیم پیش خواهد رفت، و تبدیل کردن آن به اختلافات استراتژیکی میان دمکراتهای کشور، مانع همکاریهای جدی سیاسی و منافع ایجاد نهاد و رهبری دمکراتیک مشترک است و تنها به درد بحثهای بی‌پایان و به درد بی‌عملی می‌خورد.

در پایان سخن یک بار دیگر لازم است گفته شود که دمکراتهای متشکل و غیر متشکلی که خواهان: استقرار نظام مردمسالار از طریق انتخابات عمومی و آزاد، تأسیس جمهوری، جدائی دین و نهادهای دینی از دولت، جدائی ایدئولوژی از دولت، تأمین و گسترش دمکراسی در جامعه، مدافع استقرار نظام سیاسی غیر متمرکز و مدافع تأمین حقوق اقلیتهای قومی یا ملی در چهارچوب تمامیت ارضی کشور، مدافع رعایت حقوق بشر، مدافع استقلال ملی و مدافع حقوق و مبارزات مردم ایران هستند، می‌توانند بوساید بر اساس همین مبانی و اهداف سیاسی، دور هم جمع شوند و نهاد و رهبری دمکراتیک مشترکی را برای هدایت مبارزات مردم ایران در راستای اهداف فوق و علیه حکومت دینی و استبدادی حاکم بر کشورمان تشکیل دهند. این نهاد خود می‌تواند با تأکید و توجه به استقلال جریانات سیاسی مختلف، و با احتراز و دوری از اندیشه و سیاست یکسان کردن احزاب و سازمانها و جریانات سیاسی مختلف، برنامه عمل و نقشه و تاکتیکی لازم را تعیین کند. تأکید روی این موضوع از این نظر ضروری است که متأسفانه برخی از جریانات سیاسی هیچگونه اختلاف سیاسی ویژه اختلاف استراتژیکی را بر نمی‌تابند و هدفشان از همکاری جبهه‌ای یکسان‌سازی جریانات سیاسی گوناگون می‌باشد.

کاملاً متضاد با الگوی دیگری است، این جایگزینی حتی اگر به شیوه مسالمت آمیز و گام بگام و از طریق انتخابات آزاد هم انجام گیرد هیچ معنایی جز رفتن حکومت جمهوری اسلامی و آمدن نظام لائیک و دمکراتیک ندارد.

در واقع، معنای دیگر قرار دادن الگویی کاملاً متضاد در برابر الگویی دیگر و مبارزه برای جایگزین کردن آن چیزی نیست جز این که شما این الگو را اصلاح‌پذیر نمی‌دانید. و چون اصلاح‌پذیر نمی‌دانید، استراتژی و تاکتیکیهای شما ماهیت و عملکرد تضعیف کننده و در نهایت براندازنده دارند. نه اصلاح‌گرانه. برخی از دمکراتها برای دور زدن بحث، می‌گویند در سیاست نباید ماهیت‌گرایی کرد، ولی توجه نمی‌کنند که تاکتیکیها و استراتژیها بمشابه سیاستهای کوتاه مدت و بلند مدت، مستقل از نیات تنظیم‌کنندگان دارای ماهیت هستند. اگر سیاستهای دراز مدت و کوتاه مدت تهنی از ماهیت هستند، پس اینهمه بحث و جدل بر سر اینکه این استراتژی براندازنده، انقلابی و ویرانگر است و آن یکی اصلاح‌گر و سازنده، به چه معناست؟ استراتژی و تاکتیکی که ناظر بر جدائی دین از دولت، شکست حاکمیت استبدادی و ایجاد حاکمیت لائیک و مردم‌سالار است، چه بتدریج و در چند گام متحقق شود و چه سریع و در یک مرحله، جدا از نیات ما ماهیت براندازنده دارند. به گمان من قرار دادن نظام لائیک و دمکراتیک در برابر نظام دینی و استبدادی حاکم و مبارزه در راه استقرار آن، حتی اگر تدریجی و گام بگام باشد، در قامت کوتاه رفرمیسم نمی‌گنجد. رفرمیستهای واقعی نمی‌توانند و نمی‌خواهند هیچ الگویی کاملاً متضادی را در برابر جمهوری اسلامی قرار بدهند. بعنوان مثال آقای یزدی رهبر جدید نهضت آزادی بارها اعلام کرده است که «وفادار به نظام جمهوری اسلامی است و به تغییر و اصلاح تدریجی، از وضعی که هست به سوی یک وضع مناسب‌تری در چهارچوب همین قانون اساسی اعتقاد دارد». و یا رفرمیستها هیچ الگویی کاملاً متضاد با سرمایه‌داری، در برابر آن نمی‌گذارند. آنها بر این اعتقاد هستند که همین نظام اصلاح‌پذیر است و باید در چهارچوب آن در جهت بهبود وضعیت موجود تلاش کرد.

اما برخلاف آقای یزدی که متأسفانه استراتژی اصلاح حکومت اسلامی و نه ایجاد حکومت لائیک و مردمسالار را در پیش گرفته است، برخی از جریانات سیاسی کشورمان هنوز دچار تناقض هستند. آنها از یکسو مخالف نظام جمهوری اسلامی و مدافع ایجاد نظام لائیک و مردمسالار اند و از سوی دیگر نه استراتژی اصلاح حکومت اسلامی را قبول دارند و نه استراتژی برکناری آن و ایجاد حکومت لائیک و مردمسالار را می‌پذیرند.

### سناریوی براندازی گام بگام

فرض کنیم در یک شرایط مجین، جمهوری اسلامی ناگزیر از پذیرش پیش‌شرطهای انتخابات آزاد شده و نیروهای اپوزیسیون در انتخابات مجلس شورای اسلامی اکثریت آرا را بدست آورند. آیا طرفداران سیاست گام بگام، گام دیگری را تدارک خواهند دید؟ طبعاً اگر آنها هدفشان ایجاد یک نظام دمکراتیک و لائیک باشد خود را به تقسیم قدرت با زمامداران حکومت در مجلس شورای اسلامی محصور نکرده و قطعاً در همان گام درجا نخواهند زد. آنها یقیناً گام دیگری را تدارک دیده و در مبارزه با قدرتمندان جمهوری اسلامی سعی خواهند کرد آنها را مجبور به عقب نشینی دیگری بکنند. مثلاً برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری پیش‌شرطهایی را مطرح و در یک‌نبرد خواهند کوشید این رکن قدرت را نیز بدست آورند.

حال اجازه بدهید این سناریو را ادامه بدهیم و در هر گام خیالی خود، یکی از رکنهای جمهوری اسلامی را بشیوه مسالمت آمیز تسخیر کنیم و آن را به سکوتی برای تسخیر رکن دیگران بدل کنیم و بالاخره همه ارکان آنرا گام بگام بگیریم و بالاخره نظام لائیک و دمکراتیک دلخواه خودمان

علوم اجتماعی برخوردار کرد، یعنی مارکسیسم باید تحمل نقادی و مومکانی را داشته باشد.

ما حزبی سوسیالیست هستیم که روند بازسازی را از سر می‌گذرانیم. سنت اندیشه بنیادگراشته شده توسط مارکس، زنده و قابل رشد است. در سالهای اخیر، جنبش‌های زنان و حفظ محیط زیست، دانستی‌ها و تجارب مهمی به حزب داده‌اند. مارکسیسم می‌تواند در پیوند با انسان‌دوستی، تفکر زیست‌محیطی و تئوری فمینیستی، به ما در درک جهانی که آرزوی ماتفری آنراست، کمک کند.

### ۱۶ - راه چپ

مبارزه برای سوسیالیسم، هر روز ادامه دارد. در محیط کار، انسان‌ها برای دمکراسی و خودمختاری مبارزه می‌کنند. در مناطق سکوتی، مردم می‌کوشند شرایط زندگی خود را تحت کنترل خود بگیرند. در خانه و جامعه، زنان و مردان برای توزیع برابر کار و قدرت می‌کوشند. مصرف‌کنندگان آگاه و فعال، علیه مواد یکبارمصرف مبارزه می‌کنند. در عین حال، دانش و نیرویی که برای خودگردانی جامعه مورد نیاز است، در حال شکل‌گیری است. از نظر حزب چپ، مبارزه سیاسی برای اهداف کوتاه‌مدت، حائز اهمیت است. ما می‌کوشیم در پارلمان، شوراهای مناطق و انجمن‌های شهر کاری سازنده انجام دهیم که متوجه دستیابی به نتایج معین باشد. این امر، پیوسته مستلزم سازش است، چرا که ما تنها از طریق همکاری با سایر احزاب می‌توانیم به اکثریت دست یابیم.

این امر، اهداف درازمدت ما را محدود نمی‌کند. ما مبارزه سیاسی روزمره را بخشی اجتناب‌ناپذیر از مبارزه درازمدت برای یک سوئد سوسیالیستی و برای جهانی در همبستگی می‌دانیم. ما همچنین در جنبش‌های گسترده توده‌ای شرکت می‌کنیم، از جنبش

کارگری گرفته تا جنبش زنان و جنبش حفظ محیط زیست. این جنبش‌ها قادرند به اتفاق هم، نیروی بازسازی مورد نیاز در سیاست سوئد را ایجاد کنند.

سیاست در سوئد، همواره مهر و نشان تضاد سرمایه و کار را بر خود داشته است. حزب چپ، همواره با پیگیری از منافع زحمتکشان دفاع کرده و برای عدالت و همبستگی کوشیده است. در سیاست امروزی، ایجاد جدیدی شکل گرفته‌اند. نوعی برخورد زنانه به ناعدوستی، سوسیالیسم ما را تعقیب بخشیده است. الزامات بقا و اکولوژی، همبستگی با طبیعت و نسل‌های آتی را ضروری می‌سازد. همبستگی در میان زحمتکشان، مبارزه زنان و همبستگی با طبیعت، با یکدیگر گره خورده‌اند. ما بدون عدالت، نمی‌توانیم حمایت کافی از سیاست‌های حفظ محیط زیست را جلب کنیم. بدون طرح خواست‌های زیست‌محیطی، ما نمی‌توانیم به قدر کافی برای سیاست‌های عدالت‌خواهانه نیرو بسیج نماییم. بدون چشم‌اندازی برای زنان، مبارزه برای عدالت تضعیف می‌شود و آرزوهای برای آینده، تحقق‌ناپذیر می‌مانند. موقعیت ما به عنوان یک حزب هم سرخ و هم سبز، مسئولیت ویژه‌ای را متوجه ما می‌کند. ما برای یک اتحاد گسترده سرخ و سبز و برای یک سیاست فراگیر همبستگی می‌کوشیم.

ما در موقعیت تاریخی اساساً تئورنی زندگی می‌کنیم که بیش از هر زمان، وجود چپ سوسیالیست را ضروری می‌کند. حزب چپ می‌خواهد نوعی از سوسیالیسم را بسازد که در آن، حقوق و آزادی‌های شهروندان، مقدس است. ما می‌خواهیم به اتفاق دیگران، جهانی بهتر و عاری از ستم بسازیم که در آن، فرزندان نواده‌های ما نیز بتوانند زندگی کنند.

## برای جهانی در همبستگی

### برنامه حزب چپ ...

بقیه از صفحه ۷

ما علیه جامعه و اتحاد اروپا مبارزه می‌کنیم و مخالف عضویت سوئد در آن هستیم. اتحاد اروپا، بر مبنای اولویت حرکت آزادانه نیروهای بازار بر اهداف اجتماعی و زیست‌محیطی استوار است. این اتحاد، همچنین به معنای لغو بخش بزرگی از حق تعیین سرنوشت ملل به سود ساختارهای غیردمکراتیک و دیوان‌سالارانه در بروکسل است. شکل‌گیری اتحاد اروپا، بر مبنای نیازهای توسعه شرکت‌های فراملیتی بوده است.

ما خواهان ایجاد یک جنبش گسترده مردمی برای اروپایی باز و آزاد هستیم. ما می‌خواهیم همراه با هم‌فکران خود در داخل و خارج از اتحاد اروپا، برای اروپایی متشکل از ملت‌های آزاد و برابر بکوشیم که با یکدیگر و با مابقی جهان، همکاری کنند. ما خواهان گسترش همکاری اروپایی برای صلح و نظامی‌زدایی و نیز همکاری منطقه‌ای کشورهای شمال اروپا و کشورهای همجوار دریای بالتیک هستیم. توافق‌های بین‌المللی و تصمیم‌های فراملی، ضروری‌اند. اما باید محدود به مسائل و موضوعاتی شوند که مستلزم چنین شیوه‌ای است. این تصمیمات باید به ارگان‌های برآمده از انتخابات دمکراتیک واگذار شود.

### ۱۵ - حزب ما

حزب ما در ماه مه ۱۹۷۷، پیش از انقلاب روسیه، با نام حزب سوسیال‌دمکرات چپ سوئد تأسیس شد. ریشه‌های حزب ما به جنبش کارگری برمی‌گردد که در جریان رشد سرمایه‌داری صنعتی

# «مبارزات ناتمام زنان اسکانديناوی»

خانم «اینگرید کارلاندر»

فرستاده ویژه لوموند دیپلماتیک

بر اساس گزارش جهانی که توسط سازمان ملل در سال ۱۹۹۵، در خصوص «توسعه انسانی» انتشار یافت؛ کشورهای سوئد، نروژ، فنلاند و دانمارک چهار کشوری در جهان هستند که برابری میان زنان و مردان در آنها با کامل ترین شکلی به اجرا در آمده است. این پیشروی به خصوص در زمینه سیاسی با به دست آوردن پست‌های بالای دولتی و پارلمانی به چشم می‌خورد. ولی در مقابل از نظر شغلی، برابری میان زنان و مردان نامتعادل‌تر است و بحران اقتصادی می‌تواند امروز دستاوردهای مبارزات چندین ساله زنان را که قطعی محسوب می‌شدند، زیر سؤال ببرد

زنان حیرت‌آورند. ۲۸٪ از نمایندگان پارلمان فنلاند، ۲۵٪ از نمایندگان پارلمان ایسلند و ۴۰٪ از نمایندگان پارلمان‌های سوئد و نروژ را زنان تشکیل می‌دهند. خانم «ویگدیس فینبوگادوتیر» به زودی چهارمین دوره ریاست جمهوری ایسلند را به پایان خواهد رساند و نیز شهردار ریکیاویک یک زن است. در دانمارک، ۷ پست کلیدی دولت همچون اقتصاد، تعاون بین کشورهای شمالی، صنعت و تجارت در دست زنان می‌باشد. در فنلاند ۷ وزیر زن در کابینه دولت کار می‌کنند و دو پست مهم از جمله وزارت امور خارجه و وزارت دفاع را در دست دارند. در نروژ خانم «گرو هارلم بروندتلاند» نخست وزیر کشور است و گروه اپوزیسیون دولت، توسط دو خانم رهبری می‌شود و یک زن سویال دموکرات ریاست پارلمان را بر عهده دارد. رکورد در زمینه برابری پست‌های دولتی به سوئد تعلق دارد، یعنی از ۲۲ وزیر ۱۱ نفرشان زن می‌باشند که پست‌های وزارت امور خارجه و وزارت دادگستری را در دست دارند. در ضمن معاون نخست وزیر خانمی به نام «مونا ساهلین» است که دبیر کل سابق حزب سویال دموکرات بوده و نیز امروزه وزیر «برابری میان زن و مرد» می‌باشد.

اولین شهروند زنی که در جهان غرب به شورای وزرا راه یافت یک خانم دانمارکی بود. در سال ۱۹۰۶، زنان فنلاندی اولین زنانی در اروپا بودند که دارای حق رای شدند. سپس در سال ۱۹۰۷، ۱۹ نفر از زنان به نمایندگی پارلمان انتخاب گردیدند. زنان نروژی از سال ۱۹۱۳، ایسلندی‌ها و دانمارکی‌ها از سال ۱۹۱۵، سوئدی‌ها از سال ۱۹۲۰ و فرانسوی‌ها از سال ۱۹۴۵، ... دارای حق رای شدند. این پیروزیها نه تنها ناگهانی نبودند، بلکه نتیجه مبارزات چندین و چند ساله زنان این کشورها بوده‌اند. سازمانها و انجمنهای زنان اسکانديناوی، مشخصاً از قرن ۱۹ بسیار فعالانه در مبارزات شرکت داشته‌اند. در اواسط دهه ۱۹۵۰، برای اولین بار یک بحث و گفتگوی واقعی در خصوص نقش زن و مرد در جامعه به انجام رسید.

آزادیهای جنسی در سالهای ۱۹۶۰، کنجکاری اروپا را برانگیخت. در سالهای ۱۹۷۰، ما شاهد یک جنبش بزرگ مطالباتی در رابطه با حقوق زنان هستیم. در واقع این موج فمینیسم از آمریکا به اروپا وارد شد. در آن زمان، زنان اسکانديناوی هنوز به خانه‌داری مشغول بودند. ولی قوه همکاری و سازماندهی این زنان، به این حرکت سرعت بخشید. زنان نروژی به عنوان مثال از سال ۱۹۶۷، فعالیت‌های تبلیغاتی‌شان را جهت انتخاب زنان در شورای شهرداریها به انجام رساندند. در سال ۱۹۷۱، زنان بدون درنگ از وسایل ارتباط جمعی استفاده نموده و یک حرکت پر سر و صدا را به انجام می‌رسانند. یعنی صریحاً اساسی مردان را از لیست‌های انتخاباتی خط می‌زنند. این سر و صدا و هیمنه زیادی را در مطبوعات ایجاد می‌کند و زنان بدین طریق محکوم و نکوهش می‌شوند. آنها به ضد دموکراتیک بودن متهم می‌شوند ولیکن بعد از انتخابات تیر مطبوعات چنین می‌شود: «زنان انتخابات را پیروزمندان برده‌اند». زنان با موفقیتی بی نظیر رویرو می‌شوند و در نتیجه بدین ترتیب تعداد نمایندگان زن در سطح شورای شهرداریها افزایش می‌یابد و حتی در سه شهر از جمله اسلو، اکثریت را کسب می‌کنند. همزمان با سوئد زنان نروژی در احزاب سیاسی نام‌نویسی کردند و بدین طریق شرایط خودشان مبنی بر این که ۴۰٪ از نمایندگان دولت زن باشند را مطرح ساختند. به این ترتیب خانم «گرو هارلم بروندتلاند» از حزب سویال دموکرات به مقام نخست وزیر رسید. خانم «کریستی گرواندال» رئیس پارلمان و دومین شخصیت مهم کشور بدون کوچک‌ترین تردیدی اعلام می‌کند: «من یکی از کسانی بودم که از این حرکت بهره بردم؛ من به این خاطر وارد سیاست شدم زیرا که کار می‌کردم و نمی‌توانستم برای کودکان مهد کودک پیدا کنم. بنابراین تصمیم گرفتم برای بنیان گذاشتن آن مبارزه کنم».

در باره زنان ایسلندی، آنها بعد از یک سال تلاش توانستند اعتراض خود را از طریق اعتصابی در سال ۱۹۷۶ اعلام نمایند. خانم فینبوگادوتیر رئیس جمهور ایسلند به یاد می‌آورد که در آن زمان زنان در دفتر کار، کارخانه، آشپزخانه و ... به هیچ کاری دست نزدند، در واقع یک روز دلپذیر بدون ترشویی گذشت، زیرا اعتصاب علیه سیستم سازماندهی شده بود، نه علیه مردان؛ بعد از تمام اینها چطور امکان پذیر بود که رئیس جمهور زن را انتخاب کنیم؟

یکی از پایه‌های اساسی دموکراسی کشورهای شمالی تعلیم و تربیت مردم است. که در واقع هدف از آن شکوفایی طبقات مردمی می‌باشد. نهادی که عمدتاً مورد استفاده زنان واقع شده است. در واقع زنان احساس شدیدی استقلال طلبی را از آنجا کسب کردند. و همسایگی اسکاتلند شهر کوچکی وجود دارد که بیان‌کننده مبارزات زنان کشور سوئد است. در اواخر دهه ۱۹۶۰ برای مبارزه با مرد سالاری در صحنه سیاسی، زنان این شهر با تصمیم قاطع شروع به مطالعه عمیق در این زمینه نمودند و با استفاده از کلاس‌های شبانه و

نیز با برگزاری جلسات آگاهی دهنده در خصوص وضعیت و موقعیت زنان و همچنین با شرکت دایمی در جلسات سیاسی، مبارزه را در بطن حزب سویال دموکرات شروع کردند. تلاش‌های این زنان به ثمر رسید چنانچه موفق به کسب نیمی از پست‌ها در حکومت محلی شدند.

۵ کشور شمالی به قانون برابری موقعیت‌ها بین دو جنس رای داده‌اند. متأسفانه فاصله میان تئوری و واقعیت، علیرغم تلاش‌های پیگیر هنوز عمیق می‌باشد. به طوری که در سوئد مشخصاً قبل از انتخابات عمومی در سال ۱۹۹۴، گروهی از زنان تهدید به نوعی کودتا کردند. درخواست آنان چنین بود: «حقوق برابر و ۵۰٪ از قدرت». در این گروه شخصیت‌های شناخته شده‌ای مانند خانم «آگنتا استارک»، اقتصاددان و مشاور معاون نخست‌وزیر و خانم «ماریا پی آ بوتیوس» مذاکره‌کننده خشنودها و تجاوات جنسی، شرکت داشتند. این گروه اعلام کرد به زودی حزب زنان تأسیس خواهد شد. این موضوع باعث شد که احزاب و گروه‌های سیاسی لیست‌های انتخاباتی خود را تغییر دهند و نیمی از کاندیداهای خود را به کاندیداهای زن اختصاص دادند. در ضمن نخست‌وزیر آقای «کارلسون» تحت فشار و تأثیر فوق قول داد که نیمی از پست‌های وزارت را به زنان تخصیص دهد. البته بعداً ایشان به قول خود عمل کردند. در فوریه ۱۹۹۴ چیزی نمانده بود که فنلاند تحت ریاست‌جمهوری خانم «الیزابت رن» که وزیر دفاع و نیز از اقلیت سوئدی زبان است، قرار گیرد. خانم «انیا ریستا

پایین بارداری زنان اسکانديناوی در اروپا نام برد (به طور متوسط ۱/۹)، دلیل عمده این امر در واقع سیستم قوی حمایت اجتماعی این کشورها می‌باشد. با توجه به این موضوع باز اسکانديناوی‌ها بالاترین درصد شاغلین را در جهان غرب دارند (به طور متوسط ۸۰٪). چرا این کشورها رکورد دوم را در جهان دارند؟ احتمالاً این میراث فلسفه اخلاقی فرهنگ «لوتری» (پروتستانی) در مورد کار و نیز سنت حفظ شده از گذشته می‌باشد. البته این فشار روانی جامعه را هماهنگ می‌کند. دلیل اساسی درصد بالای شاغلین در میان زنان اسکانديناوی در اصل دستیابی به استقلال مالی است. چنانچه قانون به زنان حق پرداخت و اعلام مالیات جداگانه از شهر خود را می‌دهد.

علیرغم این دستاوردها زنان اسکانديناوی هدف تبلیغات شغلی قرار دارند. از طرفی پیروزی در سطح سیاسی و از طرف دیگر شکست در عرصه اقتصادی، به عنوان نمونه، زنان فنلاندی در عرصه اقتصادی تنها ۳٪ از مقامهای بالا را در اختیار خود دارند. حقوق متوسط زنان ۷۵٪ حقوق مردان است. در هر حرفه‌ای، تبعیضات تعجب‌برانگیزی وجود دارد.

محققین اعتقاد دارند که حضور زنان در شغل‌های پست با دستمزد کم دامی است که بسیاری از آنان را گرفتار می‌سازد. در دهه ۱۹۳۰ در حالی که سوئد در اوج پیشرفت صنعتی به سر می‌برد، میزان زایمان به گونه شدیدی پایین آمده بود. در نتیجه مهندسين (متخصصین) اجتماعی حزب سویال

● ۳۸٪ از نمایندگان پارلمان فنلاند، ۲۵٪ از نمایندگان پارلمان ایسلند و ۴۰٪ از نمایندگان پارلمان‌های سوئد و نروژ را زنان تشکیل می‌دهند.

● در سوئد از ۲۲ وزیر ۱۱ نفرشان زن می‌باشند.

● در دوران بحران اقتصادی، زنان اولین قربانیانی هستند که به دلیل کمبود بودجه از کار بیکار می‌شوند.

● یک جوان کاتولیک دانمارکی می‌گوید: «من نمی‌خواهم در جامعه‌ای زندگی کنم که زنان آن جامعه در آشپزخانه بسر برند».

دموکرات با سوءاستفاده از موقعیت سیاسی و نیز با تکیه بر افکار ایدئولوژی سوسیالیستی خویش اعلام کردند که کشور به کودکان و اقتصاد به نیروی کار احتیاج دارد. تنها راه حل این معضل این است که مردان به سرمایه و زنان به تولید مثل بپردازند و در ضمن در صورت تمایل زنان می‌توانند به کارهایی همچون کار در مهد کودک و یا خانه سالمندان بپردازند.

این نوع تقسیم کار و نیز قراردادهای نابرابر باعث به وجود آمدن نوعی «گتو» برای زنان گردید. در دوران بحران اقتصادی، زنان اولین قربانیانی هستند که به دلیل کمبود بودجه از کار بیکار می‌شوند. خانم «لنا سواناوس» واسطه میانجی در خصوص برابری بین دو جنس در شهر استکهلم می‌گوید: «علیرغم موفقیت‌های سیاسی، مبارزه زنان برای برابری جنسی هنوز به پایان نرسیده است».

گزارشات تهیه شده به وسیله دول شمالی برای کنفرانس جهانی زنان در پکن، این مشاهدات ناامیدکننده را در بر می‌گیرند. این مشاهدات مورد تصدیق زنان وزیر، نماینده، رئیس مجلس، مدیر کارخانه، محقق، سندیکالیست و حتی کارگر قرار گرفته است. آقای «کاری تاپیولا» رئیس روابط بین‌الملل سازمان مرکزی سندیکاهای فنلاند می‌گوید: «سندیکاهای متأسفانه محافظه‌کارتر از جامعه باقی مانده‌اند».

این وضعیت در مورد نروژی‌ها نیز صدق می‌کند. خانم «کرسین هالرت» خبرنگار روزنامه «سونسکا داگلیات» می‌گوید: «ما در یک جامعه ناهنجار زندگی می‌کنیم. از یک طرف به موفقیت‌هایی دست یافته‌ایم که حسادت جهان را برانگیخته و از طرفی دیگر کمبودهای غیر قابل تصور در عرصه اقتصادی برای زنان وجود دارند».

شهر «تومسو» در ۳۲۰ کیلومتری دایره قطبی واقع شده است. ۷۰٪ زنان نروژی آنجا وسیعاً رای منتهی به ورود نروژ به اتحادیه اروپا دادند. زنان خوشحال از پیروزی خود بر قدرت مردان سیاستمدار این منطقه هستند، زیرا که مردان اکثریت سیاستمداران این منطقه را تشکیل می‌دهند.

معدالک در بخش خصوصی زنان استراتژی‌های خاصی را برای کسب پست‌های مهم به کار می‌برند. تشکیل شبکه‌ها یک پدیده کاملاً توسعه‌یافته در استراتژی آنان است. خانم «المیرا آف گیوستام» که یک فعال سیاسی است می‌گوید: «شبکه‌های به سبک اسکانديناوی، با روحیه تعاون خاص سوئدی‌ها». مدیر بخش ارتباطات در شرکت چند ملیتی «نوکیا» در اروپا یک خانم سوئدی است. در منزل او زنان کارخانه‌دار، خبرنگار و کادری است که یک شبکه از کارکنان می‌کنند. بروکسل شاهد به وجود آمدن یک شبکه از کارکنان زن اسکانديناوی می‌باشد. در واقع آنها حاضر به

عقب‌نشینی در زمینه‌های اجتماعی نیستند. خانم «کریستینا ندهولم-اورستراند» مدیر بررسی «احتمال خطرات» در شرکت «استنا» در شهر گوتنبرگ و نیز رهبر حمل و نقل دریایی اظهار می‌کند که «به طور مرتب با راهنما و مشاور خود جهت یادگیری ملاقات می‌کنم». خانم «کریستینا یوتراستروم»، سردبیر پرتحرک و فعال و جدید روزنامه «اکسپرس» استکهلم می‌گوید: «از ۱۲ دختر جوانی که به عنوان مشاور، راهنمایی کردم ۵ نفرشان پست‌های بسیار خوبی گرفته‌اند. من فکر می‌کنم که روزنامه‌ها به زنان احتیاج دارند. اگر آنها مسئول عنوان‌های مختلف در روزنامه‌ها شوند، اطلاعات داده شده بهتر خواهند شد». خانم «توا کورستروم» مسئول بخش فرهنگی روزنامه سوئدی زبان «هلسنیکی» می‌گوید: «همیشه گامی برای پیشروی وجود دارد».

«استات آیل» در نروژ، «ولوو» در سوئد و «نوکیا» در فنلاند برنامه‌های مشترکی را برای استخدام زنان تحصیل کرده و متخصص در پیش گرفته‌اند. نوکیا روی این زنان جوان بسیار حساب می‌کند.

زنان کارفرما در حال ایجاد تغییر و تحولاتی در روش‌های کاری در کارخانجات چند هزار نفری و کارگاههای کوچک هستند. مانند شهر «تامپر» که قبلاً پایتخت نساجی فنلاند بوده است، آنجا زنان بدون هیچگونه وسایل آن‌چنانی به کارها سر و سامان می‌دهند. هیچ مردی نمی‌تواند با بودجه مضحکی که زنان دریافت می‌کنند، در آنجا به کار بپردازد. یا به طور مثال در کارخانه «سل» در حدود ۲۷۰۰ نفر کار می‌کنند. در آنجا مدیر و پایه‌گذار کارخانه خانم «لیزا یورونن» می‌باشد. او سیستم جدیدی را ابداع کرده است که در این سیستم همه در حال رکاب زدن روی دوچرخه‌هایشان در خیابانهای هلسنیکی هستند. کارکنان با قبول کردن مسئولیت‌های فردی می‌بایست وظایف نامطروح را بین خود تقسیم کنند. در این سیستم دیگر احتیاجی به منشی و یا نظافت‌چی زن نمی‌باشد. در واقع این دفاتر بیشتر به محل سکونت شباهت دارد.

زنان اسکانديناوی در زمینه‌های دیگر نیز به نوآوری مشغولند. خانم «روبل» کشیش کلیسای «هلسنیکور» در دانمارک است. او متأهل و دارای دو پسر می‌باشد. او اعتقاد دارد کلیسا به کشیشان زن احتیاج بیشتری دارد، زیرا مردم راحت‌تر می‌توانند مشکلات خانوادگی خود را با یک زن مطرح سازند.

برای خانم «اینکلین کیلنگرین» رئیس پلیس شهر اسلو اظهار می‌کند: «من هیچ مشکلی با دو هزار پلیسی که تحت فرمانم هستند، ندارم. در واقع برای من فرمان دادن یافتن نوعی توافق است. من به دنبال تداوم سنن ارتشی نیستم». در ماه اوت سال قبل در شهر گوتنبرگ سوئد در مسابقات قهرمانی جهان برای دو و میدانی خانم «آن-شارلوت نوراس»، رئیس پلیس استان «بوهورسلان» در جین مسابقات مسئولیت حفظ نظم را بر عهده گرفته بود. و با خانم «سیرکا هاملاین» مدیر بانک فنلاند که تمام سابقه حرفه‌ای او در این بانک گذشته، توانست این بانک را در جین تالام‌های مالی اخیر حفظ کند.

اما آیا شرکت بیش از پیش زنان در صحنه سیاسی، انتصاب زنان به پست‌های مهم و بالا رفتن سطح مسئولیت‌شان که اغلب در نقاط دیگر اروپا در اختیار مردان است، کمکی به مبارزه زنان شمال اروپا کرد؟ خانم «کاری نوردهام-لارسن» وزیر توسعه در نروژ عقاید عمومی را در این رابطه چنین بیان می‌کند: «مسئله در کشورهای ما جدی گرفتن مسئله زنان دیگر قابل قبول نیست و این پیشروی برگشت‌ناپذیر است، زیرا زنان اسکانديناوی کاملاً نیرو، توان، شغل و اعتمادشان را برای ایجاد چنین دولتی قرار داده‌اند». ولی با این حال در بحرانهای اقتصادی، آنها اولین قربانیان خواهند بود. به ویژه زنان مسن و مادران مجرد (بیوه) خانم «آگنتا استارک»، اقتصاددان می‌گوید: «کارهای زنانه کارهای واقعی نیستند. چگونه می‌توان درجه تولید کار نگهداری از سالمندان را ارزیابی کرد؟ یکی از چهره‌های بزرگ مبارزه علیه نژادپرستی در سوئد خانم «اینگرید سیکرستد» است. ایشان می‌گوید: «چرا ضعیف‌ترها باید قرض دولت را بپردازند؟ اختلاف میان فقیر و غنی، فاصله میان زن و مرد را افزایش خواهد داد. جامعه‌ای نامتعادل، خطری است که ما را تهدید می‌کند». خانم «مونا ساهلین»، معاون نخست‌وزیر سوئد در مورد تصمیمات اخیر دولت می‌گوید: «این تصمیمات زنان را تهدید می‌کند» و در ادامه او اضافه می‌کند: «دولت متخصصین اقتصادی را موظف کرده است که تأثیرات این تصمیم‌گیری‌ها را در برابری بین دو جنس مورد مطالعه و بررسی قرار دهند».

در این اوضاع و احوال مردسالاران و نیروهای پسرور جامعه صدای خود را بیش از پیش بالا می‌برند. طرفداران نظم اخلاقی به عنوان مثال، گروه «لیوآرد» در شهر اوپسالای سوئد خود را آماده می‌کنند. چندی قبل فیلمی که الهام از عقایدی بنیادگرایانه گرفته بود، از پرده سینما برداشته شد. تعدادی از پروتستان‌های تندرو تقاضای گذراندن قانون محدودیت جلوگیری از حاملگی را کرده‌اند، اما با وجود این بسیاری از مردان جوان اسکانديناوی سعی در تغییر طرز فکر خود دارند و در سمینارهایی با عنوان «هویت مردانه» شرکت می‌کنند. یک جوان کاتولیک دانمارکی می‌گوید: «من نمی‌خواهم در جامعه‌ای زندگی کنم که زنان آن جامعه در آشپزخانه به سر برند. آینده دموکراسی ما در غنای بین دو جنس حفظ خواهد شد».

برگردان از: علی صمد پژمان

## «برای چپ نو»

مصاحبه با جلال افشار از: نشریه اتحاد کار

چندی قبل پس از یک دوره بحث‌های درون‌سازمانی، فراکسیون اقلیت در سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) منشعب شد و تحت عنوان «برای چپ نو» موجودیت مستقل خود را اعلام نمود. نشریه اتحاد کار در شماره ۲۶ خود گفتگویی مابین رفیق مصطفی مدنی و رفیق جلال افشار یکی از صاحب‌نظران اصلی این جریان را درج کرده است.

در این گفتگو آقای مصطفی مدنی در ابتدا سؤال کرده است که: چه عواملی منجر به جدایی در سازمان راه کارگر گردید و اگر بپذیریم که اختلاف نظر در یک تشکیلات ضرورتاً نباید به معنای جدایی باشد و چنانچه شیوه‌های صحیح، در پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک به کار گرفته شود اختلاف نظرها چه بسا می‌تواند به رشد سیاسی بیشتر در یک سازمان بیانجامد، دلایل جدایی این جریان از سازمان راه کارگر چه می‌تواند باشد...

آقای جلال افشار در پاسخ مطرح نمود:

طرح جدا می‌کرد و حساب دیگری برایش داشت.

در ادامه گفتگو، جلال افشار در توضیح نظرات این جریان در رابطه با شکل‌دهی اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیسم و دلایلی که پیشبر این نظر در سازمان راه کارگر ناممکن گردیده بود، مطرح نمود که در راه هموار کردن راه برای شکل‌دهی یک سازمان چندگرایشی می‌بایست تکیه روی مبانی فکری کنگره اول کنار گذاشته می‌شد و «لازم می‌آمد که ساختار جدید، تعریف دیگری و مرزهای فکری دیگری را برای تضمین کار مشترک و فعالیت متحدانه سیاسی خود تدوین کند، به همین خاطر ما پیشنهاد کرده بودیم آن مبانی مشترک، از شرایط عضویت حذف شود و به بحث آزاد گذاشته شود.

مساائل اجتماعی روزمره از یک سیاست سوسیالیستی پیروی خواهد کرد. یعنی جهت اصلی سیاستهای آن متوجه آگاهی و سازماندهی افشار زبردست جامعه می‌شود. یک چنین سازمانی قطعاً مرزهای معینی خواهد داشت. مرزهایی با لیبرالیسم، ناسیونالیسم و هیمنطور استالینیسم. رفیق افشار در ادامه سخن، در توضیح مسائل شخصی که به عنوان اختلافات نظری این جریان و سازمان راه کارگر مطرح گردیده موضوعات اعتقاد به سوسیالیسم، استجانه رژیم و نقش و رسالت طبقه کارگر اشاره می‌کند: «به نظر ما در میان همه نیروهای مدعی سوسیالیسم که اغلب چپ‌ها را شامل می‌شود، راه‌ها و استراتژی‌هایی است که با هم نمی‌خوانند و یقیناً همه آنها به سوسیالیسم منجر نخواهد شد. مثلاً آن راهی که پایه‌گذاران شوروی رفتند، و امروز هم کسانی هنوز بر آن پافشاری دارند به سوسیالیسم نرسید و نخواهد رسید، در این مورد ما پیرو راه دیگری هستیم.

ما بر اساس تجربیاتی که به دست آمده است فکر می‌کنیم که یک استراتژی سوسیالیستی نمی‌تواند با دور زدن دموکراسی به هدف برسد. دموکراسی مطمئن‌ترین و در عین حال متدنیانه‌ترین راه آماده کردن شرایط تحول سوسیالیستی و پشت سر گذاشتن سرمایه‌داری است. همین حالا که کشورهای سرمایه‌داری با یک بحران جدید روبرو شده‌اند، در برابر راستی که نوعی بازگشت به قرن نوزدهم را مطرح می‌کنند و به آزادی بی‌قید و شرط تجارت روی آورده‌اند، گرایش چپ، دموکراسی بیشتر، مطرح می‌کند و برای مشارکت بیشتر مردم در دولت و تصمیمات اجتماعی و در سطح ملی، تغییر ساختارهای سیاسی را پیشنهاد می‌کنند. بسیار خوب چنانچه این آلترا تویو نیرومندتر شود و احیاناً راست‌ها را منزوی کند، سرمایه‌داری معاصر باز در عرصه‌های جدیدی عقب خواهد نشست و منافذ دیگری برای انتقال به سوسیالیسم

در ادامه مباحثه در پاسخ به سؤال رفیق مدنی در رابطه با ایده سازمانی چندگرایشی و نظر سازمان راه کارگر مبنی بر اینکه چنین ایده‌های حزب سیاسی را به یک سازمان بحث آزاد و بی‌حد و مرز تبدیل می‌کند، چنین پاسخ می‌دهد:

«سازمان چندگرایشی مورد نظر ما یک پدیده بی‌در و پیکر نیست، من فکر می‌کنم آن سازمان مورد نظر هدف سوسیالیستی خواهد داشت. برای آزادی مبارزه خواهد کرد. در سیاستها

مساائل اجتماعی روزمره از یک سیاست سوسیالیستی پیروی خواهد کرد. یعنی جهت اصلی سیاستهای آن متوجه آگاهی و سازماندهی افشار زبردست جامعه می‌شود. یک چنین سازمانی قطعاً مرزهای معینی خواهد داشت. مرزهایی با لیبرالیسم، ناسیونالیسم و هیمنطور استالینیسم. رفیق افشار در ادامه سخن، در توضیح مسائل شخصی که به عنوان اختلافات نظری این جریان و سازمان راه کارگر مطرح گردیده موضوعات اعتقاد به سوسیالیسم، استجانه رژیم و نقش و رسالت طبقه کارگر اشاره می‌کند: «به نظر ما در میان همه نیروهای مدعی سوسیالیسم که اغلب چپ‌ها را شامل می‌شود، راه‌ها و استراتژی‌هایی است که با هم نمی‌خوانند و یقیناً همه آنها به سوسیالیسم منجر نخواهد شد. مثلاً آن راهی که پایه‌گذاران شوروی رفتند، و امروز هم کسانی هنوز بر آن پافشاری دارند به سوسیالیسم نرسید و نخواهد رسید، در این مورد ما پیرو راه دیگری هستیم.

در ادامه مباحثه در پاسخ به سؤال رفیق مدنی در رابطه با ایده سازمانی چندگرایشی و نظر سازمان راه کارگر مبنی بر اینکه چنین ایده‌های حزب سیاسی را به یک سازمان بحث آزاد و بی‌حد و مرز تبدیل می‌کند، چنین پاسخ می‌دهد:

«سازمان چندگرایشی مورد نظر ما یک پدیده بی‌در و پیکر نیست، من فکر می‌کنم آن سازمان مورد نظر هدف سوسیالیستی خواهد داشت. برای آزادی مبارزه خواهد کرد. در سیاستها

## مصاحبه دکتر ابراهیم یزدی

آنکه با ایران و سیاست‌های ایران، سیاست خارجی و یا نقض حقوق بشر در ایران موافق نیستند ولی در هر حال سیاست گفتگوی مستقیم و انتقادی را ادامه می‌دهند. بنظر ما این می‌تواند مثبت و مفید باشد و ما هیچ دلیلی نمی‌بینیم که این قطع شود.»

او در ادامه مصاحبه در رابطه با فرستنده رادیویی عظیم ۶۰۰ کیلوواتی که اخیراً آمریکا در کویت بکار انداخته‌اند می‌گوید: «این فرستنده‌ها امروز هم وجود دارد. ملت ایران به آن مرحله از بلوغ و رشد سیاسی رسیده است که خودش سرنوشت خود را تعیین کند. دولت‌های خارجی می‌خواهند

ملت ایران را مطلع کنند و ملت ایران آن کارهایی را انجام دهد که دلخواه آنهاست. بنظر ما چنین نخواهد شد و سیاست‌های خارجی هم باید این را بپذیرند که تعیین تکلیف ایران دیگر در واشنگتن و مسکو و لندن نیست. تعیین سرنوشت ایران در خود ایران خواهد بود.»

در ادامه مصاحبه دکتر یزدی مطرح می‌کند که انتخابات نشان بلوغ سیاسی مردم بود. مردم در بسیاری از شهرستانها به کسانی رای دادند که هیچ وابستگی به حکومت نداشتند. مثلاً در شهر اصفهان به آقای دکتر کامران به عنوان یک شخصیت مستقل اعتماد

همان کنگره اول شکل گرفت بدین صورت که به دنبال تحولات جهانی چپ و مسائلی که با فروپاشی شوروی پیش آمد، در ما یعنی در کل راه کارگر نیز بازتاب داشت. منتها ما از این تحولات نتیجه‌گیری‌های دیگری داشتیم، که در همان کنگره اول به یک برنامه جداگانه از طرف ما منتهی شد. البته ما در همان نقطه متوقف نشدیم. مطالعات ما، ما را به سوی دیگری می‌کشاند که نهایتاً به یک استراتژی سیاسی دیگری برای سوسیالیسم خلاصه می‌شد و با آن طرح مورد قبول راه کارگر از سوسیالیسم و دولت کارگری و غیره انطباق نداشت. این اختلاف، همکاری را در یک چهارچوب سازمانی با آن مشخصاتی که راه کارگر دارد، دشوار می‌کرد. ما هر دو طرف به این نتیجه رسیدیم که ادامه همزیستی با این اختلافات، مایه دردسر و اذیت و آزار همدیگر است که خواست هیچکس نبود. اینجا دیگر شکل و محتوا با هم نمی‌خوانند و این شکل باید عوض می‌شد. تا آنجا که به ما مربوط می‌شد، ما خواهان این بودیم که راه کارگر خودش به یک اتحاد بزرگ هواداران سوسیالیسم تبدیل شود. این ایده‌ای بود که پیش از آن در سطح جنبش طرح شده بود، منتها اکثریت راه کارگر خود را از این

خواهد افتاد.»

آقای جلال افشار درباره درک جریان از طبقه کارگر می‌گوید:

«نقش و رسالت طبقه کارگر هسته مرکزی فلسفه سیاسی مارکسیسم را تشکیل می‌دهد. من این تعبیر آندره گرز Andre Gorz را که می‌گوید: بحران مارکسیسم در واقع بحران خود جنبش کارگری است قبول دارم. این جنبش در صد سال گذشته از آن مسیری که مارکس و کلاسیک‌ها مطرح کرده بودند نرفت. یعنی آن پروسه‌هایی که مارکس بر اساس تکامل و قوانین سرمایه‌داری پیش‌بینی می‌کرد، درباره کاهش رقابت در کارگران، همگون شدن آنها، شکل‌گیری آگاهی طبقاتی، رشدگرایی انقلابی در کارگران وحدت اجتماعی و غیره... اینها نشد، و در عوض جنبش کارگری به صورت احزاب و شاخه‌های مختلف و حتی در برابر هم پیش رفت. این را هم نمی‌شود به سادگی و مثل تئین به اثرائت کارگری، یا خیانت سوسیال دموکراسی و انحراف سندیکالیستها، خوابکاریهای آنازیستها و فاشیستها نسبت داد. مسئله درست برعکس است. این طبقه کارگر بود که به این راه حل یا گرایش‌ها نیرو می‌رساند و تقویتشان می‌کرد. این تغییر و تحولات با آن درک اسطوره مانند ما از طبقه کارگر جور در نمی‌آید. بعلاوه، پس از جنگ دوم، جنبش‌هایی شکل گرفته‌اند و شعارهایی مطرح کرده‌اند که به سنت جنبش کارگری ربط پیدا نمی‌کنند یا به شکل و مضامین تازه‌ای که پیدا شده‌اند، خارج از جنبش کارگری بوده‌اند، مثل محیط زیست، مثل حقوق بشر، مسئله زنان در مضامین و ابعاد امروزی مسئله صلح. اینها شعارهای پیشرو هستند که مال طبقه کارگر نیستند. بنابراین اینها ما را به سوی این ایده می‌کشاند که از آن برداشت سنتی افسانه‌مانند و اسطوره‌ای از طبقه کارگر فاصله بگیریم. بی آنکه در این حقیقت تردید داشته باشیم که این اصل پایه‌ای سوسیالیسم و اندیشه‌های بشریت پیشرو در جنبش کارگری قرار دارد.»

وی در انتهای مصاحبه اعلام نموده است که این جریان تصمیم دارد کار جمعی خود را فعالیت نموده به عنوان جزئی از «چپ نو» مشتاق است که با افراد، محافل، گروهها و مطبوعات که به این جهت تمایل دارند تماس گرفته و گفتگوهای دائمی داشته باشد.

انتخابات را باطل کند و همینطور در آراک و ملایر.»

درمورد انتخابات ریاست جمهوری دکتر یزدی می‌گوید: «در انتخابات اخیر اگر چه نگذاشتند ما وارد شوم ولی از جهت هدفهای سیاسی خود، ارتباط با مردم و بسج آنها بطور نسبی موفق بودیم. ورود ما به انتخابات سبب شد که حاکمیت مجبور بشود بعضی از جناحهای خودش را اجازه بدهد که وارد بشوند. راجع به انتخابات ریاست جمهوری هنوز زود است که اظهار نظر کنیم و باید منتظر روند‌های سیاسی آینده شد. اما یک حزب سیاسی که مبارزه سیاسی علنی، قانونی و مسالمت‌آمیز را انتخاب کرده طبق مقررات ناظر بر این نوع مبارزه سیاسی بایستی علی‌الاصول در انتخابات شرکت کند.»

ملت ایران را مطلع کنند و ملت ایران آن کارهایی را انجام دهد که دلخواه آنهاست. بنظر ما چنین نخواهد شد و سیاست‌های خارجی هم باید این را بپذیرند که تعیین تکلیف ایران دیگر در واشنگتن و مسکو و لندن نیست. تعیین سرنوشت ایران در خود ایران خواهد بود.»

در ادامه مصاحبه دکتر یزدی مطرح می‌کند که انتخابات نشان بلوغ سیاسی مردم بود. مردم در بسیاری از شهرستانها به کسانی رای دادند که هیچ وابستگی به حکومت نداشتند. مثلاً در شهر اصفهان به آقای دکتر کامران به عنوان یک شخصیت مستقل اعتماد

### معرفی تشکل‌های

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

### انتشار نشریه پژواک

اولین شماره پژواک نشریه کمیته دانمارکی دفاع از حقوق مردم ایران به زبان دانمارکی انتشار یافت. در اولین شماره نشریه از جمله مقالاتی درباره آقای امیر انتظام، عباس معروفی، نامه آقای لاهیجی در مورد نقض حقوق بشر در ایران و تحلیلی از اوضاع ایران انتشار یافت. در اساسنامه این کمیته آمده است.

ماده ۱ - مبنای فکری کمیته، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مشکل از دانمارکی‌ها و ایرانی‌های علاقمند به مسائل ایران و نگران نقض حقوق بشر در این کشور می‌باشد. کمیته کاملاً مستقل بوده و به هیچ حزب و سازمان سیاسی گرایش و یا بستگی ندارد.

ماده ۲ - کمیته در راستای دفاع از حقوق مردم ایران، از همه امکانات تبلیغی موجود و همچنین تماس با مجلس، ارگانهای مردمی، دولتی، سازمانهای حقوق بشری و احزاب دانمارکی تلاش دارد. صدای حق طلبانه مردم ایران را به گوش جهانیان برسانند.

ماده ۳ - این کمیته سعی می‌نماید با سایر کمیته‌های مدافع حقوق مردم در ایران در کشورهای اروپایی تماس گرفته و فعالیت تبلیغی خود را با آنان هماهنگ سازد.

ماده ۴ - کمیته دارای ارگانی به نام «پژواک» که فعلاً به طور فصلنامه انتشار خواهد یافت که مضامین آن به شرح زیر می‌باشد:

- الف - انعکاس مجموعه فعالیت‌های داخلی و خارجی کمیته.
- ب - فشرده اخبار (نقض حقوق بشری) مربوط به ایران.
- ماده ۵ - شرایط عضویت:
- ۱ - داشتن حداقل ۱۶ سال.
- ۲ - پرداخت حق عضویت (سالانه ۱۴۰ کرون).
- ماده ۶ - قواعد و آئین‌نامه داخلی کمیته: دموکراتیک و بر طبق نرم‌های شناخته شده یک سازمان دموکراتیک خواهد بود.

آدرس کمیته دانمارکی دفاع از حقوق مردم ایران:

Post 6 Box 614  
2200 København N  
Danmark

### نوار ویدئویی جشن

بیست و پنجمین سالگرد

دوستان گرمای!

نوار ویدئویی جشن بیست و پنجمین سالگرد بنیادگذاری سازمان آماده توزیع است. علاقمندان می‌توانند با ارسال معادل ۲۵ مارک آلمان (۳۰ مارک بنیای نوار و ۵ مارک هزینه پست) و آدرس خوانای خود به آدرس نشریه کار به تعداد دلخواه نوار سفارش دهند.

### فرم درخواست اشتراک "کار"

اشتراک جدید  تمدید اشتراک  شماره اشتراک: ( )

مدت اشتراک: شش ماه  یک سال

نام: \_\_\_\_\_ تاریخ: \_\_\_\_\_

آدرس: \_\_\_\_\_

Name: \_\_\_\_\_

Address: \_\_\_\_\_

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس "کار" پست کنید!

### بهای اشتراک "کار"

اروپا:

شش ماه - ۴۵ مارک

یک سال - ۹۰ مارک

سایر کشورها:

شش ماه - ۵۲ مارک

یک سال - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

"کار" ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v

Postfach 260268

50515 Koeln

Germany

آدرس:

I.G.e.v

22442032

37050198

Stadtsparkasse Koeln

Germany

شماره فاکس Fax: 0049 - 221 - 3318290

# زیگانف یا یلتسین: روسیه به کدام یک رای می‌دهد؟

مبارزه انتخاباتی احزاب و کاندیداهای روسیه برای کسب کرسی ریاست جمهوری و به دست گرفتن قدرت در کرملین از ماهها پیش آغاز شده و در هفته‌های اخیر به اوج خود رسیده است. انتخابات ریاست جمهوری روز ۱۶ ژوئن برگزار می‌شود. یلتسین و هم نظران داخلی و خارجی وی نگران آن هستند که در روز ۱۶ ژوئن تجربه انتخابات دومای ششم - پارلمان روسیه - تکرار شود. در جریان انتخابات دومای که در سال گذشته برگزار شد، طرفداران احیا و گسترش سرمایه‌داری در روسیه به رهبری یلتسین که خود را «اصلاح طلبان» می‌نامند، شکست سختی متحمل شدند. در حالیکه حزب کمونیست با کسب ۲۲ درصد آرای مردم، ۱۵۰ کرسی به دست آورد. از آن زمان تلاش یلتسین و سایر راست‌گرایان برای تضعیف نفوذ چپ‌ها و جلوگیری از پیروزی آنها در انتخابات ریاست جمهوری آغاز شد. چپ‌ها اعلام کرده‌اند اگر به کرملین راه یابند، اختیارات قانونی رئیس‌جمهور را به نفع پارلمان محدود خواهند کرد. اختیارات رئیس‌جمهور در روسیه بسیار گسترده‌تر از «دوما» است. یلتسین زمانی که در اوج قدرت بود با تغییر قانون اساسی اختیارات مهم دوما را به انحصار رئیس‌جمهور در آورد تا بدون «کارشکنی» نمایندگان مجلس، «دوم ضربه» صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را در روسیه پیاده کند.



کاندیدای ائتلاف ضد کمونیست‌هاست. او موفقیت خود را مدیون مبارزه علیه سوسیالیسم، اجرای سیاست‌های «غرب» در داخل و خارج و حمایت از رشد قارچ‌گونه سرمایه‌داران و دلالتان نوکیسه است. از زمانی که یلتسین روی کار آمده است، روسیه ده‌ها میلیارد دلار به غرب بدهکار شده، ۳۰ هزار نفر در جنگ چپن کشته شده‌اند. فقر، فحشا، نساد، قتل، ناامنی، بیکاری و تورم به میزان بی‌سابقه و غیر قابل تصویری رشد کرده است. اکنون روسیه که ۳۰ درصد ذخائر مواد معدنی و نصف آب و چوب صنعتی دنیا را در اختیار دارد به کشور بی‌پول بدل شده که برای سیر کردن شکم مردم دست‌گدایی بسوی غرب دراز کرده است. اما سرمایه‌داران غرب به چپاول و غارت دارایی‌های آن تمایل بیشتری دارند تا به سرمایه‌گذاری سفید. حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در روسیه از سال ۹۲ تاکنون فقط ۵ میلیارد دلار بوده است. یلتسین در این مقطع از تحولات روسیه، بزرگ‌ترین امید غرب است. او در میان احزاب ریز و درشت راست‌گرا و نفوذاشیرت روسیه تنها آلترناتیو مطمئن برای ایجاد ائتلاف در

همه این کسک‌ها در شرایط ادامه جنگ و نارضایتی داخلی می‌توانست کم‌اثر و حتی منفی باشد، هلموت کهل صدراعظم آلمان فدرال به مسکو رفت تا شخصاً به یلتسین هشدار دهد که در اثر رشد نارضایتی عمومی، روسیه در خطر افتادن به دست چپ‌هاست و نجات بازاری به وسعت روسیه با ذخایر عظیم مادی و نیروی انسانی ارزان و هم‌جوار با چین، در شرایط کنونی برای غرب مهم‌تر از جاهای نفت و ویران شده چین و شاه‌لوله‌های ترانزیتی آن است. چند روز پس از دیدار هلموت کهل با یلتسین، صدای توپ‌ها در گروزنی، اینگوش و باموت خاموش شدند و در رسانه‌های غربی تصاویر دیدار یلتسین با رهبر مبارزان چپ‌های ویران‌شده و آوارگان جنگ را گرفت. یلتسین یک روز بعد از امضای قرارداد آتش بس با سلیم‌خان پانداریف رهبر استقلال طلبان چپ، به طور غیرمنتظره به گروزنی پایتخت چپ‌ها رفت تا خدا و خرما را با هم داشته باشد و به جای پذیرش مسئولیت جنگ و کشتار، چند فرمانده نظامی را بلاگردان سیاست خود سازد. پیش مردم صلح‌جو جلوه کند و در همان حال به آنها بفهماند که چپ‌ها جزو خاک روسیه باقی خواهند ماند و کسی نباید بر روی‌های تبلیغاتی انتخابی وی را نشانه ضعف ارزیابی کند. برای تبلیغات وعده‌ها و فرامین تازه دیگری نیز افزوده شدند تا رقبا در تبلیغات دست‌خالی تر باشند و تمایل مردم به انتخاب وی بیشتر شود. یلتسین اعلام کرد:

از این پس مشمولان نظام وظیفه به کانون‌های درگیری‌های خطرناک اعزام نخواهند شد بلکه وظیفه در این مناطق داوطلبانه خواهد بود.

از سال ۲۰۰۰ به بعد نظام وظیفه لغو و ارتش حرفه‌ای جای آن را خواهد گرفت

میزان احکام اعدام به تدریج کاهش خواهد یافت

به افراد بالای ۸۰ سال که بخاطر نرخ سرسام‌آور تورم، سپرده‌هایشان بی‌ارزش شده است یک میلیون روبل پرداخت خواهد شد.

این همه وعده‌ها که در عملی شدن آنها به دست یلتسین به شدت جای تردید وجود دارد، ممکن است در افزایش تعداد آرای یلتسین و پیروزی وی موثر افتد اما تضمینی بر دوام اقتدار انحصاری بوریس یلتسین در کاخ کرملین نخواهد بود.

بر اساس آخرین نظر سنجی‌ها، یلتسین ۱۰ استیوار از زوگانف کاندیدای حزب کمونیست روسیه چلو تر است. احتمال داده می‌شود آرای وی در دور دوم انتخابات با حمایت احزاب راست‌گرای دیگر که در دور اول حذف می‌شوند به ۴۶ درصد برسد. بر اساس نظر سنجی شبکه «ان. تی. بی» روسیه زوگانف ۳۰ درصد آرا را به دست خواهد آورد. احتمال شکست یلتسین در انتخابات یک موضوع پذیرش آن از طرف یلتسین موضوع دیگری است. بسیاری از آنان که با تاریخ و سنت‌های سیاسی روسیه آشنا هستند، معتقدند که یلتسین حتی اگر رای هم نیابد، باز هم از کرملین بیرون نخواهد رفت. او در توجیه شکست احتمالی و حتی کردن آن می‌تواند به انواع تئیسفات و توطئه‌ها متوسل شود. آیا می‌توان پذیرفت که یلتسین که یکی از مظاهر استبداد روسی در جامه «دموکراسی» است سنت شکن باشد و بعد از شکست در انتخابات کرملین را ترک کند؟

مقابل چپ‌هاست. احزاب راست‌گرا اگرچه ممکن است در دور اول انتخابات حاضر نباشند از یلتسین حمایت کنند اما در دور دوم قطعاً ناظر بی طرف جدال زیگانف و یلتسین خواهند بود. یلتسین در دور دوم بدون حمایت ژیرینوفسکی و گروه دیگری از کاندیداهای قدرتمند بر ائتلاف چپ‌ها پیروز شود. تاکنون راست‌گرایان سر بزنگاه کنار یلتسین بوده‌اند. در ماه ژانویه فقط ۶ درصد مردم روسیه با انتخاب یلتسین موافق بودند. اگر سه ماه پیش انتخابات برگزار می‌شد، بی‌تردید بخت زوگانف برای راه یافتن به کرملین بیشتر از یلتسین بود و سرمایه‌داران چنان از آینده یلتسین نگران بودند که ماهانه یک میلیارد دلار از کشور خارج می‌کردند. با اقدامات و مانورهایی که یلتسین در هفته‌های گذشته برای افزایش اعتبار خود در میان مردم دست‌زد، حاصل نظر سنجی‌ها به نفع او تغییر کرد. از نگرانی «غرب» کاسته شد و روند خروج سرمایه‌کنندتر گردید.

در تغییر موقعیت یلتسین، حمایت مالی و سیاسی آشکار غرب، پایان جنگ ۱۷ ماهه چین، هراس نیروهای لیبرال و میانی از «خطر بازگشت کمونیست‌ها» موثر بودند. غربی‌ها در حمایت از یلتسین سرکوب مردم بی‌گناه چین را نادیده گرفتند و در آستانه انتخابات، ۱۰ میلیارد دلار وام بلند مدت در اختیار وی گذاشتند. کلینتون، ژاک شیراک و سایر سران کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای «به مناسبت» برگزاری اجلاس منع آزمایش سلاح‌های هسته‌ای در مسکو گرد هم آمدند و در نمایش تبلیغاتی انتخاباتی شرکت کردند و نشان دادند که آنان به یلتسین رای داده‌اند و بیانیه وزرای خارجه بازار مشترک و ۱۱ کشور مستقل مشترک‌المنافع در حمایت از یلتسین صریح‌تر از آن است که نیازمند تفسیر باشد.

## «از طریق مسکو در مسیر جاده ابریشم»

ابوالفضل

تسمت دوم

آن عجیب‌تر می‌نماید. چه رازی؟ چه غده‌ای در زهدان این انقلاب نهفته بود؟ تمام ساختمانهای بزرگ و مجلل بین‌حزبیهای صاحب نفوذ سابق که به قول مردم از همان زمان باندهای خود را داشتند، تقسیم شده است. ساختمان مدرسه عالی حزبی که از احزاب سراسر جهان محصل برای آموزش مارکسیسم، لنینیسم به آنجا می‌آمد. اکنون به هتلی بزرگ تبدیل شده است. با مدیریت رئیس سابق مدرسه و مقامات عالی‌رتبه قبلی. تنها چیزی که یادآور آن دوران است مجسمه تلمان با همان دست مشت کرده و دهان بازی است که فریاد می‌کشد. مجسمه‌ای که هنوز در میدان مقابل مدرسه پای برجاست.

تمام فروشگاههای بزرگ دولتی اکنون در تصرف علنی مدیران سابق این فروشگاه‌هاست. در گذشته نیز چنین بود. تمام این مغازه‌های بزرگ قیمت اعلام نشده داشتند. هر کسی نمی‌توانست در دامان آنها قرار گیرد. دسته‌بندی‌های معین بر آنها نظارت می‌کرد و حق و حساب خود را می‌گرفت. امری که به صورت پنهان انجام می‌گرفت و اگر کسی احياناً آنرا بیان می‌کرد و یا اعتراضی می‌نمود جزای سنگین داشت و اتهام‌شانتاژ غریبی و گاه سر به نیست شدن به سر و صدا رؤسای سابق کارخانجات اکنون صاحبان رسمی آنها گردیده‌اند. رؤسای کارخانجات چوب، کاغذ، آهن، مواد شیمیایی اکنون میلیون‌ها هستند که بنا به نوشته مطبوعات غربی ولخرجیهای آنها و قصرهایی که آنها در غرب می‌خرند دود از کله میلیون‌ها دلار غرب برمی‌خیزاند. اینها در گذشته درآمدهای آنچنانی خود را به صورت الماس و آنتیک در می‌آوردند. دبیر کمیته مرکزی

و شیرینی است که تبلیغات رکن اساسی آن بود. دنیایی بسته که وقتی شکافی در آن افتاد تمامی باورها به ناپاوری بدل شد. یادآور رژه‌های بزرگ، تبلیها و پرچمها. مردانی در پوست شیر بر جایگاههای اختصاصی. پله به آخر می‌رسد زن در ازدحام جمعیت گم می‌شود. دمکراسی پایان می‌یابد. در اینجا دمکراسی و علنیت فاصله‌ای است بین اولین تا آخرین پله مترو. این هم دمکراسی به سبک روسی.

از مترو بیرون می‌آیم، میدان بزرگ ایستگاه غازان، محل تجمع تسمای قشرهای مختلف، تجسم بل‌بشوی عظیمی که امروز بر روسیه حاکم است. قدم به قدم مردان و زنانی را می‌بینی (زنان کمتر)، بطری و دکا یا آبجو بر دست بر کناره‌های نشسته‌اند با یک تکه‌ماهی دودی. در همان شکل و شمایل روسیه تزاری بدانگونه که تولستوی و چخوف ترسیم کرده بودند. در اعماق گورکی یک‌بار دیگر جا گرفته است. زنی مست افتاده در

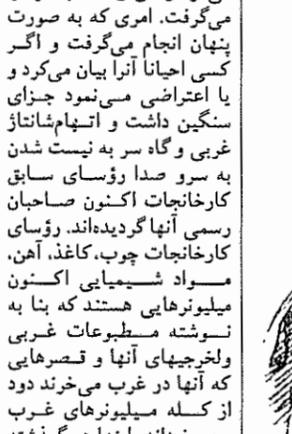
متروی مسکو: یکی از زیباترین متروهای دنیا. دو دایره بزرگ بر گرد و مرکز مسکو با ده‌ها شعاع و صدها ایستگاه و هر ایستگاه مترو برای خود نمایشگاهی است. نمایشی است از چگونگی دوران ساختمان سوسیالیسم. دوران استالین که عمده این مترو ساخته شده است. برخی ایستگاهها عمقی متجاوز از یکصد و پنجاه متر دارد با سالنهای بزرگ که به قولی برای دوران بمبارانهای جنگی طرح‌ریزی گردیده‌اند. تنها آن استبداد و مرکزیت یکپارچه و یا آن اعتماد عمیق مردم به آینده بود که می‌توانست با تکنیک آن زمان در مدتی نه چندان طولانی چنین عظمتی را درون زمین بیافریند. مترویی که روزانه متجاوز از شش میلیون نفر را جابجا می‌کند.

متروی کاماسولسکایا (متروی باریگاد جوانان). عظیم چونان معبدی. معبد دوران استالین. ستونهای بلند، سقف مورب با گچ‌بریها، سرامیکهای کار شده بر دیوار با رنگهای سرخ، آبی و سبز و زرد، اما نه تصویرگر مسیح در آغوش مریم. نه کشش‌هایی با انگشت سکوت بر دهان و شراب مقدس در دست و چشمهای دوخته‌شده بر آسمان. اینجا تصویر مریم‌ها و مسیح‌های جوانی است که چشم از آسمان گرفته و بر زمین می‌نگرند. با چهره‌های گلگون، عضلات پیچیده درم. در جنگ با آهن و پولاد. برخی در حال چیدن ریل‌های قطارند - برخی دست اندر کار ساختمان سدهای بزرگ آبی برای تفتیشی که لنین آن را نهضت الکتریفیکاسیون (برقی ساختن روسیه) نامید. تابلوی بزرگی دختران و پسران جوانی را نشان می‌دهد که پرچم سرخی بر دست و دست دیگر سایبان بر چشم. بر آفق می‌نگردند بر مشرقی که خورشید در حال دمیدن است. چوگان قلب سرخ (دانکو) بر فراز دست او. خورشیدی که هیچگاه بالا نیامد نه دیروز و نه امروز! ایستگاه انقلاب با صدها مجسمه برنزی از پیکر سربازانی که فریادکشان با فننگهای نیزه بر سر رو به جلو خیز برداشته‌اند. از دختر جوانی که کتابی بر دست بر روی تخته سنگی نشسته‌است با مسلسلی بر زانو، کارگرانی با دست‌های بزرگ استخوانی که پرچم سرخ افتاده بر زمین و پیکرهای غلطیده بعد از طوفان بعد از زمین لرزه و آتش است که نسیمی آرام و مهربان وزیدن می‌گیرد و روان آدمی را جلا می‌بخشد و دوران آرامش فرا می‌رسد. اما این طوفان هیچگاه آن نسیم آرام و روحانی را از خود بیرون نداد چرا که قالب نارس انقلاب گنجایش این روح را نداشت.

از پله برقی بالا می‌آیم از عمق صد متری و شاید بیشتر. زنی کوچک‌اندام، شروع به شعار دادن می‌کند. «مرگ بر وطن‌فروشان، مرگ بر دشمنان سوسیالیسم، مرگ بر سرمایه‌داران جدید. ما باز انقلاب خواهیم کرد. ما باز استالین را می‌خواهیم تا حق ما مردم را از گلری این سرمایه‌داران نوپا بیرون بکشد. زنده باد انقلاب سوسیالیستی! مرگ بر مافیای آمریکایی یلتسین! مردم همانطور که در پله‌ها ایستاده و بالا و پایین می‌روند، در او می‌نگرند، دست خود را بالا گرفته تند تند شعار می‌دهد برخی لبخند تمسخرآمیز می‌زنند و برخی یا آندوه بعضی کرده در گلو دراو می‌نگرند. او یادآور دوران تلخ



جویرار کنار خیابان پلیسی در حال کشاندن او و دو کودک گریان در میانه! به راستی اگر دکا را از روس‌ها بگیرند، آنها چه خواهند کرد؟ انقلاب! سال گذشته طبق آمار رسمی، مردم چهار بار از هزینه گوشت و لبنیات خود زدند. اما سه بار مصرف الکل را بالا بردند. روزانه میلیون‌ها شیشه و دکا و آبجو در این سرزمین مصرف می‌شود. بساندهای توزیع‌کننده مشروبات و سیگار مخوف ترین باندهای موجود در روسیه‌اند. اینها باندهایی هستند که آرام آرام مواد مخدر را نیز در بین این ملت که یکشنبه درم ریخته و روان اجتماعی نابسامان آنها آماده پذیرش هر آفیونی است، نفوذ می‌دهند. اگر دیروز سیگار در بین انگلستان نوجوانان تعجب‌آور می‌نمود. امروز دست بدست گشتن مواد آفیونی تعجبی بر نمی‌انگیزد چرا که همه چیز فرو ریخته و نابود شده است. غرور روسی درم شکسته چونان کشتی بادبانی عظیمی که به صخره‌ای کوبیده شود. غرور روسها هیچگاه چنین نشکسته بود. نه تپوهای ناپلئون و نه بمب‌های هیتلر، نتوانست لرزه در زانوان این ملت بیفکند. اما امروز این او را داشته شده بر کاغذ سبز، این شلوارهای آبی جین و همبرگر پیچیده شده در کاغذ مک دونالد و ماشینهای بنز زانوان آنها را به لرزه انداخته و بند از تنبانشان سست کرده است. به قول مارکس که در مورد هند می‌گفت «این نه توپ‌های ناوگان انگلیس بلکه توپ‌های کتانی که به هند شلیک کردند بود که دروازه‌های آن را گشود. امروز در روسیه نیز این شلوارهای جین، رادیو کاست‌های ژاپن و کامپیوتر بود که دروازه‌های سنگین را باز کرد؛ شاید همانگونه که انقلاب اکبر جزو عجیب‌ترین انقلاب‌ها بود. شکستن این دیوار آهنین و انقلاب بدین صورت از



از بیگستان آنها را به صورت صدها کیلو طلا و جواهر درمی‌آورد و در خارج از شهر زیر پوشش مرکز اسبدوانی قصر برای خود و شکنجه‌گاه برای مخالفان خود می‌ساخت؛ دبیر اول حزب کمونیست لنینگراد شیرها و دستگیره‌های خانه خود را از طلا درست می‌کرد و وان کریستال در حمام مسی نهاد و برای عروسی دخترش آنتیک موزه آرمیتاژ را هدیه می‌نمود. در باکو مردی است که همه او را به نام می‌شناسند. نادر قلی‌یف پیرومردی که بیست سال پیش در اوج قدرت برژنف با بیست کیلو الماس دستگیر شد. اما تنها پس از چند روز آزاد گشت. چراکه شریک او داماد برژنف بود. به قول باکوئی‌ها او هر ماه باید یک دختر جوان باکره را که نوجه‌هایش می‌آوردند از آله بکارت می‌کرد. با وجودیکه خود حزبی نبود، اکثر مسئولان درجه اول حزبی در شهرها با صوابدید او انتخاب می‌شدند. حال تمامی این آدمها علنی و با افتخار تمامی آنچه را که دارند بیرون کشیده‌اند و در نشان دادن آن بر یکدیگر سبقت می‌گیرند. علنیت به درستی انجام گرفته است. تمام قصرهای قدیمی بازسازی می‌شود برای صاحبان جدیدی که متأسفانه فرهنگ صاحبان قبلی را نیز ندارند. افراد بی‌ریشه‌ای که تنها به برکت بوقلمون صفتی و باندبازی دیروز خود، امروز شنلهای بورژوازی گذشته را بر دوش انداخته‌اند. بی‌ریشه و ترخالی «چونان نی‌هایی با کله‌های پرباد» بار دیگر غرب کلاههای دست چندم خود را بر سر ملت بیچاره روسیه نهاده است. گویا به راستی این ملت محکوم است که پیوسته «کلاههای از مد افتاده غرب را بر سر نهد». چه مضحک می‌شود قیافه کسی که کلاه کهنه دیگری را به عاریت بر سر می‌گذارد. ادامه دارد

## گردهمایی احزاب چپ اروپا: رهبران و نمایندگان

۱۵ حزب چپ اروپا ۱۱ ماه مه در یک گردهمایی در پاریس شرکت کردند. این گردهمایی به همت فراکسیون چپ متحد در پارلمان اروپا تشکیل شد. نمایندگان شرکتکننده در این گردهمایی که علیه بیکاری و از بین رفتن سیستم تأمین اجتماعی در اروپا تشکیل شده بود، اعلام کردند که سلطه نئولیبرالی اروپای متحد را که در قرارداد ماستریخت تأکید شده است، تحمل نخواهند کرد. احزاب مختلف چپ در این گردهمایی آمادگی خود را برای شرکت

## ناتوی جدید، ناتوی اروپایی

اجلاس وزرای خارجه ۱۶ کشور عضو ناتو چهارم و پنجم ژوئن در برلین برگزار شد. در این اجلاس طرح چگونگی استقرار نیروی ناتو در حالتی بحرانی مورد بحث قرار گرفت. اجلاس مزبور تصمیم گرفت یک نیروی واکنش سریع تشکیل دهد که اتحاد اروپای غربی عملیات انجام دهد. در ناتوی جدید فرانسه بعد از ۳۰ سال با مسئولیت کامل در هیئت رهبری ناتو قرار گرفت. کریستوفر وزیر امور خارجه آمریکا در مورد رفرم در ناتو میگوید: این رفرم در جهت است که اروپا مسئولیت بیشتری را بپذیرد و از وزنه سنگین تری برخوردار باشد. در طرح قطعنامه پایانی دیده می شود: «هویت جدید امنیتی و دفاعی اروپا» در داخل ناتو اجازت می دهد

## در مورد نتایج انتخابات

مصاحبه با اسرائیل شاهاک، از فعالین جنبش حقوق بشر اسرائیل

به نقل از «تاس»

● بنظر شما نتان یاهو در مورد شریکهای یهودی نشین چه سیاستی در پیش خواهد گرفت؟  
□ امکانات زیادی برای گسترش این مجموعه ها وجود دارد، من فکر می کنم در چهار سال آینده تا ۱/۵ میلیون نفر در این مناطق اسکان داده شوند. من پروسه صلح را مدتهاست که پایان یافته تلقی می کنم.

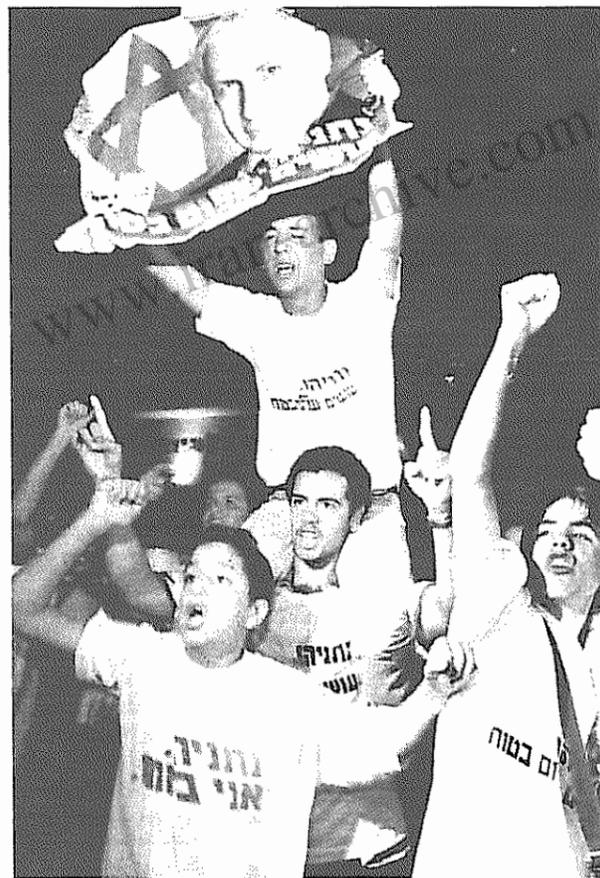
● آیا به نظر شما پیروزی نتان یاهو غیر قابل پیشگیری بود؟  
□ تنها آلترناتیو، نوعی جنگ داخلی بود. فرض کنیم پروز با تفاوت کمتر از یک درصد در انتخابات پیروز می شد و آنهم به کمک آرای عرب های ساکن اسرائیل. در عرض یک هفته شورش هایی بوقوع می پیوست و تلاش می شد که پروز را بکشند.

● نتایج انتخابات چه تأثیری بر روند صلح خاور میانه دارد؟  
□ بدون آنهم روند صلح شکست خورده بود. قرارداد اسلو - ۲ در مورد خودمختاری فلسطینی ها چنان تنظیم شده بود که اسرائیل ۷۰ درصد زمینهای غرب اردن را در دست خود نگه می داشت. این البته ایده نشتان یاهو بود. ساکنین مشرکهای هودی نشین تائید می کنند که رابین و پروز بیشتر از دولت لیکود در قیل پول در اختیار آنها گذاشتند. تعداد شریکها هنگام حکومت حزب کارگر سالانه ۱۰ درصد افزایش یافت.

## مصاحبه با زیاد ابو ضیاد نماینده بیت المقدس در پارلمان فلسطین

از روزنامه «دی تسایت» آلمان

● چگونه در مورد نتان یاهو قضاوت می کنید؟  
□ مشکل نه نتان یاهو بلکه سیاستمداران راست اطراف او هستند که مایلند ما را در اردوگاهها حبس و یا از کشور بیرون کنند. نگرانی من اینست که نتان یاهو در پروسه صلح مانع ایجاد کند و ساختن مشرکهای هودی نشین جدید در هیرون را آغاز کند.  
● آیا عرفات تضعیف خواهد شد؟  
□ روزهای سختی در پیش است. عرفات بر روی پروز و حزب کارگر حساب کرده بود علیرغم آنکه آنها سیاست مجازات جمعی را علیه فلسطینی ها پیش بردند. عرفات بایستی به روی مشکلات فلسطینی ها تکیه می کرد. وقتی فشار زیاد شود، وضعیت سیاسی به حال انفجار درمی آید. عرفات و مقامات دولت فلسطین حماس را تحت کنترل دارند



شادی طرفداران نتان یاهو پس از پیروزی در انتخابات

## رهبر بنیادگرایان ترکیه مأمور تشکیل دولت شد

بعد از استیضاح نخست وزیر ترکیه مسعود یلماز در پارلمان توسط حزب رفاه، مسعود یلماز استعفا داد. سلیمان دمیرال رئیس جمهور ترکیه، اربکان را مأمور تشکیل دولت کرد. حزب رفاه که قویترین فراکسیون پارلمانی ترکیه است ۵ ماه قبل نیز پس از گرفتن مأموریت تشکیل دولت به دلیل پیدا نکردن متحد از تشکیل دولت متصرف شد. بعد از او مسعود یلماز از حزب مام وطن با ائتلاف

## دشواریهای تازه در مسیر صلح خاورمیانه

به محض اینکه نتایج شمارش صندوقهای نمونه برداری مهمترین انتخابات تاریخ اسرائیل - بشنا به سنتی بیست ساله در اسرائیل بر روی صفحات تلویزیونی جهان به نمایش درآمد، مجالس شادی طرفداران حزب لیکود و گروههای افراطی پیروز آغاز شد و تا اعلام رسمی شکست قطعی شیمون پروز از نتان یاهو ادامه یافت. این اولین بار بود که در اسرائیل نخست وزیر با رای مستقیم مردم انتخاب می شد و این نخستین بار بود که در اسرائیل نه بر سر چگونگی ادامه جنگ و خصومت با فلسطینی ها و اعراب که بر سر امر صلح و چگونگی روند صلح تصمیم می گرفتند. نیمی از اسرائیلیهای رای دهنده در برابر نتیجه دیگری که تنها نه دهم درصد از آنها کمتر بودند، تصمیم گرفتند تا دولت آینده در اختیار حزب لیکود قرار گیرد. به دیگر سخن، هر آینه اگر رای اعراب ساکن اسرائیل به شیمون پروز را از کل آرا انتخابات کم کنیم، این نتیجه گیری ساده بدست می آید که اکثریت قابل توجه یهودیان یا اصلاً با خود صلح موافق نیستند و یا در بهترین حالت با صلحی که پروز و سلف او رابین پیش بردند. نیروهای راستگرا و عظمت طلب اسرائیلی و دستکم بخش های افراطی آن آنگاه که امیر تروریست گلوله های را در قلب اسحاق رابین نشانند و بعد هم از اینکه در کشتن شیمون پروز ناکام مانده اظهار تأسف کرد، پیشاپیش رای خود را علیه صلح و دولت مردان مجری صلح در اسرائیل صادر کرده بودند. گرچه این ترور، حزب لیکود را در وضعیت ضعیفی قرار داد و فضای عاطفی مؤثری را به نفع حزب رابین - پروز و به سود سیاست صلح در جامعه اسرائیل ایجاد کرد، اما لیکودی ها را هم در این نتیجه گیری مصرتر نمود که نیروی مخالف در جامعه و بویژه در ارتش بسیار قدرتمند است و آنرا نباید دستکم گرفت. برای لیکودی ها اهمیت بسیار داشت تا بالاترین مقام قدرت سیاسی در اسرائیل را اشغال کنند و مهار روند صلح را در دست داشته باشند. اکنون نتان یاهو بر تصمیم اکثریت قاطع یهودیهای اسرائیل که نشان دادند نه توصیه صریح کلیتون مینی بر ضرورت انتخاب پروز را به جد می گیرند و نه با ماجراجویی جنگی آخر شیمون پروز در جنوب لبنان و وعده های او در باره جاودانگی پایتخت بودن بیت المقدس تسکین می پذیرند.

اینک نوبت راستگرایان و عظمت طلبان اسرائیلی است تا مسیر خود را بر روندهای مهم سیاسی در کشور که قبل از همه با روند صلح مشخص می یابد، بگویند. روشن است که بحث بر سر قطع روند صلح و ساده انگارانه تر از آن، اعلام جنگ با فلسطینی ها نیست. صلح میان اسرائیل و فلسطینی ها و اعراب، ناشی از تحولات اساسی در اوضاع سیاسی بین المللی و دگرگونی در وضعیت ژئوپلیتیک جهان و نیز یک نیاز ملی برای خود اسرائیل است. حتی حزب لیکود نیز به نفع تداوم روند صلح

● مصاحبه دبیر کل حزب احیای کمونیستی ایتالیا

در صفحه ۲

● زیکانف یا بلتسین: روسیه به کدامیک رای می دهد؟

در صفحه ۱۱